طب الائمه علیهم السلام



بسم الله الرحمن الرحیم


اللهم صل على محمد وآل محمد



ولادت

ابو عتاب ، عبد الله بن بسطام بن شاپور زیات نیشابوری و برادرش حسین بن بسطام بن شاپور زیات نیشابوری (درگذشت ۴۰۱ هجری)، دو تن از راویان بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری می باشند.

خاندان بسطام

خاندان بسطام از روات معتبر شیعه و خاندانی اهل علم بودند که روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را نقل کرده و به دست دیگر فقهای شیعه رسانده اند.

ابو العباس بن عقده نام آنان را در کتاب رجال خود آورده است.

نجاشی در این باره می فرماید: «بسطام بن شاپور و برادرانش زکریا و زیاد و حفص همه شخصیت هایی مورد اطمینان می باشند و روایاتی از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهماالسلام روایت کرده اند.»

شخصیت

عبد الله و حسین ابنا بسطام دو برادر و دو تن از روات معتبر و از فقهای شیعه در قرن چهارم هجری به شمار می آیند. آنها برای مرزبانی از مرزهای جغرافیایی و عقیدتی اسلام به شهر قزوین سفر کردند و از ناشران علوم محمد و آل محمد صلوات الله علیهم در آن منطقه شدند.

روایات آنان مورد توجه علما و فقهای شیعه واقع شده و در مجموعه های بزرگ روایی مورد استناد قرار گرفته است. مشهورترین تألیف آنان کتاب طب الائمهٔ علیهم السلام می باشد.

سخنان علما

نجاشی

نجاشی درباره حسین بن بسطام به نقل از ابو عبد الله بن عیاش جوهری می گوید)):حسین بن بسطام ابن شاپور زیات به همراهی برادرش ابو عتاب کتابی در علم طب نگاشته است که دارای نکات سودمند فراوانی است . آنان در این کتاب به بیان طب از راه مواد غذایی و فواید آن و همچنین از راه ادعیه پرداخته اند.

حسین شخصیتی اهل علم بوده و از ادبیاتی قوی برخوردار بود و قدرت شعر و خط زیبایی داشت.

خداوند او را رحمت فرماید. وی در سال ۴۰۱ هجری درگذشته است.

آقا بزرگ تهرانی

آقا بزرگ تهرانی می فرماید:«حسین بن بسطام بن شاپور و برادرش ابو عتاب عبد الله بن بسطام بن شاپور صاحب کتاب طب الائمهٔ می باشند.»

سید محسن امین

سید محسن امین ، صاحب کتاب ارزشمند أعیان الشیعهٔ در این باره می فرماید:«عبد الله و حسین ، دو فرزند بسطام بن شاپور زیات ، کتابی در طب ائمه علیهم السلام نگاشته اند که مجموعه روایاتی درباره خواص خوردنی ها و آشامیدنی ها و دعا برای رفع امراض می باشد.»

سید حسن امین

سید حسن امین هم می گوید:«حسین بن بسطام بن شاپور زیات و برادرش ابو عتاب عبد الله بن بسطام بن شاپور هر دو از علمای شیعه و از قدمای اصحاب می باشند.

آنها کتابی در علم طب به نام طب الائمهٔ نگاشته اند و در آن از جابر بن حیان از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند.»

طب الائمه علیهم السلام

نویسنده : پسران بسطام

مترجم : احمد بانپور

مشاور پزشکی: دکتر هادی نقیبی

سرشناسه: ابن بسطام، عبدالله، قرن ۴ ق
عنوان قراردادی: طب الائمه علیهم السلام، فارسی
عنوان و پدیدآوران: طب الائمه علیهم السلام ابن بسطام نیسابوری، ترجمه احمد بانپور
مشخصات نشر: مشهد: استوار ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص
شابک: ۱-۰۸-۵۴۹۱-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت: فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا
موضوع: پزشکی اسلامی – متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع: پزشکی اسلامی، احادیث
شناسه افزوده: بانپور، احمد، ۱۳۴۳ – مترجم
رده بندی کنگره: R ۱۲۸/۳
شناسه اثر: ۲۰۴۱ ط ۹ ز
رده دیویی: ۶۱۰/ ۹۱۷۶۷۱

انتشارات استوار
شناسنامه کتاب

نام کتاب .... طب الائمه علیهم السلام
مترجم .... احمد بانپور
مشاور پزشکی .... دکتر هادی نقیبی
ناشر .... انتشارات استوار
نوبت چاپ .... اول ۸۹
تیراژ چاپ .... ۳۰۰۰ جلد
صفحه آرایی .... شهریار طوس
لیتوگرافی .... مشهد اسکنر
چاپ .... دقت
صحافی .... حافظی و پسران
شابک ۱-۰۸-۵۴۹۱-۶۰۰-۹۷۸
قیمت .... ۳۲۰۰ تومان

مشهد – جنب باغ نادری – گنجینه کتاب – انتشارات استوار تلفن: ۳-۲۲۲۲۵۶۲
پخش هاتف مشهد: ۲۲۵۵۲۰۰ – پخش هاتف تهران: ۶۶۴۱۵۴۲۰
پخش کتاب میلانی: ۲۲۴۲۲۶۲

فهرست مطالب

عنوان .... صفحه

مقدمه

گروه فراوانی از بزرگان مکتب شیعی با تلاش فراوان به جمع آوری احادیث پیرامون پزشکی پرداخته‌اند که از آن جمله می توان به ابن سیّار بصری کاتب طاهریان در روزگار امام حسن عسکری علیه السلام، ابواحمد جلودی از مشایخ ابن قولویه، شیخ احمد بلادی بحرانی (م ۱۱۲۴ هـ ق) صاحب الطب الاحمدی، علامه سید عبدالله شبّر کاظمی (م ۱۲۴۲ هـ ق) صاحب طب الائمه را نام برد.

یکی دیگر از این کتاب‌ها که اولین مجموعهٔ مستقل در این باره می‌باشد کتاب طب الائمه می‌باشد که به وسیلهٔ دو فرزند بلند همت بسطام که ایرانی هم هستند جمع آوری شد و به معرفی آن می پردازیم.

* * *

خاندان ابوالحسن بسطام بن سابور زیات، یکی از خاندان‌های مشهور علمی شیعه است و محدثین بزرگواری از این خاندان به ظهور رسیده و منشأ خدمات برای شیعه شدند. ابوالحسن بسطام از موالی و ثقه بود. سه برادر او زکریا، زیاد و حفص نیز از ثقات بوده و از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام روایت نقل کرده‌اند.

دو فرزند از او به نام‌های حسین و عبدالله باقی ماندند که طب الائمه نتیجهٔ کار آن‌هاست.

این کتاب برای اولین بار به دستور آیة الله العظمی بروجردی در ایران چاپ شد. البته ایشان اعلام می‌کنند که راوی این کتاب ابن عیاش از دوستان نجاشی بوده و با پدر نجاشی هم رفت و آمد داشته

است ولی نجاشی از او حدیثی نقل کرده و این دلیل بر این می‌باشد که کتاب مورد تأیید نجاشی نبوده است!

در پاسخ باید گفت: عدم نقل مطالب این کتاب توسط نجاشی شاید دلیل دیگری داشته باشد که ما از آن بی خبریم و چه بسا او از اصل این کتاب خبر نداشته است و یا پس از مرگ نجاشی این کتاب عرضه شده است و نیز باید گفت: شاید روایت ابن عیاش در این کتاب مورد تأیید او نبوده است زیرا علمای بزرگ شیعه از کتاب‌های او تجلیل کرده‌اند چنان چه علامه سید صدر در تأسیس الشیعه از ابن عیاش تجلیل فراوان می‌کند. دانشمندان دیگری مانند علامه مجلسی به دفعات از این کتاب تعریف و تجمید می‌کند.

***

امامان معصوم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام علاوه بر این که به درمان روح بشر توجه داشتند به سلامت بدن به عنوان مرکب و جایگاهی برای رساندن انسان به درجات بالای تقوا و دیانت اهتمام خاصی داشته‌اند.

گروه زیادی برای استفاده از مسائل معنوی سراغ امامان آمده و از اقیانوس بیکران معارف و علم لدنی ایشان استفاده کرده و در راه رسیدن به علوم ربّانی بهره برده‌اند و گروهی دیگر نیز برای درمان بیماری‌های خود سراغ امامان آمده و برای مداوا از تجربیات و علم نوری ایشان خوشه‌ها چیده‌اند.

در همهٔ منابع درجه اول فرقهٔ ناجیه شیعه به چنین احادیثی برخورد می‌کنیم و اگر این احادیث با علم تجربی امروز مقایسه شود

به عظمت این سخنان که در حدود هزار و چهارصد سال قبل از دهان مبارک این بزرگواران بیرون آمده است پی می‌بریم. کاری که توسط برخی از پزشکان متعهد مسلمان مانند شهید پاک نژاد، دکتر پریور، دکتر صفدر صانعی و دیگران انجام شده است و الحق همگی در این راه برای رساندن پیام پزشکی امامان به خوبی تلاش کرده‌اند.

پزشکانی که در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان شیعه علیهم السلام زندگی می‌کردند همگی در برابر علم پزشکی امامان سر تعظیم فرود آورده‌اند که نمونهٔ عالی آن را می‌توان در گفتگوی علمی امام ششم شیعیان با طبیب هندی دید.

علاوه بر تجویز گل‌ها و گیاهان و میوه‌های شفابخش برای درمان، در کلام گهربار امامان، آیات، ادعیه، اسماء الحسنی و تعویذهایی مشاهده می‌کنیم که عمل شده و راویان تصریح کرده‌اند که شفا یافته‌اند و قاعدةً توجه ایشان را هم به خدا و دنیای پاک توسل زیادتر می‌سازد و خوانندگان گرامی بهتر است به جای چون و چرا و شبهه و تردید، توکل به خدا و عنایات معصومین به آن عمل شود به آن امید که در شرایط آرام و مناسب قرار بگیرد و خوراکی‌ها و داروها بهتر در او تأثیر بگذارد و راه درمان او سرعت پیدا کند که امروز علم ثابت کرده است تلقین تأثیر مهمی در شفای بیماری‌ها حتی بیماری‌های درمان‌ناپذیر دارد.

پاداش بیمار

* ابو عتاب عبدالله و حسین پسران بسطام از محمد بن خلف در قزوین و از علماء آل محمدعلیه السلام از حسن بن علی الوشّاء از عبدالله بن سنان از برادرش محمد بن سنان از امام صادقعلیه السلام از پدر بزرگوارش و از جدّ بزرگوارش از امام حسینعلیه السلام روایت کرده است که فرمود:

روزی امام علیعلیه السلام به عیادت سلمان فارسی رحمه الله رفت و پرسید: ای اباعبدالله! حالت چطوراست؟

سلمان فارسی پاسخ داد: خداوند تبارک و تعالی را بسیار حمد و سپاس می‌گویم ولی از شدّت این بیماری نزد شما شکایت می‌کنم.

علیعلیه السلام فرمود: ای سلمان! زیاد نگران و پریشان نباش، مگر این که در گذشته گناهی مرتکب شده و این درد و بیماری برای پاکیزه شدن از آن می‌باشد!

سلمان گفت: مولای! من اگر این طور است که شما می‌فرمایید پس بیماری هیچ سودی برای ما جز پاکی گناه ما ندارد.

امام فرمود: ای سلمان! برای شما پاداشی دارد در حالی که بر آن صبر کنید و تضرّع به خدا و عزت نهادن به اسمش و دعا کردن به وسیلهٔ آن انجام دهید خداوند تبارک و تعالی برای شما پاداش می‌نویسد و درجات شما رابالا می‌برد. امّا درد از شدت بیماری،

برای پاک شدن و کفاره گناه می‌باشد.

سلمان، پیشانی امام را بوسید و شروع به گریه کرد و گفت: مولای من! چه کسی می‌توانست این مسائل را بر من جز شما روشن کند.

* ابو عتاب عبدالله پسر بسطام از محمد بن خلف از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

هر کس از بلایی بترسد که به آن بلا مبتلا شود با دعا کردن می‌تواند از مبتلا شدن به آن جلوگیری کند.

*امام علی علیه السلام فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای علی! دعا از مبتلا شدن به بلا جلوگیری می‌کند.

حسن بن علی وشّاءِ می‌گوید: به عبدالله بن سنان گفتم: آیا آن دعا، وقت مخصوصی می‌خواهد؟

ابن سنان گفت: من نیز در این باره از امام صادق علیه السلام پرسش کردم حضرت در پاسخ فرمود: بله، شیعیان ما برای هر بیماری، دعای مخصوصی دارند ولی کسانی که علم بصیرت دارند دعایشان در هر موقع مستجاب می‌شود زیرا آن هایی که علم بصیرت دارند دعاهای آن ها پنهان نمی‌شود.

* پسر بسطام از محمد بن خلف از وشاءِ از امام رضا علیه السلام روایت کرده که امام فرمود: هرگاه یک نفر از شما بیمار شدید به دیگران اجازه دهید به عیادتش بیایند زیرا هر که نزد بیمار دعا کند دعایش مستجاب می‌شود.

سپس فرمودند: ای وشاءِ! عرض کردم: جانم به قربانت!

فرمود: آیا فهمیدی چه به تو گفتم؟

عرض کردم: بله، جانم به قربانت!

فرمود: مردم نمی‌دانند، آیا می دانی منظورم از مردم چه گروهی هستند؟

گفتم: منظور شما امّت پیامبر خداست؟

فرمود: منظورم از مردم، شیعیان ما اهل بیت می‌باشند.

* ابوعبدالله بن بسطام از حسن بن علی از عبدالله بن سنان از برادرش از مفضل بن عمر از امام صادق علیه‌السلام از پدر بزرگوارشان حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود: هرگاه مؤمن بیمار شد، خداوند تبارک و تعالی به فرشتهٔ سمت چپ که مسئول نوشتن کار بد انسان می‌باشد وحی می‌کند که هیچ چیز برای بنده ننویس تا هنگامی که زندانی من است که در آن جا گناه نمی‌کند. سپس به فرشته سمت راست که مسئول نوشتن کار خوب انسان است وحی می‌کند و به او می‌فرماید: برای بنده‌ام آن چه را که قبلاً می‌نوشتی بنویس که آن‌ها صحیح است تا در کارنامه اعمالش، از خوبی‌ها و حسنات نوشته شود.

* ابوعتاب از محمد بن خلف و نیز حسین از وشاءِ از عبدالله بن سنان از برادرش محمدبن سنان از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است:

هر شب که مؤمن بیمار شود و تا صبح از شدت درد نتواند بخوابد، برای او پاداش عبادت یک سال نوشته خواهد شد.

* امام علی از رُسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده است: یک شب تب کردن، کفارهٔ یک سال گناه می‌باشد.

* و نیز با این اسناد از عبدالله بن سنان روایت شده که گفت: در مکّه بودم، احساس دردی کردم که هیچ کس از آن جز خداوند تبارک و تعالی آگاه نبود. در راه بازگشت به مدینه نزد امام صادق علیه السلام رفتم. امام به من فرمود: استغفار کن از آن چه در دلت احساس کردی و دیگر آن را تکرار نکن!

راوی می‌گوید؛ من نیز استغفار کردم در همان حال احساس کردم که رگ پایم گرفته است؛ قبل از آن که رگ پایم بگیرد هنگام خداحافظی، امام به من فرمود: هرشخصی که از درد نالان شود و صبر کند، خداوند تبارک و تعالی برای او پاداشی مانند پاداش هزار شهید می‌نویسد.

برای نوبت دوّم رگ پایم گرفته شد و از شدت درد به مدت یک ماه نالان بودم. سال بعد به حج رفتم و در راه بازگشت، خدمت امام مشرف شدم و از دردی که داشتم به ایشان خبر دادم. به من فرمود: از این نترس، پای دیگرت را به من نشان بده .خدا، تو را شفا داد من، پای دیگر را در مقابلشان دراز کردم. سپس ایشان دعایی خواند و در همان حال پایم خوب شد.

از محضر امام خداحافظی کردم و به طرف منزل راه افتادم. به خانه که رسیدم احساس کردم پایی که سالم است رگش گرفته شده است. هر دعایی که می‌خواندم خوب نمی‌شد و از شدت درد، سه شبانه روز نالان بودم، تا وقتی که دعای امام را که برای من خوانده بودند، خواندم. در همان لحظه پایم خوب شد.

دعا این است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ: إنّي اَسْئَلُك بِاسْمِك الطّاهِرِ المُطَهَّرِ القُدُّوسِ الْمُبارَك اَلَّذي مَنْ سَئَلَك بِهِ اَعْطَيْتَهُ وَمَنْ دَعاك بِهِ أَجَبْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تُعافيني مِمّا اَجِدُ في رَأسي وَ في سَمْعي وَ في بَصَري وَ بَطْني وَ في ظَهْري وَ في يَدي وَ في رِجْلي وَ في جَسَدي وَ في جَميعِ اَعْضائي وَ جَوارِحي اِنَّك لَطيفٌ لِما تَشاءُ وَ اَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

دعای هنگام بیماری

* ابو عبدالله بن بسطام از خزار رازی از فضاله از ابان بن عثمان از ابی حمزه ثمالی از امام باقر از امام علی‌علیه‌السلام روایت کرده است: هر که به بیماری یا دردی مبتلا شد خود را با این دعا محافظت کند:

اَعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَى الْاَشياءِ، اُعيذُ نَفْسي بِجَبّارِ السَّماءِ، اُعيذُ نَفْسي بِمَنْ لا يَنْضُرُّ مَعَ اسْمِهِ داءٌ، اُعيذُ نَفْسي بِالَّذي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَ شِفاءٌ.

سپس امام فرمود: اگر کسی خدا را با این دعا بخواند، هیچ درد و بیماری در بدنش باقی نمی‌ماند.

* علی بن ابراهیم واسطی می‌گوید: محبوب از محمد بن سلیمان و او از ابی جارود از ابی اسحاق از حارث الاعور روایت کرده که می‌گوید: نزد امام علی‌علیه‌السلام مشرّف شدم و از دردی که مبتلا شد بگوید: بِسْمِ اللهِ وَ بِالله وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ وَ آلِهِ اَعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلىٰ ما يَشاءُ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ.

سردرد

* سهل بن احمد از علی بن نعمان از ابن مسکان از عبدالرحمن

القصیر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است امام محمد باقر علیه السلام فرمود: هر که به سر درد مبتلا شد، دست بر سرش بکشد و هفت مرتبه این دعا را بگوید، خداوند شفایش خواهد داد. دعا این است.

اَعُوذُ بِاللهِ سَکَنَ لَهُ ما فی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ ما فِي السّماوات وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ.

* حزیر بن ایوب جرجانی می‌گوید: محمد بن ابی نصر از ثعلبه از عمرو پسر صیقل برایم روایت کرد که به سر درد شدیدی دچار شدم. از شدت درد، شب و روز را نمی‌شناختم. در همان حال به نزد امام صادق علیه السلام رفتم. به من فرمود: دست خود را بر روی سرت بگذار و هفت بار این دعا را بخوان به خواست خدا شفاء خواهی یافت.

بِسْمِ اللهِ الَّذی لا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیءٌ فِی الْاَرْضِ وَ لا فِی السَّماءِ وَ هُوَالسَّمیع ُ الْعَلیمُ، اَللّهُمَّ اِنّی أسْتَجیرُبِكَ مِمّا اسْتَجارَ بِهِ مُحَمَّدُصَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ.

اَعُوذُ بِاللهِ اُعیذُ نَفْسی مِنْ جَمیعِ مَا اعْتِرانی بِاسْمِ اللهِ الْعَظیمِ وَ کَلِماتِهِ التّامّات الَّتی لایُجاوِزْهُنْ بِرُّ وَ لا فاجِرُ، اُعیذُ نَفْسی بِاللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِرَسولِ اللهِ صَلَّی الله عَلَیْهِ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ الْاَخیار، اَللّهُمَّ بِحَقِّهِمْ عَلَیْكَ اِلاّ أَجَرْتَنی مِنْ شکاتی هٰذِهِ.

* ابوصلت هروی روایت کرده که می‌گوید: امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارشان روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: به شیعیان ما، در هنگام سر درد این دعا را یاد بدهید. این اسم‌ها، اسم‌های با

عظمت هستند که در نزد خدای عزّوجل در مکان با عـظمت جـا دارند هر که خدا را با این اسم‌ها بخواند، خداوند، سر درد را از او بر طرف می‌کند و آن اسامی این‌ها هستند: یا ذَرُّ یاطمنهُ یا طناثُ

* عبدالله بن بسطام از اسحاق بن ابراهیم روایت کرده که می‌گوید: نزد امام هادی علیه‌السلام مشرّف شدم. یکی از دوستان بلند شد و عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! خانواده‌ام خیلی به این درد ملعون مبتلا می‌شوند.

امام فرمود: کدام درد را می‌گویی؟ گفت: سر درد را می‌گویم.

امام فرمود: مقداری آب بردار و این آیه را بر آن بخوان، سپس آن را بخور انشاء الله دیگر ضرر نمی‌رساند.

«أَوَلَمْ یَرَ الَّذینَ کَفَروا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْاَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیءٍ حَیِّ اَفَلا یُؤمِنونَ.»[1]

شانه‌کردن سبیل

* تمیم بن احمد السّیرافی می‌گوید: محمد بن خالد برقی و او نیز از علی بن نعمان از داود بن فرقد و معلی بن خُنیس روایت کرده که امام صادق علیه‌السلام فرمود: اصلاح کردن سبیل، دندان‌ها را محکم می‌کند و اصلاح کردن ریش، وبا را از میان می‌برد و اصلاح کردن موی دور گردن، چرک سینه را از بین می‌برد و اصلاح کردن موی داخل بینی، امان از جذام است و اصلاح کردن موی سر، باعث نابود شدن بلغم می‌شود.

۱- «مگر کافران ندیده‌اند که آسمان و زمین بسته بودند، ما آن‌ها را شکافتیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم، پس چرا ایمان نمی‌آورند؟» (انبیاء/۳۰)

بلغم

* راوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام برای درمان بلغم فرمود: عَلَک رومی (سقز، صمغ) کُندر، آویشن، سیاه دانه را برداشته، آن‌ها را با هم کوبیده و الک کرده، سپس آن را به هم می‌زنیم تا با هم مخلوط شود. سپس آن را با عسل مخلوط می‌کنی و هر روز و شب هنگام خوابیدن، به اندازه یک فندق از آن میل می‌کنی.

* عبدالله بن مسعود یمانی می‌گوید: طریانی از خالد فماط روایت کرده است که امام رضا علیه السلام در باره داروی بلغم فرمود: هویج زرد یک مثقال، خردل دو مثقال و عاقرقرحا یک مثقال را برداشته و آن را با هم می‌کوبی و ریز کرده، و الک کرده و سپس ناشتا از آن می‌خوری. بلغم از بین می‌رود، بزاق دهان را خوب می‌کند و دندان‌ها را محکم می‌کند. انشاءالله.

تعویذ برای سر دردهای مختلف

* محمد بن محمد برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان سنانی از یونس بن ضبیان از مفضل بن عمر از امام صادق از امام محمد باقر از امام سجاد از امام حسین از امام علی روایت کرده است:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به سر درد شدیدی مبتلا شد، جبرئیل به نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا، این تعویذ متعلق به سر درد تو می‌باشد، آن را بخوان، خدا شفایت می‌دهد. ای محمّد! هر که این تعویذ را هفت بار بر هر دردی بخواند خدا به اذن خودش شفایش می‌دهد. پس بر هر جایی که دردی داری دست بکش و بگو:

بِسْمِ اللهِ رَبِّنا الَّذی فِی السَّماءِ، تَقَدَّسَ ذِکْرُهُ، رَبُّنَاالَّذی فِی السَّماء وَ الْاَرْضِ اَمْرُهُ نافِذٌ ماضٍ کَما أَنَّ اَمْرَهُ فِی السَّماء إِجْعَلْ رَحْمَتَكَ فِی الْاَرْضِ وَ اغْفِرْلَنا ذُنوبَنا وَ خَطایانا یا رَبَّ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرِینَ أَنْزِلْ شِفاءً مِنْ شِفائكَ وَ رَحْمَةً مِنْ رَحْمَتِكَ عَلیٰ فُلانِ ابْنِ فُلانَةِ. (و به جای فلانه، نام مادرش را بگوید)

❊ دعای دیگر برای بر طرف کردن درد صداع، این است:

یا مُصَغِّرَ الْکُبَراءِ وَ یا مُکَبِّرَ الصُّغراء وَ یا مُذْهِبَ الرِّجسِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مُطَهِّرَهُمْ تَطْهیراً صَلِّ عَلیٰ مُحمَّدٍ وَ آلِ مُحمَّدٍ وَامْسَحْ ما بی مِن صداعٍ شَقیقَةٍ.

❊ محمد بن ابراهیم سراج محجوب از هشام پسر سالم از حبیب سیستانی و آن شخص از علمای معروف سیستان بود روایت کرده است: نزد امام محمد باقر علیه السلام رفتم و گفتم: مولای من! هر هفته یک بار یا دو بار به سر درد مبتلا می‌شوم!

امام به من فرمود: دست خود را به نیمهٔ سرت که درد در آن احساس می‌کنی بگذار و سه بار این دعا را بگو به خواست خداوند تبارک و تعالی شفاء خواهی یافت:

یا ظاهِراً مَوْجوداً وَ یا باطِناً غَیْرَ مَفْقُودٍ اِرْدِدْ عِلی عَبْدِكَ الضَّعیفِ اَیادیكَ الْجَمیلَةَ عِنْدَهُ وَ إِذْهَبْ عَنْهُ ما بِهِ مِن اَذی إِنَّكَ رَحیمٌ وَدودٌ قَدیرٌ.

❊ سیاری از محمد بن علی از محمد بن مسلم از علی بن ابی حمزه از ابابصیر روایت کرده است:

امام محمد باقر علیه السلام را دیدم که: هر که را به میگرن مبتلا بود به

همان تعویذ، تعویذ می‌نمود. و نیز برای درمان میگرن، این تعویذ را دریک تکّه کاغذ بنویسید و آن را به سمتی که درد می‌کند آویزان کنند.

دعا این است: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم، اَشْهَدُ أَنَّكَ لَسْتَ بِإِلهٍ إِسْتَحْدَثْناكَ وَ لا بِرَبٍّ يُبيدُ ذِكْرَكَ وَ لا يُشْرِكُكَ قَوْمٌ يَقْضُونَ مَعَكَ وَ لا كانَ قَبْلَكَ مِنْ إلهٍ أَوْ نَتَعَوَّذُ بِهِ وَ نَدَعُكَ مِنْ أَحَدٍ فَيَسْأَلُ فيكَ سُبْحانَكَ وَ بِحَمْدِكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاشْفِهِ بِشِفاكَ عاجِلاً.

تعویذ برای درد چشم

❋ احمد بن محمد ابی جعفر از ابی عمیر از ابی ایوب خزار از محمّد بن مسلم از امام صادق از امام باقر از امام سجاد از امام حسین از امام علی روایت کرده است:

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: وقتی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مرا در روز غزوهٔ خیبر خواست؛ به ایشان عرض کردند: علی علیه‌السلام به چشم درد مبتلا شده است و از شدت چشم درد نمی‌تواند از جای خودش حرکت کند.

حضرت فرمود: بروید و او را بیاورید! مرا (حضرت علی) به نزدش آوردند. به ایشان عرض کردم: به چشم درد شدیدی مبتلا شده‌ام و از شدت درد نمی‌توانم جایی را ببینم.

به من فرمود: نزدیک بیا!

نزدیک شدم، ایشان دست مبارکشان را بر روی چشم‌هایم گذاشت و این تعویذ را خواند که بعد از آن خوب شدم. سوگند می‌خورم به خدایی که ایشان را به نبوت کرامت نمود و به پیامبری مبعوث نمود و ایشان را مختص رسالت قرار داد و از میان بندگانش،

مخصوص خود قرار داد. و از میان بندگانش، مخصوص خود قرار داد. من بعد از آن تعویذ که پیامبر بر چشمانم نه گرمی و نه سردی و نه دردی احساس نکردم.

راوی گفت: امام را می‌دیدم که در سرمای شدیدی بیرون می‌رفت در حالی که فقط یک پیراهن نازک بر تن داشت. به ایشان عرض کردند: ای امیرالمؤمنین! آیا سرما نمی‌خوری؟!!

حضرت در پاسخ فرمود: از هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز مرا تعویذ نمود هرگز احساس گرمی و سردی نکردم و گاهی نیز در گرمای شدید لباس پشمی می‌پوشیدم. به ایشان عرض کردند که آیا شما گرما زده نمی‌شوی؟ در جواب قبلی را می‌دادند.

دعا این است:

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ السَّلامُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ، اَللّٰهُمَّ اكْفِهِ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ وَقِهِ الْاذى وَ الْبَلاءَ.

تعویذ برای درد گوش

※ خراش بن زهیر ازدی از محمّد بن جمهور قمی از یونس بن ظبیان روایت کرده است:

نزد امام صادق علیه السلام رفتم و از درد گوش در نزد ایشان نالان شدم. به من فرمود: دست خود را بر روی گوش بگذار و هفت بار این ذکر را بگو، درد گوش به اجازهٔ خدای تبارک و تعالی از تو دور می‌شود.

دعا این است: اَعُوذُ بِاللهِ الَّذى سَكَنَ لَهُ ما فِى الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.

داروی درد گوش

* یک مشت کنجد را با پوستش همراه با یک مشت خردل برداشته، با هم آن را کوبیده و روغنش را می‌گیری و روغنش را داخل بطری ریخته و با در آهنی سر آن را ببند. دو قطره از آن را به مدت سه روز داخل گوش می‌ریزی و گوش را با پنبه بگیر. به خواست خدا شفاء خواهی یافت.

بیرون آوردن سنگ ریزه از گوش

* بکر از عمویش سدیر روایت کرده است: روزی یک سنگ ریزه برداشتم و گوشم را با آن خاراندم. در همان حال سنگ ریزه وارد گوشم شد. هر کار کردم آن را از گوشم بیرون بیاورم نتوانستم. به نزد پزشکان رفتم، آن‌ها نیز نتوانستند آن را در بیاورند. در همان سال به حجّ رفتم و در آن جا امام محمد باقر علیه السلام را دیدم و دربارهٔ اتفاقی که برایم رخ داده بود صحبّت کردم. حضرت به فرزند برومندش امام صادق علیه السلام فرمود: آن سنگ ریزه را از گوشم در بیاورد!

امام مرا به روشنایی برد و داخل گوشم را نگاه کرد ولی چیزی در گوشم ندید!

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: آیا چیزی در گوشش دیدی؟ امام صادق علیه السلام عرض کرد: نه، چیزی در گوشش ندیدم.

فرمود: او را به نزد من بیاور!

مرا به نزد ایشان برد. وقتی که به نزد ایشان آمدم، این تعویذ را خواند و به من فرمود: آن را سه بار تکرار کن و با همان انگشتی که سنگ ریزه وارد شد، سنگ ریزه را در بیاور! من نیز این کار را کردم و

سنگ ریزه از گوشم خارج شد.

دعا این است: اَللّهُمَّ أَخْرِجْها کَما اَدْخَلْتَها بِلا مَؤُنَةٍ وَ لامَشَقَّةٍ.

برای کری گوش

حنان بن جابر فلسطینی از محمد بن علی از بن سنان از عمار بن مروان از منخل از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است:

مردی نزد امام محمد باقرعلیه السلام آمد و از کری گوشش در نزد ایشان نالان شد. به او فرمود: دست بر روی گوش بگذار و آخر سورهٔ حشر را بخوان:

«لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرآنَ عَلىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرونَ. هُوَ اللهُ الَّذي لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ هوَ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ. هوَ اللهُ الَّذي لا اِلٰهَ اِلاّ هوَ الْمَلِكُ الْقُدّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزيزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللهِ عَمّا يُشْرِكونَ. هوَ اللهُ الْخالِقُ الْبارِیءُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ.»

تعویذ برای درد دهان

* حریز بن ایوب جرجانی از ابو سمینه از علی بن اسباط از ابی حمزه ثمالی از ابی بصیر روایت کرده است:

یکی از دوستان به نزد امام صادقعلیه السلام آمد و از درد دهانش در نزد ایشان نالان شد. امام صادقعلیه السلام به او فرمود: هرگاه به چنین دردی مبتلا شدی، دست بر روی دهان بگذار و بگو ان شاء الله به اجازه خداوند تبارک و تعالی خوب خواهی شد. بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ

الرّحیم، بِسْمِ اللهِ الّذی لا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ داءٌ اَعوذُ بِکَلِماتِ اللهِ الّتی لا یَضُرُّ مَعَها شَیْءٌ قُدُّوساً قُدُّوساً قُدُّوساً بِاسْمِکَ یا ربُّ الطّاهِرُ الْمُقَدَّسُ الْمُبارَکُ الّذی مَنْ سَأَلَکَ بِهِ اَعْطَیْتَهُ وَ مَنْ دَعاکَ بِهِ اَجَبْتَهُ اَسْئَلُکَ یااَللهُ یااَللهُ یا اَللهُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَنْ تُعافِیَنی مِمّا اَجِدُ فی فَمی وَ رَأسی وَ فی سَمْعی وَ فی بَصَری وَ فی بَطْنی وَ فی ظَهْری وَ فی یَدی وَ فی رِجْلی وَ فی جَمیعِ جَوارِحی کُلِّها.

درددندان

* ابو عبدالله حسین بن (احمد) محمد خواتیمی از ایمان حسین بن علی بن یقطین از حنان صیقل از ابی بصیر روایت کرده است که او گفت: به دندان درد شدیدی مبتلا شدم. به نزد امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و خبر دادم به درد دندان شدیدی مبتلا شده‌ام و از شدت آن نمی‌توانم شب‌ها بخوابم!

حضرت به من فرمود: ای ابا بصیر! اگر چنین دردی مبتلا شدی دست خودت را بر روی دندان بگذار و بر آن سوره حمد و سوره توحید بخوان و سپس این آیه را بخوان. اگر این کار را کردی دیگر به درد مبتلا نمی‌شوی.

«وَ تَرَی الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللهِ الَّذی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهُ خَبیرٌ بِما تَفْعَلونَ.»

* حمران بن اعین رازی از ابوطالب از یونس از ابی حمزه ثمالی از سماعه بن مهران روایت کرده است که می‌گوید: مردی به نزد امام صادق علیه السلام آمد و از درد دندان نالان شد. امام همان تعویذ را به او

آموخت ولی درد دندان آن مرد پیش‌تر شد. دوباره به نزد امام آمد و امام به او فرمود: یک بار بر روی آن سوره قدر بخوان خوب خواهی شد.

* و نیز روایت شده از امام علی علیه السلام که فرمودند: هر که به درد دندان مبتلا شد، در حالت سجده بر روی جایی که از آن رنج می‌برد دست بکشد و بگوید: **بِسْمِ اللهِ وَ الشّافِيُ اللهُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.**

* از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: اگر سوراخ دندان پوسیده باشد مقداری گندم را برمی‌داری و پوست آن را بکن و روغنش را بگیر و دو قطره در دندانت بگذار، از آن روغن، داخل یک پنبه بگذار و در گوشش که دندان در آن سمت است آن پنبه را به مدت سه شب بگذار، دندانت خوب می‌شود إن شاء الله تعالی.

* ابراهیم بن خالد از ابراهیم بن ثعلبه از ابی بصیر از امام صادق روایت کرده است که فرمود: این نسخه برای دندان درد می‌باشد و خیلی تأثیرگذار و نافع است و هر که این کار را کرد هرگز به دندان درد مبتلا نمی‌شود ان شاء الله تعالی.

آن نسخه این است: که سه برگ زیتون را برمی‌داری و بر روی برگ این دعا را می‌نویسی.

بِسْمِ اللهِ لا مُلْكَ اَعْظَمُ مِنَ مُلْكِ اللهِ وَ اَنْتَ لَهُ الْخَليفَةُ يا هيا شراهيا اَخْرِجِ الدّاءَ وَ اَنْزِل الشِفاءَ وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلَّمَ تَسليماً.

* امام صادق علیه السلام فرمود: (یا هیا و شراهیا) دو نام مبارک خدا به

زبان عبرانی است و پشت آن سه برگ، این تعویذ را می‌نویسی. قبل از این که آن‌ها را در یک پارچه تمیز قرار دهی، آن سه برگ را به وسیلهٔ نخ می‌بندی. آن پارچه را هفت گره می‌زنی و هنگام گره زدن هر گره بر آن، نام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و نام‌های حضرت آدم، نوح، موسی، عیسی و حضرت شعیب علیه السلام را بر زبان می‌آوری. سپس بر محمّد و آل محمّد درود می‌فرستی و آن پارچه را بر روی دندانی که از آن رنج داری می‌گذاری، به خواست خداوند تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

* از امام حسین علیه السلام روایت است که فرمود: هرگاه به دندان درد مبتلا شدی انگشت خود را بر روی دندانی که از آن رنج می‌بری بگذار و این تعویذ را هفت بار تکرار کن ان شاء الله خوب خواهی شد. دعا این است: **اَلْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِدابَّةٍ تَكونُ فی الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ وَ تَتْرُكُ اللَّحْمَ انَا اَرْقِیٰ وَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الشّافی الْكافی لا الهَ اِلاَّ اللهُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ «وَ اِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادّٰرَءْتُمْ فیها وَ اللهُ مُخْرِجُ ما كُنْتُم تَكتُمونَ فَقُلْنا اضْرِبوهُ بِبَعْضِها.»**

* وقتی به دندان درد مبتلا شدی بر آن سوره حمد، فلق، ناس، توحید بخوان و همراه هر سوره بسم الله الرحمن الرحیم می‌گویی و پس از سورهٔ توحید، این تعویذ را می‌خوانی.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ. «وَ لَهُ ما سَكَنَ فی اللَّیلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ.» (۱) **«قُلْنا یا نارُكونی بَرْداً وَ سَلاماً عَلیٰ اِبراهیمَ. وَ اَرادوا بِهِ كَیْداً فَجَعَلْنا هُمُ الْاَخْسرینَ.»** (۲) **نودِیَ اَنْ بورِكَ مَنْ فِی**

۱- انعام/۱۳.
۲- انبیاء/ ۶۹ و ۷۰.

النّارِ وَ مَنْ حَوْلَها وَ سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ».

يا كافى مِنْ كُلِّ شَىْءٍ وَ لا يَكْفى مِنْكَ شَىْءٌ اِكْفِ عَبْدَكَ وَ ابْنَ اَمَتِكَ مِنْ شَرِّ ما يَخافُ وَ يَحْذَرُ مِنْ هٰذَا الْوَجَعِ الَّذى يَشْكوهُ اِلَيْكَ.

تعویذ برای درمان سرفه

* عبدالله بن محمد بن مهران کوفی از ایوب بن عمرو بن شمر از جابر از امام محمد باقر از امام سجاد از امام حسین که علی علیه السلام فرمود: هر که به گلو درد و سرفه کردن مبتلا است خود را با این کلمات درمان کنند زیرا این کلمات کامل و جماع برای هر چیزی می‌باشد.

اَللّهُمَّ اَنْتَ رَجائى وَ أنْتَ ثِقَتى وَ عِمادى وَ غِياثى وَ رِفْعَتى وَ جَمالى وَ اَنْتَ مَفْزَعُ الْفَزِعينَ لَيْسَ لِلْهارِبينَ مَهْرَبٌ اِلاّ اِلَيْكَ وَ لا لِلْعالَمينَ مَعْمولٌ اِلاّ عَلَيْكَ وَ لا لِلرّاغِبينَ مَرْغَبٌ اِلاّ لَدَيْكَ وَ لا لِلْمَظْلومينَ ناصِرٌ اِلاّ أنْتَ وَ لا الّذى لِلْحَوائجِ مَقْصَدُ اِلاّ اِلَيْكَ وَ لَيْسَ الرِّزْقُ وَ الْخَيْرُ وَ الْفَرَجُ اِلاّ بِيَدِكَ خَزَنَتْنى الْاُمور الْفادِحَةُ وَ اعيتْنى الْمَسالِكُ الضَّيِّقَةُ وَ اخْتوشَتْنى الْاَوْجاع الْموجه وَ لَمْ اَجِدْ فَتْحَ بابِ فَرَجٍ اِلاّ بِيَدِكَ فَاَقَمْتُ تِلقاء وَجْهِكَ وَ اسْتَفْتَحتُ عَلَيْكَ بِالدُّعاءِ اَغلاقه فَاَفْتَحْ يا رَبِّ لِلْمُسْتَفْتِحِ وَ اسْتَجِبْ لِلدّاعيِ وَ فَرِّجِ الْكَرْبَ وَ اكْشِفِ الضُّرَّ وَ سَدَّ الْفَقْرَ وَ اجلِ الْحُزْنَ وَ انفِ الْهَمِّ وَ اسْتَنْقِذْنى مِنَ الْهَلَكَةِ فَاَنّى قَدْ اَشْفَيت عَلَيْها وَ لا اَجِدُ لِخَلاصى مِنْها غَيرك يا اللهُ يا مَنْ يُجيبُ الْمُضطَرَّ اِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السّوْء اِرْحَمْنى وَاكْشِفْ عَنّى ما بى مِنْ غَمٍّ وَكَرْبٍ وَ وَجَعٍ وَ داءٍ.

رَبِّ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ اَرْجُ فَرَجى مِنْ عِنْدِ غَيْرِكَ فَارْحَمْنى يا اَرْحَمَ

الرَاحِمينَ هٰذا مَكانُ الْبائسِ الْفَقيرِ هٰذا مَكانُ الْخائفِ الْمُسْتَجير هٰذا مَكانُ الْمُسْتَغيثِ، هٰذا مَكانُ الْمُكْرَب الضَّريرِ هٰذا مَكانُ الْمَلْهوفِ الْمُسْتَعيذِ هٰذا مَكانُ الْعَبْدِ الْمُشْتَقِّ الْهالكِ الْغَرِيقِ الْخائفِ الْوَجِلِ هٰذا مَكانُ مَنْ اِنْتَبَهَ مِنْ رقدتهِ وَ اسْتَيْقَظَ مِنْ غَفْلَتِهِ وَ افرقْ مِنْ عِلَّتِهِ وَ شِدَّةِ وَجَعِهِ وَ خافَ مِنْ خَطيئَتِهِ وَ اعْتَرَفَ بِذَنْبِهِ وَ اخبتَ اِلىٰ رَبِّهِ بكا مِنْ حَذَرِهِ وَ اسْتَغْفر وَ اسْتَعْبَرَ وَ اسْتَغفىٰ وَ اسْتَغفا وَ الله اِلىٰ رَبِّهِ وَ رَهَبَ مِنْ سَطْوَتِهِ وَ اَرْسل مِنْ عبْرَتِهِ وَ رَجا وَ بَكا وَ دعا وَ نادىٰ رَبِّ اَنّى مَسّنى الضُّرَ فَتَلافني قُدْرَتي مَكاني وَ تَسْمَعُ كَلامي وَ تَعْلَمُ سَرائرى وَ عَلانيتى وَ تَعْلَمُ حاجَتى وَ تُحيطُ بِما عِنْدى وَ لا يخْفى عَلَيْكَ شَىْءُ مِنْ اَمْرى وَ مِنْ عَلانِيَتى وَ سِرّى وَ ما ابدى وَ ما يكنهُ صَدْرى فَاَسْئَلُكَ بِاَنَكَ تَلى التَّدْبير وَ تقْبل الْمَعاذيرَ وَ تَمضى الْمَقاديرَ بِسؤالِ مَنْ أساءَ وَ اعْتَرَف وَ ضللمه نَفْسهُ وَ اقْتَرَفَ وَ نَدِمَ عَلى ما سَلَفَ وَ أنابَ اِلىٰ رَبِّهِ وَ أسف وَ لاذَبِفِنائِه وَ عَكَفَ وَ اَناخَ رَحاهُ وَ عَطَفَ وَ تَبتَّلَ اِلى مقيلِ عثْرَتِهِ وَ قابل توبَتِهِ وَ غافر حوبَتِهِ وَ راحمِ غُرْبَته وَ كاشِف كُرْبَتِهِ وَ شافي عِلَّتِهِ اَنْ تَرحمَ تَجاوزى بِكَ وَ تَضَرُّعى اِلَيكَ وَ تَغْفِرَلي جَميعَ ما اَخْطائهُ مِنْ كِتابِك وَ ما مَضى مِنْ عِلْمِكَ مِنْ ذُنوبى وَ خَطاياىَ وَ جَرائرى فى خَلَواتى وَ فَجراتى وَ سَيِّئاتى وَ هَفَواتى وَ هَناتى وَ جَميعِ ما تَشْهَدُ بِه حفظتكَ وَ كتبتهُ مَلائكتُكَ فى الصِغَر وَ بُعْد الْبُلوغِ وَ الشَطبِ وَ الشَبابِ وَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ الْغُدُوِّ وَ الاَصالِ وَ بِالْعَشىَ وَ الاَبْكارَ واضُحى وَ السَحارِ وَ فى الحَضَرِ وَ السَّفَرِ وَ فِى الْخَلاء وَ الْمَلاء وَ اَنْ تَجاوَزَ عَنْ سَيِّئاتى فى اَصْحابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِى كانوا يوعَدونَ اَللّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ

اَلِه اَنْ تَكْشَفَ عَنّى العِلَلَ الغاشيَةَ فى جِسْمى وَ فى شَعْرى وَ بَشْرى وَ عُروقى وَ عَصَبى و جَوارحى فَاِنَ ذلِكَ لا يَكْشِفُها غَيْرك يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ.

درمان چرک سینه و درد آن

* ابوالقاسم تفلیسی از عیسی از حریز بن عبدالله سیستانی روایت کرده است: به درد چرک سینه مبتلا شدم و از شدت درد نمی‌توانستم کاری انجام دهم. در همان حال به نزد امام صادق عليه‌السلام رفتم و به ایشان عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! به درد سینه گرفتار شده و سینهٔ من چرک کرده است و گاهی وقت‌ها هنگام نماز دچار وسوسه می‌شوم و نماز خود را قطع می‌کنم.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: تو از تعویذ جدّ ما علی بن ابی طالب عليه‌السلام استفاده کن! هر گاه به چنین دردی مبتلا شدی این تعویذ را سه بار می‌خوانی، سپس صلوات می‌فرستی بر محمد و آل محمد، خدا شفایت خواهد داد ان شاء الله. دعا این است:

بِسْمِ اللهِ و باللهِ، اَللّهُمَّ مَنَنْتَ عَلَىَّ بِالْايمانِ وَ اَوْدعْتَنى الْقُرانَ وَ رَزَقْتَنى صِيامَ شَهرَ رَمَضان، فَامْنُنْ عَلَىَّ بِالرَّحْمَةِ وَ الرِّضوانِ وَ الرَّأفَةِ وَ الْغُفْرانِ وَ تَمامِ ما اَوْلَيْتَنى مِنَ النِّعَمِ وَ الْاحْسانِ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا دائِمُ يا رَحْمانُ، سُبْحانَكَ وَ لَيْسَ لى اَحَدٌ سِواكَ، سُبْحانَكَ أَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هذِهِ الْكِراماتِ مِنَ الْهَوانِ وَ أسألُكَ اَنْ تَجَلىَ عَنْ قَلْبِى الْاَحْزانِ.

* حسین بن بسطام از محمد بن خلف از وشاء از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق از امام محمد باقر از امام سجاد به استناد از امام

علی روایت کرده است:

مردی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشرّف شد و عرض کرد ای پیامبر خدا! برادری دارم که مبتلا به درد شکم می‌باشد که از شدت درد آن نمی‌تواند کاری انجام دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: برو به نزد برادرت و عسل با آب گرم بخورد تا خوب شود. آن مرد به نزد برادرش رفت و آن دارو را به او گفت ولی برادرش خوب نشده!

بار دیگر به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برگشت و عرض کرد آن دارو برای برادرم اثر نداشت و حالا از درد شکمش نالان است!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: شکم برادرت دروغ گفته و خدا راست گفته است. به نزد برادرت برو و به او بگو آن شربت عسل با آب گرم را بخورد و هنگام خوردن به او بگو که هفت بار سوره حمد را بخواند، خوب خواهد شد.

آن مرد رفت، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ما فرمود: برادرش منافق است و دارو بر او اثر نمی‌کند!

* و نیز روایت شده که مردی به نزد امام علی آمد و از درد شکمش در نزد امام نالان شد. امام به او فرمود آب گرم بخورد و بگوید:

یااَللّهُ یااَللّهُ یا رَحمنُ یا رَحیمُ یا رَبَّ الْأَرباب یاإلهَ الْأَلِهَةِ یا مَلِکَ الْمُلُوکِ یا سَیِّدَ السّاداتِ اِشْفِنی بِشِفائِکَ مِنْ کُلِّ داءٍ وَ سُقْمٍ فَاِنّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ اَتَقَلَّبُ فی قَبْضَتِکَ.

* ابوعبدالله خواتیمی از پسر یقطین از حسان صیقل از ابابصیر روایت کرده که می‌گوید: مردی به نزد ایشان نالان شد. امام به او

فرمود: برو و دستت را روی جای که درد می‌کند بگذار و سه بار این تعویذ را بگو، انشاءالله خوب خواهی شد:

«وَ إِنَّهُ لَكِتابٌ عَزيزٌ لا يَأْتيهِ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزيلٌ مِنْ حَكيمٍ حَميدٍ.»(۱)

* امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر گاه یکی از مؤمنین به شکم درد مبتلا شد درد شکمش را از دیگران مخفی کنید! دست خود را در جای که از آن درد می‌کشد بگذارید و با خلوص نیّت این آیه را بخواند خوب خواهد شد زیرا این آیه برای درمان دردها می‌باشد و مصداق آیه این است که می‌گوید: شفاء و رحمت برای مؤمنان می‌باشد و آن آیه این است:

«وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ وَ لا يَزيدُ الظّالِمينَ إِلّا خَساراً.»(۲)

* حریز بن ایوب از ابوسمینه از علی بن اسباط از ابوحمزه ثمالی از حمران این روایت، روایت کرده است:

مردی به نزد امام محمد باقر علیه‌السلام آمد و از درد پهلو و کلیه شکایت کرد. امام به او فرمود: ای مرد! کجایی، از تعویذ امیرالمؤمنین استفاده کن!

آن مرد به ایشان عرض کرد: آن تعویذ چیست؟

فرمود: هر گاه به این چنین درد مبتلا شدی بعد از پایان از نماز دستت را بر روی سجده گاه خودت بگذار و سپس روی جای که از آن درد می‌کشی مسح کن و این تعویذ را بخوان.

---

۱ - فصلت / ۴۱ و ۴۲. ۲ - اسراء / ۸۲.

آن مرد می‌گوید من آن کار را انجام دادم و دیگر به درد پهلو و درد کلیه مبتلا نشدم.

«اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّما خَلَقْناكُمْ عَبَثاً وَ اَنَّكُمْ اِلَيْنا لا تُرْجَعونَ. فَتَعالَى اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لااِلهَ اِلّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَريمِ. وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللهِ اِلهاً آخَرَ لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ فَاِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ اِنَّهُ لا يُفْلِحُ الْكافِرُونَ. وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ اَنْتَ خَيْرُ الرّاحِمينَ.»[1]

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمدبن سنان از امام صادق از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: خوردن کاشم (گیاهی رومی) برای کلیه مؤثر است.

* برسی از محمد بن سنان روایت کرده که امام علی علیه السلام فرمود: هر که دوست ندارد به هیچ مرضی مبتلا نشود و ضرری به او نرسد غذا نخورد تا وقتی که گرسنه شود و معده‌اش خالی شود و هر وقت خواست بخورد بسم الله بگوید و غذا را در حالی که احساس کند که هنوز می‌تواند بخورد خوردن را ترک کنند.

* عبدالله بن بسطام از محمد بن رزین از حماد بن عیسی از حریز از امام صادق از امام محمد باقر از امام سجاد از امام حسین از امام علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر بنده‌ای تندرستی می‌خواهد در حالی که بقاء وجود ندارد کم لباس بپوشد و سحرگاه از خواب بیدار شود و با همسر خود کم‌تر نزدیکی کنند!

* محمد بن عبدالله بن مهران کوفی از ایوب از عمر بن شمر از جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است:

۱- مؤمنون / ۱۱۵-۱۱۸

مردی از خراسان به نزد امام سجادعليه‌السلام مشرف شد. عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا، حجّ رفتم و نیّت کردم به نزد شما مشرّف شوم تا برایم دعا کنی زیرا من به درد طحّال مبتلا شده‌ام که از شدت درد، شب و روز ندارم.

امام به آن مرد خراسانی فرمود: خدا، شفایت دهد که حمد و سپاس مخصوص اوست، هرگاه به چنین دردی مبتلا شدی این آیه را با زعفران بنویس و آن را با آب زمزم مخلوط کن و بخور به خواست خداوند تبارک و تعالی آن درد از تو دور می‌شود.

«قُلِ ادْعُو اللهَ أَدْعُوا الرَّحمنَ أَيّاً ما تَدْعُوا فَلَهُ الأَسْماءُ الْحُسْنى وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَابْتَغِ بَيْنَ ذلِكَ سَبيلاً وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.»(۱)

و نیز این حروف را در یک کاغذ تمیز می‌نویسی و بر بازوی دست چپ آویزان می‌کنی، به مدت هفت روز به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد (لاس س س ح ح د م کرم ل له و محی حح لله صره رححب سی حجحت عشره به هکت ان عنهاح حل یصرس هو بوا امیوا مسعوف).

احمد بن یزید از صحاف کوفی از امام موسی از امام صادق از امام محمد باقرعليه‌السلام می‌فرماید: مردی از یاران امام سجاد به نزد ایشان مشرف شد و از شدت درد طحال نالان بود در حالی که با همه داروها آن را معالجه کرده بود شدت درد به جای رسید که آن شخص

۱- اسراء/ ۱۱۰ و ۱۱۱.

از شدت درد نزدیک به هلاکت شد!

امام به او فرمود: مقداری تره بخرد و آن را ریز ریز کند و با روغن خوب سرخ کند و از آن به مدت سه روز بخورد به قدرت خدای تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان سنانی از مفضل بن عمرو از محمد بن اسماعیل از ابو زینب روایت کرده است:

مردی از یاران ما به نزد امام صادق علیه‌السلام رسید و در نزد ایشان از درد مثانه شکایت کرد. امام به او فرمود: سه بار وقتی می‌خواهی بخوابی و یک بار وقتی که بیدار شدی خود را با این تعویذ، تعویذ کن، ان شاءالله خوب خواهی شد.

آن مرد می‌گوید: این کار را کردم و دیگر به درد مثانه مبتلا نشدم.

دعا این است: اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیر، «اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللهَ لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما لَکُمْ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا نَصیرٍ.»[۱]

* خضر بن محمد از حواینی از فضاله از ابان بن عثمان از ابی حمزه ثمالی از امام محمد باقر روایت کرده است:

مردی از قبیله همدان به درد کمر مبتلا شد. به نزد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام مشرف شد و عرض کرد: سرورم! کمرم درد می‌کند و از دردش نمی‌توانم شب بخوابم.

امام فرمود: دست را روی جای که درد می‌کند بگذار و سه بار این

۱- بقره/ ۱۰۶ و ۱۰۷

تعویذ را بخوان و سپس هفت مرتبه سوره قدر را بخوان خوب خواهی شد. «وَ ما کانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَموتَ اِلّا بِإذْنِ اللهِ کِتاباً مُؤَجَّلاً وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الدُّنْیا نُؤتِهِ مِنْها وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الْآخِرَةِ نُؤتِهِ مِنْها وَسَنَجْزِی الشّاکِرینَ.»[۱]

درمان درد ران‌ها

پدر عبد رحمان تائب از محمد بن عبدالله زعفرانی از حماد بن عیسی که اسنادش را به امام علی دادند روایت کرده است:

هر گاه کسی از شما به چنین دردی مبتلا شد پس از داخل یک تشت پر از آب ولرم بنشینید و دستش را روی رانش بگذارد و بگوید:

«اَوَلَمْ یَرَالَّذینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّماواتِ وَ الأرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلا یؤمِنُون.»

درمان درد فرج

و نیز با همان اسناد از حزیر روایت شده که می‌گوید: سالی به حجّ رفتم. در برگشت به مدینه رفتم و به نزد امام صادقعليه‌السلام مشرّف شدم. معلّی بن خُنیس را دیدم که از درد پا نالان بود.

امام به او فرمود: در جایی عورت خود را آشکار کرده‌ای و به همین خاطر خدا، تو را به این درد مبتلا کرده است! ولی آن را به این دعا که از امام علیعليه‌السلام می‌باشد درمان کن و دیگر به چنین دردی مبتلا نمی‌شدند. هر گاه به چنین دردی مبتلا شدی دست چپ خود را بر روی آن بگذار و سه بار این تعویذ را بخوان. به خواست خدای

۱- آل عمران/ ۱۴۵.

تبارک و تعالی خوب خواهی شد و دیگر به این درد مبتلا نمی‌شوی.

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ «بَلی مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ»(۱)، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْلَمْتُ وَجْهی اِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ اَمْری اِلَيْكَ لا مَلْجَأَ وَ لا مَنْجاً مِنْكَ اِلّااِلَيْكَ.

تعویذ برای درمان دو ساق

خداش بن سیره از محمد بن جمهور ارصوفوان بیاع سابری از ابن محمد روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه السلام رسیدم و از درد ساق‌های پا در نزد ایشان نالان شدم. به من فرمود: آن‌ها را تعویذ کن!

عرض کردم: ای پسر رسول خدا! با چه چیزی تعویذ کنم؟

فرمود: با این آیه، تعویذ کن! دست را بر روی ساق پایت بگذار و هفت بار این آیه را بخوان. راوی می‌گوید: این کار را انجام دادم، در همان لحظه به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شدم و دیگر به درد مبتلا نشدم.

ما اوحِيَ اِلَيْكَ مِنْ كِتابِ رَبِّكَ لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دونِهِ مُلْتَحَداً.

* حوارینی رازی از صفوان بن یحیی سابری غیر از صفوان جمال از یعقوب بن شعیب از ابان بن تغلب از عبدالاعلی از ابی عبد الرّحمان اسلمی از امام علی روایت کرده است: هر که به بواسیر مبتلا شد آن را با این تعویذ درمان کنند که انشاءالله خوب خواهد شد.

يا جَوادُ يا ماجِدُ يا رَحيمُ يا قَريبُ يا مُجيبُ يا بارِئُ يا راحِمُ

۱- بقره/۱۱۲.

صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَازْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَكَ وَاكْفِنی أَمْرَ وَجْعی.

* محمّد بن عبدالله بن مهران کوفی از اسماعیل بن یزید از عمرو بن یزید صیقل روایت کرده که می‌گوید: به نزد امام صادق علیه السلام مشرّف شدم. مردی به نزد ایشان آمد و عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا علیه السلام جایز است که برای درمان بواسیر شدید از شراب استفاده کنم! در حالی که نوشیدن آن لذّتی نداشته باشد و فقط برای درمان و دواء استفاده شود!

فرمود: نه، حتی یک جرعه از آن جایز نیست.

سپس فرمود: آن حرام است. به درستی که خداوند عزّوجل، شفاء و تندرستی را در چیزی که حرام کرده نگذاشته است.

حضرت فرمود: تره را برداشته و سر سفیدش را قطع نمی‌کنی و آن را می‌شوری و ریز کرده مقداری روغن برداشته و آن را روی تره می‌گذاری و ده دانه بادام برمی‌داری و آنها را پوست کنده، سپس آن را با وزن ده درهم پنیر می‌کوبی و تره را روی آن می‌ریزی و با هم مخلوط می‌کنی و بعد از آن، از روی آتش پایین می‌آوری و از آن ناشتا با نان به مدت سه روز یا هفت روز از آن می‌خوری و از خوردن چیز دیگری اجتناب و بعد از آن مدت کمی نخود فرنگی را با نان و بادام پوست کنده برمی‌داری و از آن می‌خوری.

از روغن و تره به نام خدا مقدار سه و نیم مثقال روغن کنجد و سهو نیم مثقال کندر برداشته و آن را می‌کوبی. سپس بعد از آن نیز سه و نیم مثقال روغن کنجد برمی‌داری و با هم مخلوط می‌کنی و از آن ناشتا به مدت سه روز می‌خوری و غذای بعد از ظهر را تأخیر

می‌کنی. اگر این کار را انجام دادی به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

درد پا

* حنان بن جابر از محمد بن علی صیرفی از حسین الاشقر از عمر بن ابی مقدم از جابر از امام محمد باقر روایت کرده است:

نزد جدّم امام حسین علیه السلام نشسته بودم، در همان حال مردی از بنی امیه از دوستان و شیعیان ما وارد شد. عرض کرد: ای پسر رسول خدا! من از شدت درد پا نتوانستم به نزد شما مشرّف شوم.

امام فرمود: ای مرد، چرا تو از این تعویذ غافل هستی؟

مرد گفت: منظور شما کدام تعویذ می‌باشد؟!

آن مرد می‌گوید: امام آن تعویذ را به من آموخت، من آن کار را انجام دادم و دیگر به درد پا مبتلا نشدم.

«اِنّا فَتَحنا لَكَ فَتْحاً مُبيناً، لِيَغْفِرَلَكَ اللهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيَكَ صِراطاً مُسْتَقيماً. وَ يَنْصُرَكَ اللهُ نَصْراً عَزيزاً، هوَ الَّذى اَنْزَلَ السَّكينَةَ فى قُلوبِ الْمؤمِنينَ لِيَزْدادوا إيماناً مَعَ إيمانِهِمْ وَ لِلهِ جُنودُ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ كانَ اللهُ عَليماً حَكيماً. لِيُدْخِلَ الْمؤْمِنينَ وَ الْمؤمِناتِ جَنّاتٍ تَجْرى مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهارُ خالِدينَ فيها وَ يُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئاتِهِمْ وَ كانَ ذلِكَ عِنْدَ اللهِ فَوْزاً عَظيماً. وَ يُعَذِّبَ الْمُنافِقينَ وَ الْمُنافِقاتِ وَ الْمُشْرِكينَ وَ الْمُشْرِكاتِ الظّانّينَ بِاللهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ اَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ ساءَتْ مَصيراً. وَ للهِ جُنودُ

السّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَكانَ اللهُ عَزيزاً حَكيماً.»[۱]

درمان ماهیچه‌های پا

* ابو عتاب عبدالله بن بسطام از ابراهیم بن محمد الأودی از صفوان جمال از امام صادق از امام محمد روایت کرده است: مردی به نزد امام حسین علیه السلام مشرف شدند و عرض کرد: به درد ماهیچه‌های پا مبتلا شدم و از شدت درد آن‌ها نمی‌توانم برای نماز بلند شوم.

امام به او فرمود: چه چیزی تو را از خواندن این تعویذ منع کرده است؟

آن مرد عرض کرد: کدام تعویذ؟!

ایشان فرمود: هرگاه به چنین دردی مبتلا شدی، دست خود را بر روی آن بگذار و این تعویذ را همراه با این آیه روی آن بخوان. به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

آن مرد می‌گوید: این کار را انجام دادم و در همان حال به خواست خدای تبارک و تعالی خوب شدم و دیگر به هیچ درد ماهیچه مبتلا نشدم.

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ السَّلامُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

و سپس این آیه را می‌خوانی:

«وَ ما قَدَروا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمعياً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ السَّماواتُ مَطْوِيّاتٌ بِيَمينِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالىٰ عَمّا يُشْرِكونَ.»[۲]

۱- فتح / ۱-۷.
۲- زمر / ۶۷.

تعویذ برای درمان تمام مفاصل بدن

* حسن بن صالح محمودی از ابو عمرو بن شمر از جابر بن یزید جعفی روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه السلام مشرّف شدم. ایشان به من فرمود: ای جابر! عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! بفرمائید.

به من فرمود: ای جابر! بر هر ورم از مفاصل بدن سه بار آیات آخر سوره حشر را بخوان، آن ورم از میان می‌رود. آیات این است:

«لَوْ اَنْزَلْنا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلیٰ جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَةِ اللهِ وَ تِلْكَ الْاَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَكَّرونَ. هُوَ اللهُ الَّذی لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ. هُوَ اللهُ الَّذی لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمؤمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزیزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللهِ عَمّا یُشْرِكونَ. هُوَ اللهُ الْخالِقُ الْبارِیءُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنی یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزیزُ الْحَكیمُ.»[۱]

* و نیز فرمود: یک چاقو برمی‌داری و دور ورم می‌چرخانی و این تعویذ را می‌خوانی، سپس آن را روی زمین می‌گذاری. به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

تعویذ این است:

بِسْمِ اللهِ أُرْقیكَ مِنَ الْجِدِّ وَ الْحَدیدِ وَ مِنْ اَمْرِ الْعُودِ مِنَ الْحَجَرِ الْمَلْبودِ وَ مِنْ عِرْقِ الْعاقِرِ وَ مِنْ وَرَمِ الْآخِرِ وَ مِنَ الطَّعامِ وَ عِقْدِهِ وَ مِنَ الشَّرابِ وَ بَرْدِهِ اِمْضِ بِإِذْنِ اللهِ اِلی اَجَلٍ مُسَمًّی فِی الْاُنْسِ وَ

۱- حشر/ ۲۱-۲۴.

الانعام بِسْمِ اللهِ فَتَحْتُ وَ بِسْمِ اللهِ خَتَمْتُ.

باطل کردن سحر

* عبدالله بن علا قزوینی از ابراهیم بن محمد از حماد بن عسیی از یعقوب بن شعیب از عمران بن میثم از عبایه بن ربیعی الاسدی روایت کرده است:

شنیدم امام علی علیه السلام به اصحابش که از سحر شکایت می‌کردند می‌فرمود: این تعویذ را در کاغذ سفید و پاک بنویس و آن را همراه خود بگذار، که سحر هیچ ضرر و بدی به تو نمی‌رساند.

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ بِسْمِ اللهِ وَ ماشاءَ الله، بِسْمِ اللهِ لا حَوْلَ وَ لا قوَّةَ اِلاّ بِالله، «قالَ موسیٰ ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللهَ لا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدينَ.»[1] «فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانوا يَعْمَلونَ فَغُلِبوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبوا صاغِرينَ.»[2]

* و نیز محمد بن موسی ربعی از محمد بن محبوب از عبدالله بن غالب از سعد بن ظریف از اصبغ بن نباته السّلمی روایت کرده که می‌گوید: تعویذ را از امام علی گرفتم. به من فرمود: این تعویذ برای باطل کردن سحر و ترس از فرمانروا می‌باشد که آن را هفت بار می‌خوانی و نیز بر روی آب، آن را هفت بار می‌خوانی. بعد از پایان نماز شب پیش از این که نماز روز را بخوانی.

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ «سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُما سُلْطاناً فَلا يَصِلونَ اِلَيْكُما بِآياتِنا اَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَكُما الْغالِبونَ.»[3]

۱- یونس / ۸۱.
۲- اعراف / ۱۱۸ و ۱۱۹.
۳- قصص / ۳۵.

آسان شدن زایمان

* خواتیمی از محمد بن علی صیرافی از محمد بن اسلم از حسن بن محمد هاشمی از ابان بن عیاش از سلیم قیس هلالی از امام علی روایت کرده است:

فرمود: من دو آیه در قرآن می‌شناسم که وقتی که زنی زایمان بر او سخت شود اگر این دو آیه را بر روی کاغذی بنویسند و در گردنش آویزان کند به اذن خدا زایمان برای آن زن آسان می‌شود و آن دو آیه این است که هفت مرتبه باید خوانده شود.

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ. «فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً. اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً.»(۱)

* و نیز یک بار این آیه را بنویسید و آن را با ریسمان کتان بدون این که افراشته باشد و آن را بر روی ران چپ زن می‌بندی و وقتی که بچه نمایان شد در همان لحظه آن را ببرید بدون این که مکث کنید و آن آیه این است:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقوا رَبَّكُمْ اِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظيمٌ. يَوْمَ تَرَوْنَها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذاتِ حَمْلٍ حَمْلَها وَ تَرَى النَّاسَ سُكارىٰ وَ ما هُمْ بِسُكارىٰ وَ لٰكِنَّ عَذابَ اللهِ شَديدٌ.»(۲)

و در لحظه‌ای که زنی بخواهد زایمان کند بر کاغذی نوشته شود:

حينَ وُلِدَت مَرْيَم وَ مَرْيَم وُلِدَت حَيَ يا حَيَ اِهْبِطْ اِلَى الأَرْضِ اَلسّاعَةِ بِإِذْنِ اللهِ تَعالىٰ.

۱- انشراح/ ۵ و ۶.
۲- حج/ ۱ و ۲.

برای بچه‌ای که زیاد گریه می‌کند

* و نیز برای کسی که شب نمی‌خوابد و نیز برای زنی که از درد شب نیم خوابد این آیات را بر روی آن بخواند:

«فَضَرَبْنا عَلىٰ آذانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنينَ عَدَداً، ثُمَّ بَعَثْناهُمْ لِنَعْلَمَ اَیُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصىٰ لِما لَبِثوا أَمَداً.»(۱)

* ابو مغره واسطی از محمد بن سلیمان از مروان بن جهم از محمد بن مسلم از امام محمد باقر به اسناد از امام علی علیه السلام این روایت را به همین مضمون ذکر کرده‌اند.

رام کردن حیوان

* حاتم بن عبدالله ازدی از ابو جعفر مقری امام جماعت مسجد کوفه از جابر راندی روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام در راه سفر، به مردی برخورد کردند که پریشان خاطر بود. امام به او فرمود: ای مرد! چرا پریشان خاطر هستی؟

پاسخ داد: ای پسر پیامبر خدا، اسبم فرار کرده و اکنون و دیگر راه نمی‌رود.

امام فرمود: ای مرد، چرا تو از این آیه غافل هستی. هر گاه اسبت چنین شد، داخل گوش آن این آیه را بخوان:

«أَوَلَمْ يَرَوا اَنّا خَلَقْنا لَهُمْ مِمّا عَمِلَتْ اَيْدينا اَنْعاماً فَهُمْ لَها مالِكونَ. وَ ذَلَّلْناها لَهُمْ فَمِنْها رَكوبُهُمْ وَ مِنْها يَأْكُلونَ.»(۲)

تعویذ برای در امان بودن در سفر

* علی بن عروه اهوازی از دیلمی از داود رقی از امام موسی

۱- کهف/ ۱۱ و ۱۲.
۲- یس/ ۷۱ و ۷۲.

کاظم روایت کرده است:

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: هرگز در سفر از راهزنان و خطرات دیگر نترس، اگر بر پشت اسبش این کلمات را بنویسد که به خواست خدا در سفر سالم خواهد ماند. «لا تَخافُ دَرَکاً وَ لا تَخْشیٰ.»(۱)

* داود رقی می‌گوید: به حجّ رفته بودم و وقتی که به صحرا رسیدم راهزنان به ما هجوم آوردند و راه ما را بستند و من در آن قافله بودم. در همان لحظه بر کوهان شترم این تعویذ را نوشتم. سوگند به خدا که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به نبوّت مبعوث نمود و امیر المؤمنین را به ولایت مشرّف نمود. من از شرّ آن راهزنان در امان ماندم در حالی که اموال و دارای قافله را غارت کرده بودند. و به خاطر آن تعویذ، هیچ راهزنانی به من نزدیک نشد و به من چپ نگاه نکرد.

آیه این است: لا تَخافُ دَرَکاً وَ لا تَخْشیٰ.

تعویذ برای درمان تمام دردها

* علی بن اسحاق از زکریا که آن شخص غلام امام رضا بود روایت کرده است:

نزد امام رضا علیه السلام بودم. ایشان به من فرمود: ای زکریا! عرض کردم: جانم به قربانت ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بفرماید من سر تا پا گوش به فرمانت هستم.

فرمود: ای زکریا! بر هر بیمار و دردها این تعویذ را بخوان که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد:

۱- طه/ ۷۷.

«يا مُنْزِلَ الشِّفاءِ وَ مُذْهِبَ الدّاءِ اَنْزِلْ عَلىٰ وَجْعِى الشِّفاَء.»

يعني: (اى نازل كننده شفاء و از برنده درد بر دردم، شفاء نازل كن.)

درمان عرق النساء

* معلّی ابراهیم واسطی از محبوب از محرز بن سلیمان ازرق از ابی جالود از ابی اسحاق از حارث اَعْوَرَ همدانی روایت کرده است:

مردی به نزد امام علی علیه السلام مشرف شد و از درد عرق النساء در نزد ایشان نالان شد. امام به او فرمود: هر گاه به چنین دردی مبتلا شدی دست را بر روی آن بخوان به خواست خدا خوب خواهی شد.

آن مرد می‌گوید: این کار را کردم و دیگر به آن درد مبتلا نشدم.

دعا این است: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ، أعوذُ بِسْمِ اللهِ الْكَبيرِ، و أعوذُ بِسْمِ اللهِ الْعَظيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نِقارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ.

درمان سل

* محمد بن کثیر دمشقی از حسن بن علی بن یقطین از امام رضا روایت کرده است:

هر یک از شیعیان ما به سل مبتلا شد، این تعویذ را سه بار بخواند. به اذن تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

يا اَللهُ يا رَبَّ الْأَرْبابِ وَ يا سَيِّدَ السّاداتِ وَ يا اِلٰهَ الْآلِهَةِ وَ يا مَلِكَ الْمُلوكِ وَ يا جَبّارَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ اِشْفِنى وَ عافِنى مِنْ دائى هٰذا فَاِنّى عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ اَتَقَلَّبُ فى قَبْضَتِكَ وَ ناصِيَتى بِيَدِكَ.

تعویذ برای درمان جوش

* از علی بن عباس از محمد بن ابراهیم علوی از امام رضا از امام کاظم از امام جعفر صادق روایت کرده است:

هر گاه احساس جوش در بدنت کردی، انگشت سبابهٔ خود را بر روی آن بگذار و دور آن بچرخان و هفت بار این تعویذ را بخوان و در هفتمین بار انگشت خود را بر آن بگذار و آن را فشار ده. به اذن خدا، آن جوش از میان می‌رود.

دعا این است: **لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ.**

درمان سرماخوردگی

* ضراری از موسی بن یزید از ابوعمر بن یزید صیقل روایت کرده است:

شخصی نزد امام صادق علیه‌السلام آمد و از سرماخوردگی شکایت کرد امام به او فرمود: اگر به چنین بیماری مبتلا شدی، بر روی کاغذ، سوره‌ی حمد، توحید، ناس و فلق را بنویس، سپس بعد از آن این دعا را بنویس و با آب باران و یا با هر آب مباح ناشتا بنوش که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

آن شخص می‌گوید: این کار را کردم و به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شدم و دیگر به سرماخوردگی مبتلا نشدم.

دعا این است:

اَعوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظیمِ وَ بِعِزَّتِهِ الَّتی لاتُرامُ وَ بِقُدْرَتِه الَّتی لا یَمْتَنِعُ مِنْها شَیْءُ مِنْ شَرِّ هذا الْوَجَعِ وَ مِنْ شَرِّ ما فیهِ.

تعویذ تب

* احمد بن محمد از ابو جعفر از ابی محمد بن خالد از بکر بن خالد از محمد بن سنان از عبداللهی بن عمار دهنی از پدر از عمرو جمالی از امام علی روایت کرده است:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به یک تب شدیدی مبتلا شد. در همان حال جبرئیل امین نازل شد و گفت: ای محمود! این دعا برای قطع تب تو می‌باشد. پس آن دعا را به پیامبر آموخت و ایشان نیز، آن را خواندند و قبل از پایان دعا به خواست خدای تبارک و تعالی خوب شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جبرئیل فرمود: ای جبرئیل! این دعا با ارزش می‌باشد، آن را از کجا آوردی؟!

جبرئیل عرض کرد: ای پیامبر خدا! این دعا، گنجی از گنج‌های آسمان هفتم می‌باشد که خیلی باارزش و مهم است و برای هر درد و بیماری مفید می‌باشد.

دعا این است:

بِسْمِ اللهِ أُرْقيكَ، بِسْمِ اللهِ اشْفيكَ مِنْ كُلِّ داءٍ يُؤْذيكَ، بِسْمِ اللهِ وَ اللهُ شافيكَ، بِسْمِ اللهِ خُذْها فَلْتَهْنيكَ، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ فَلا اُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجومِ وَ انَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمونَ عَظيم.

* احمد بن سلمه از محمد بن عیسی از حریز بن عبدالله سیستانی از احمد بن حمزه از ابان بن عثمان از فضل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر که به تب مبتلا شد، آن را با این دعا درمان کنید.

أُخْرُجْ عَلَيْكَ يا عِرْقَ اوْ يا عَيْنَ الْجِنِّ اَوْ يا عَيْنَ الْاِنْسِ اوْ يا وَجْعَ بِفُلانِ بْنِ فُلانٍ، أُخْرُجْ عَلَيْكَ بِاللهِ الَّذى كَلَّمَ موسى تَكْليماً وَ اتَّخَذَ اِبْراهيمَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ خَليلاً وَ رَبُّ عيسَى بْنِ مَرْيَمَ روحِ اللهِ وَ كَلِمَتِهِ وَ رَبُّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْهُداةِ وَ طَفَيْتَ كَما طَفَيْتَ نارَ اِبْراهيمَ عَلَيْهِ السَّلام.

* احمد بن ابى زياد از فضالة بن ايوب از اسماعيل بن زياد از امام صادق‌علیه‌السلام روايت كرده است كه فرمود: هرگاه پيامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم احساس سستى بدن و يا چشم زخم و يا درد چشم و يا تب و غيره مى‌كرد دست‌هاى مبارک خود را مقابل صورت باز مى‌كرد. و بر روى آن‌ها سوره مباركه حمد، فلق و ناس را مى‌خواند و سپس دست‌ها را بر روى صورت مباركشان مى‌كشد به خواست خداى تبارک و تعالى در همان لحظه خوب مى‌شدند.

* و نيز روايت شده با اسناد از امام محمد باقرعلیه‌السلام كه فرمود: هر كه سوره‌هاى حمد و توحيد آن را شفا ندهند، هيچ چيز ديگرى آن شخص را شفا نخواهند داد. زيرا اين دو سوره مباركه تمام بيمارى‌هاى و دردها را شفا مى‌دهند.

* و نيز با اسناد روايت شده از امام صادق‌علیه‌السلام كه فرمود: هر كس لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ مى‌باشد.

* و نيز با اسناد از امام محمد باقرعلیه‌السلام روايت شده كه فرمود: هر كس از شما از يک چيزى نالان شد بگويد:

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلىٰ ما يَشاءُ شَرَّ ما اَجِدُ.

احمد بن صالح نیشابوری از جمیل بن صالح از ذریح می‌گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و از باد شکم و غیره نالان شد. امام، او را با این دعا به اذن خدای تبارک و تعالی آن مرد خوب شد.

عَزَمْتُ عَلَيْكَ يا وَجَعُ بِالْعَزِيمَةِ الَّتى عَزَمَ بِها عَلَىّ بْنُ اَبى طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلام وَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلىٰ جِنِّ وادِى الصَّبِرَةِ فَاَطاعُوا وَ اجابُوا لِما اُطِعَتْ وَاُجِيبَتْ وَ خُرِجَتْ عَنْ فُلانِ ابْنِ فُلانٍ اَلسّاعَةَ السّاعَةَ بِاِذْنِ اللهِ تَعالى بِاَمْرِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ بِقُدْرَةِ اللهِ بِسُلْطانِ اللهِ بِجَلالِ اللهِ بِكِبْرِياءِ اللهِ بِعَظَمَةِ اللهِ بِوَجْهِ اللهِ بِجَمالِ اللهِ بِبَهاءِ اللهِ بِنُورِاللهِ.

درمان هر درد و ترس

محمد بن کثیر دمشقی از حسن بن علی بن یقطین روایت کرده است: به نزد امام رضا علیه السلام مشرف شدم. ایشان به من این دعا را آموخت و فرمود این دعا و تعویذ و حرز جامعی برای هر بیماری و امان از هر درد ترس است.

بِسْمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيم: بِسْمِ اللهِ اخْسَؤُا فيها وَ لا تُكَلِّمُونَ اَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيّا اَوْ غَيْرَ تَقِىٍّ اَخَذْتُ بِسَمْعِ اللهِ وَ بَصَرِهِ عَلىٰ اَسْماعِكُمْ وَ اَبْصارِكُمْ وَ بِقُوَّةِ اللهِ عَلىٰ قُوَّتِكُمْ لا سُلْطانَ لَكُمْ عَلىٰ فُلانِ بْنِ فُلانٍ وَ لا عَلى ذُرِّيَّتِهِ وَ لا عَلىٰ مالِهِ وَ لا عَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ سَتَرْتَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّتى اسْتَتَرُوا بِها مِنْ سَطَوَتِ الْفَراعِنَةِ جَبْرَئيلُ عَنْ ايمانِكُمْ وَ ميكائيلُ عَنْ يَسارِكُمْ وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ اَمامِكُمْ وَ اللهُ تَعالى مُظِلٌّ عَلَيْكُمْ يَمْنَعُهُ اللهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ وَاَهْلَ بَيْتِهِ مِنْكُمْ مِنَ الشَّياطينِ ما شاءَ اللهُ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ

إلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

اَللّهُمَّ إنّهُ لا يَبْلُغُ جِمْلَهُ إناتَكَ ما لا يَبلُغُهُ مَجْهُودُ نَفْسِكِ فَعَلَيْك تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ نِعْمَ الْمَوْلى وَ نِعْمَ النَّصيرِ حَرَسَكَ اللهُ وَ ذُرِّيَّتَكَ يا فُلانُ بِما حَرَسَ اللهُ بِهِ أَوْلِياء اللهِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ.

و بعد از آن آية الكرسى را تبارک العلى العظيم - مى‌نويسى. سپس بعد از آن، این را بنویس:

لا حَوْلَ وَ لاقُوَّةَ إلّابِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ لا مَلْجأَ مِنَ اللهِ إلّا إلَيْهِ حَسْبُنَااللهُ وَ نِعْمَ الْوَكيلِ، دل سام فى راس السما طال سلسبيلايها.

* محمد بن خلف از خلف بن حماد از خالد عبسى روايت كرده است:

امام موسى كاظم عليه السلام به من این دعا را آموخت و فرمود:

این دعا برای درمان هر درد و بیماری می‌باشد و فرمود: آن را به برادران مؤمن خود نيز ياد بده!

أُعيذُ نَفْسى بِرَبِّ الْاَرْضِ و رِبِّ السَّماءِ وِ أُعيذُ نَفْسى بِالَّذى لا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ داءٌ أُعيذُ نَفْسى بِالَّذى اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَ شِفاءٌ.

تعويذ روزها: شنبه

* تعويذ روز شنبه از امام صادق عليه السلام روايت شده است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ. أُعيذُ نَفْسى وَ فُلانَ ابْنِ فُلانٍ بِاللهِ لا إلٰهَ الّا هُوَ رَبُّ الْعالَمينِ الرَّحمن الرَّحيم مالِكُ يَوْمِ الدّينِ إيّاكَ نَعْبُدُ وَ إيّاكَ نَسْتَعينُ اِهْدِنَا صِراطَ الَّذينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِالْمَغْضوبِ عَلَيْهِمْ وَلاالضّالينَ وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ بِرَبِّ النّاسِ مَلِكِ النّاسِ مِنْ شَرِّ

الْوَسْواسِ الْخَنّاس اَلّذی یُوَسْوِسُ فی صدورِ النّاس مِنَ الْجِنّةِ وَ النّاس وَ رَبِّ الْغاسِقِ اِذا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی الْعُقَدْ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ اِذا حَسَدَ اَللهُ الصَّمَدُ لِمْ یَلِدْ وَ لَمْ یولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَد نورُ النّور وَ مُدَبِّرُ الْاُمور نورالسّماواتِ وَ الْاَرْضِ «مَثَلُ نورِهِ کَمِشْکاةٍ فیها مِصْباحُ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ کَأَنَّها کَوْکَبُ دُرِّیُّ یوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَکَة زَیْتونَة لا شَرْقیة وَ لا غَربِیَة یَکادُ زَیْتُها یُضیءُ وِ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارُ، نورُ عَلیٰ نور یَهْدِی اللهُ لِنورِهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَضْرِبُ اللهُ الْاَمْثالَ لِلنّاسِ وِاللهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمُ»[1] اَلّذی خَلَقَ السّماواتِ وَ الْاَرْضِ بِالْحَقِّ قَولهُ الْحَقِ وَ لَهُ الْمُلْکَ یَوْمُ یُنْفَخُ فِی الصّورِ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشّهادَةِ وَ هُوَ الْحَکیمُ الْخَبیر.

اللهُ اَلّذی خَلَقَ سَبْعَ السّماواتِ وَ الْاَرْضِ بِالْحَقِّ قَوْلَهُ الْحَقِ وَ لَهُ الْمُلْکُ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصّورِ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشّهادَةِ وَ هُوَ الْحَکیمُ الْخَبیراللهُ اَلّذی خَلَقَ سَبْعَ السّماوات وَ مِنَ الْاَرْضِ مِثْلُهُن تَنَزَّلُ الْاَمْر بَیْنَهُنَّ لِتَعْلَموا اَنَّ اللهَ قَدْ اَحاطَ بِکُلِّ شیْ عِلْماًوَ اَحصی کُلَ شَیْ عَدَداً مِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرِّ یَلْعَنُ بِهِ أَوْ یسر وَ مِنْ الْجِنّةِ وابشر وَ مِنْ شَرِّ ما یَطیرُ بِالّیلِ وَ یسکن بِا النّهارِ وَیَسْکُنُ بِالنّهارِ مِنْ شَرِّ طَوارِقِ اللّیلِ وَ النّهارِ وَ مِنْ شَرِّ ما یَسْکُنُ الْحمامات وَ الْوحوش وَ الْخَراباتِ وَلاَوْدیَة وَ الْبَرارِیْ وَ الْغیاض وَالْاَشجار مِمّا یَکُونُ فِی الْاَنْهارِ وَ اُعیذُ بِا للهِ مالِکُ الْمُلْکِ تُؤتی الْمُلْک مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءَ بِیَدِکَ الْخَیر اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرْ.

۱- نور/ ۳۵.

تُولجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ و تولجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيّ مِنَ الْمَيِّتِ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ لَهُ مَقاليدُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ مَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ اَنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ.

وَ أُعيذُ بِالَّذي خَلَقَ الْأَرْضَ وَ السَّماواتِ الْعَلِيّ الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَما تَحْتَ الثَّرى و ان تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفى. اللهُ لا اله الّا هُوَ الْاَسماءِ الْحُسْنىٰ. ألا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْاَمْرِ تَبارِكَ اللهُ رَبُّ الْعالَمينَ أُدْعوا رَبَّكم تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً اِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدينَ وَ لا تُفْسِدوافِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلاحِها وَ ادْعوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً اِنَّ رَحْمَةَ اللهِ قَريبٌ مِنَ الْمُحْسِنينَ.

وَ اُعيذُ بِمُنْزِلِ التَّوراةِ وِ الْاِنْجيلِ وَ الزَّبورِ وَ الْفُرقانِ الْعَظيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طاغٍ وَ باغٍ وَ شَيْطانٍ وَ سُلْطانٍ وَ ساحِرٍ وَ كاهِنٍ وَ ناظِرٍ وَ طارِقٍ وَ مُتَحَرِّكٍ وَ ساكِنٍ. وَ صامِتٍ وَ متخيلٍ وَ مُتَمَثِّلٍ وَ مُتَلَوِّنٍ و مُخْتَلِفٍ، سُبْحانَ اللهِ حِرْزَكَ وَ ناصِرَكَ وَ مونِسَكَ وَ هُوَ يَدْفَعُ عَنْكَ لا شَريكَ لَهُ و لا معز لِمَنْ اَذَلَّ وَ لا مذلَّ لِمَنْ اَعَزَّ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهّارُ وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

تعويذ روز يكشنبه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ: اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ اسْتَوى الرَّبُّ عَلَى الْعَرْشِ وَ قامَتِ السَّماواتُ وَ الْاَرْضُ بِحُكْمِهِ وَ هُداةُ النُّجُومِ وَ رَسَتِ الْجِبالِ بِإِذْنِهِ لا يُجاوِرُ اسْمُهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ مَنْ فِي الْاَرْضِ الَّذي دانَتِ لَهُ الْجِبالُ وَ هِيَ طائِعَةٌ وَ انْبَعَثَتْ لَهُ

الْاَجْسادُ وَ هِيَ بالِيَةٌ احْجُبْ كُلَّ ضارٍّ وَ حاسِدٍ بِبأسِ اللهِ عَنْ فُلانِ ابْنِ فُلانٍ وَ بِمَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حاجِزاً وَ جَعَلَ فِي السَّماءِ بُرُجاً وَ جَعَلَ فيها سِراجاً وَ قَمَراً مُنيراً.

وَ اُعيذُهُ بِمَنْ زَيَّنَها لِلنّاظِرينَ وَ حَفِظَها مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ رَجيمٍ وَ اُعيذُهُ بِمَنْ فِي الْاَرْضِ رَواسِيَ جِبالاً وَ اَوْتاداً اَنْ يُوصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ اَوْ فاحِشَةٍ اَوْبَلِيَّةٍ حٰم حٰم حٰم عسق كَذلِكَ يوحِيَ اِلَيْكَ وَ اِلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكَ اللهُ الْعَزيزُ الْحَكيمُ حم حم حم تَنْزيلُ مِنَ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ وَ صلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْليماً.

تعويذ روز دوشنبه

بِسْمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ: اُعيذُ نَفْسَ فُلانُ ابْنِ فُلانَةِ بِرَبِّيَ الْاَكْبَرِ مِنْ شَرِّ ما رَاتِ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الروحِ اُدْعوكُمْ اَيُّهَا الْاِنْسُ اِلَى اللَّطيفِ الْخَبيرِ وَ اُدْعوكُما اَيُّها الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ اِلَى الَّذي دانَتِ لَهُ الْخَلايِقُ اَجْمَعينَ خَتَمْتُهُ بِخاتَمِ رَبِّ الْعالَمينَ وَ خاتَمِ جِبْرئيلَ وَ مِيكائيلَ وَ اِسْرافيلَ وَ خاتَمِ جِبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ اسْرافيلَ وَ خاتَمِ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ وَ خاتَمِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَيِّدُ النَّبيينَ وَ صَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ اَخَذْتُ عَنْ فُلانِ ابْنِ فُلانَةٍ كُلَّ تابِعَةٍ ذي روحٍ مَريدٍ جِنّي اَوْ عِفْريتٍ اَوْ ساحِرٍ مُريدٍ اَوْ سُلْطانٍ عنيدٍ اَوْ شَيْطانٍ رَجيمٍ اَخَذْتُ عَنْ فُلانِ بْنِ فُلانَةٍ ما يَرى ولا يُرى وَ «مارّاتٌ» عَيْنُ نائِمٍ اَوْ يَقْظانُ بِاذْنِ اللهِ. اَللَّطيفُ الْخَبيرُ لا سَبيلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لا عَلى ما يُخافُ عَلَيْهِ اللهُ اللهُ لا شَريكَ لَهُ وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ.

تعویذ روز سه شنبه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعيذُ نَفْسى بِاللهِ الْاَكْبَرِ رَبِّ السَّماواتِ القائِماتِ وَ بِالَّذى خَلَقَها فى يَوْمَيْنِ وَ قَضى فى كُلِّ سَماءٍ اَمْرُها وَ خَلَقَ الْاَرْضَ وَ قَدَّرَ فيها جِبالاً وَ جَعَلَها فِجاجاً سُبُلاً وَ اَنْشَأَ السحَابَ الثِّقالَ وَ سَخَّرَهُ أجْرَى الْفُلْكَ وَ سَخَّرَ الْبَحْرَ وَ جَعَلَ فِى الْاَرْضِ رَواسِىَ وَ اَنْهاراً وَ مِنْ شَرِّ ما يَكُونُ فِى اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ يَعْقَدُ عَلَى الْقُلُوبِ وَ تَراهُ الْعُيُونُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ كِفاناً اللهُ كِفاناً اللهُ كِفاناً اللهُ لا اِلهَ اِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْليماً.

تعویذ روز چهار شنبه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعيذُكَ يا فُلانَ ابْنَ فُلانَةٍ بِالْاَحِدِ الصَّمَدِ مِنْ شَرِّ ما نَفَثَ وَ عَقَدَ وَ مِنْ شَرِّ اَبى مَرَّةٍ وَ ما وَلَدَ أُعيذُكَ بِالْواحِدِ الْاَعْلىٰ مِنْ مارَأَتِ عَيْنٌ وَ ما لَمْ تَرَ، وَ أُعيذُكَ بِالْفَرْدِ الْكَبيرِ مِنْ شَرِّ ما اَرادَكَ (بِاَمْرِ الْمَلَكِ) عَسيرٌ اَنْتَ يا فُلانَ ابْنَ فُلانَةٍ فى جَوارِ اللهِ الْعَزيزِ الْجَبّارِ الْمَلَكِ الْقُدُّوسِ الْقَهّارِ السَّلامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمَنِ الْعَزيزِ الْغَفّارِ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ الْكَبيرِ الْمُتَعالِ هوَ اللهُ لا شَريكَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلَيْهِمُ السلمُ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ.

تعویذ روز پنج شنبه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعيذُ نَفْسى اَوْ فُلانُ ابْنُ فُلان بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطانٍ مارِدٍ وَ قائِمٍ وَ قاعِدٍ وَ حاسِدٍ

وَ مُعانِدٍ وَ نُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطانِ وَ لِيَرْبَطَ عَلىٰ قُلوبِكُمْ وَ يُثَبِّتُ بِهِ الْأَقْدامَ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هذا مُغْتَسَلٌ بارِدٌ وَ شَرابٌ وَ اَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهوراً لِيُحْيِي بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً وَ نَسْقيهُ مِمّا اَنْعاماً وَ آناسِيَ كَثيراً اَلْآنَ خَفَّفَ اللهُ عَنْكُمْ ذٰلِكَ تَخْفيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ يُريدُ اللهُ اَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ فَسَيَكْفيكَهُمُ اللهُ وَ هوَ السَّميعُ الْعَليمُ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ لاغالِبَ اِلاّ اللهُ وَ اللهُ غالِبٌ عَلى اَمْرِهِ لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ مُحَمَّدٌ رَسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْليماً.

تعويذ روز جمعه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ: لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ اللهُ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ وَ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلينَ وَ قاهِرُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضينَ وَ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مالِكُهُ كَفِّني بَأْسَهُمْ وَ اَعْمِ اَبْصارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ وَ اجْعَلْ بَيْنَنا وَ بَيْنَهُمْ حِرْساً وَ حِجاباً وَ مُدْفِعاً اِنَّكَ رَبُّنا لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِكَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا وَ اِلَيْكَ اَنَبْنا وَ اَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ عافِ فُلانُ ابْنُ فُلانَةٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها وَ مِنْ شَرِّ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سوءٍ آمينَ يا رَبَّ الْعالَمينَ وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ آلِهِ الطّاهِرينَ.

انواع تعويذ

* ابراهيم بن مأمون از حماد بن عیسی از شعیب عقر قوفی از ابوبصیر از امام صادق روایت کرده است:

تعویذ کردن با حرز و دعا برای درمان درد چشم و تب و دندان و هر چیزی که باعث تب می‌شود اشکالی ندارد. هر گاه شخصی که

محتاج دعا و تعویذ می‌باشد نباید چیزی که نمی‌داند چیست برای خود بنویسد؟

* محمد بن یزید بن سلیم کوفی از نضر بن یوسد از عبدالله بن سنان روایت کرده که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ دعا نوشتن و تعویذ کردن برای عقرب زده یا مارگزیده و یا برای کسی که طلسم شده جایز است که آن را بنویسند و یا آن را نشر دهند سؤال کردم.

امام صادق صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جایز است اگر از قرآن باشد اگر کسی از قرآن شفاء نیابد از هیچ چیز دیگری خدا آن را شفاء نخواهد داد. آیا در قرآن نخواندی که خدای تبارک و تعالی فرمود: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمؤمنینَ» (و نازل می‌کنیم از قرآن آن چه راکه شفاء و رحمت برای مؤمنین است.)

و فرمود: «لَوْ اَنْزَلْنا هٰذَا الْقُرآنَ عَلیٰ جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصِدِّعاً مِنْ خَشْیَةِ اللهِ» (اگر این قرآن را برکوهی نازل می‌کردیدم مدتی بعد آن کوه از عظمت و ترس خدا خاشع گشته و از شدّت خشوع تکه تکه می‌شد.)

سپس فرمود: سؤال کنید از ما قبل از این که ما را از دست بدهید همانا شما را آگاه خواهیم نمود از آن چه راکه در قرآن در مورد شفای هر دردی نهفته است.

* اسحاق بن یوسف مکّی از فضاله از ابان بن عثمان از زرارة بن اعین می‌گوید: از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردم: آیا جایز است که بر گردن یک مریض تعویذی از قرآن آویزان کنیم؟

فرمودند: بله، اشکال ندارد و جایز است تعویذهای قرآن مفید و شفاء برای هر دردی و بیماری می‌باشد.

* اسحاق بن یوسف از فضاله از ابان بن عثمان از اسحاق بن عمار می‌گوید: مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد و عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! آیا ممکن است برای یک بیمار که به یک بیماری مبتلا می‌باشد تعویذ از قرآن برای او نوشت و یا با آب یا چیز دیگری آن را بخورد و یا خود مریض را با آن غسل دارد؟ فرمود: هیچ اشکالی ندارد و جایز می‌باشد.

* علان بن محمد از صفوان بن یحیی از منصور بن حازم از عتبه از مصعب از امام صادق روایت کرده که فرمود: زنان و اطفال را می‌توان با قرآن تعویذ نمود و اشکالی ندارد.

* عمر بن عمر تمیمی از حماد بن عیسی از شعیب عقرقولی از حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: ای پسر پیامبر خدا! آیا جایز است که بر گردن اطفال و زنان خود تعویذ و حرز از قرآن آویزان کنیم؟

امام فرمود: هیچ اشکالی ندارد، ولی اگر زن حایض باشد باید آن حرز یا تعویذ را با در پارچه برگردن آن آویزان کرد و در این صورت نمی‌توان برگردن آن زن آویزان نمود.

* شعیب بن زریق از فضاله و قاسم که هر دوی آن‌ها به اسناد از ابان پسر عثمان از عبد الرحمن روایت کرده‌اند که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد نوشتن و آویزان کردن تعویذ برگردن مریض جایز است یا خیر، سؤال کردم.

فرمود: اشکالی ندارد.

عرض کردم: اگر آن مریض جنب باشد چه طور؟ فرمود بدن مؤمن در هنگام جنابت نجس نمی‌شود، و مرد مؤمن می‌تواند آن را بپوشد ولی زن نمی‌تواند آن را بدون پارچه بپوشد ولی مرد و کودک می‌تواند آن را بپوشد و اشکالی ندارد.

* و نیز به اسناد از عبدالله بن بکیر روایت شده که می‌گوید: روزی به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرّف شدم در حالی که ایشان روی بستر دراز کشیده و پریشان خاطر بودم و یک پارچه نازک بر روی خود کشیده بود. به ایشان عرض کردم: فدایت شوم، چرا شما را این طور پریشان خاطر می‌بینم و بر روی خود پتو نکشیده‌اید؟

امام فرمود: خدایا! لعنت کن کسانی که خلاف دستورات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عمل کنند. پیامبر خدا فرمود: تب از سوزش آتش جهنم می‌باشد و از گرمی آتش جهنم می‌باشد، آن را با آب سرد خاموش کنید. راوی می‌گوید؛ امام صادق علیه‌السلام تب داشتند، و این حدیث را به من نقل فرموده است.

* خطیب بن مزبیان عطار از صفوان بن یحیی بیاع سابری و فضاله بن ایوب از علا، بن رزین از محمد بن مسلم روایت کرده که امام صادق علیه‌السلام فرمود: تب سوزش و گرمی آتش جهنم است، پس آن را با آب سرد خاموش کنید.

* ابو غسان عبدالله بن خالد بن لحیج از حماد بن عیسی از حسین بن محمد پسر مسلم روایت کرده که امام صادق علیه‌السلام تب کردند. یک پیراهن نازک می‌پوشیدند و هر گاه سرما می‌خوردند یک پیراهن

ضخیم روی آن پیراهن نازک می‌پوشیدند.

* محمد بن مسلم از امام صادق‌علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: هیچ درمانی برای تب، مگر آب سرد و دعا پیدا نمی‌شود.

درمان تب

* حماد بن عیسی از حسین بن مختار از اسامة الشَّحّام از امام صادق روایت کرده است.

امام صادق‌علیه‌السلام فرمودند: جدّ ما پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هیچ چیزی برای درمان تب تجویز نکرد، مگر شکر به وزن ده درهم با آب سرد ناشتا.

* عون می‌گوید: ابو عیسی از حسین از ابی سامه روایت کرده است که امام صادق‌علیه‌السلام فرمودند: تب برای فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دو برابر می‌شود.

* قسری بن احمد بن قسری از محمد بن یحیی از محمد بن سنان از یونس بن ظبیان از محمد بن اسماعیل از ابن ابی زینب روایت کرده است: شنیدم امام محمد باقرعلیه‌السلام فرمود: تب را به وسیله سه چیز خارج کنید: با استفراغ، عرق کردن و با راه انداختن شکم.

* سری بن احمد بن سری از ارمنی از محمد بن سنان از امام رضاعلیه‌السلام روایت کرده است که امام رضاعلیه‌السلام می‌فرماید: شنیدم پدرم موسی بن جعفرعلیه‌السلام فرمود: در حالی که ایشان بیمار بودند، پزشکان زیادی برای معالجه کردن به نزد ایشان آمدند، ولی همهٔ آن‌ها از معالجه آن حضرت ناامید شدند و بیماری آن حضرت را عجیب و

درمان آن را مشکل و غیر ممکن می‌دانستند.

امام موسی بن جعفر عليه السلام در همان حال فرمود: شما کجا می‌روید؟ به سرور این داروها از اهلیله (الاهلیج) و رازیانه همراه شکر در سه ماه تابستان در هر ماهی سه بار و در وقت سه ماه زمستان در هر ماهی سه روز به سه بار بسنده کنید. آن خورده شود و آن را در شیشه یا چیز دیگر قرار داده و از آن استفاده شود که به هیچ بیماری، جز مرگ مبتلا نمی‌شود.

تعویذ برای آبله

* عبدالله از پدر زکریای یحیی پسر ابی بکر از خضرمی روایت کرده است: * نزد امام علی عليه السلام رفتم و عرض کردم: ای امیر المؤمنین، ای سرورم! پسرم مبتلا به آبله می‌باشد و خیلی درد می‌کشد، علاج آن چیست؟

امام فرمود: به روی دست راستش این کلمات را بنویس: «بسم الله جبرئیل» و بر دست چپش: «بسم الله میکائیل» و بر پای راستش: «بسم الله اسرافیل» و بر پای چپش: «بسم الله لاٰ یَرَوْنَ فیها شَمْساً وَ لا زَمْهَرِیراً». هر که در این تعویذ شک کند شفاء نخواهد یافت.

داروهای گوناگون از طرف اهل بیت عليهم السلام

* حسن بن شاذان از ابو جعفر روایت کرده است: به نزد امام علی عليه السلام رفتم و از ایشان در مورد تب که بر صاحبش غلبه می‌کند سؤال کردم. ایشان فرمود: مقداری عسل با سیاه دانه مخلوط کرده و سه وعده از آن بخورد، به اذن خدای تبارک و تعالی خود خواهد شد. همانا آن دو مبارک می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

يَخْرُجُ مِنْ بُطونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوانُهُ فيهِ شِفاءٌ النّاسِ...[۱].

آن گاه از درون آن‌ها شربت شرینی به رنگ‌های مختلف بیرون آید...!

* پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ سیاه دانه می‌فرماید: در سیاه دانه، شفا برای هر بیماری و درد جزء «سام» می‌باشد!

عرض کردند: ای رسول خدا، سام چیست؟ فرمود: سام، مرگ می‌باشد که هیچ دارویی و درمانی ندارد.

* حسن بن شاذان از ابو جعفر از امام موسی کاظم روایت کرده است که می‌فرماید: بهترین چیز برای تب، زعفران را با عسل بخورد ولی زعفرانش را زیاد کند، و هیچ چیزی در آن روز، جز آن نخورد.

آب زمزم

* جارود بن احمد از محمد بن جعفر جعفری از محمد بن سنان از اسماعیل بن جابر روایت کرده است: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: آب زمزم برای هر بیماری شفاء است. در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، هر که به ایشان مراجعه می‌کرد، برای درمان بیماری و دردش به آن می‌فرمود از آب زمزم بنوش که به اذن خدا شفاء خواهی یافت.

تربت امام حسین علیه السلام

* جارود بن احمد از جعفر از محمد بن سنان از مفضل بن عمر الجعفی از محمد بم اسماعیل بن ابی زینب از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر روایت کرده است: تربت پاک و مطهر قبر امام حسین علیه السلام برای هر دردی شفاء و برای هر ترسی امان است و

۱- نحل / ۶۹.

خواص آن برای کسی می‌باشد که به آن اعتقاد دارد.

اذان و اقامه گفتن در پیراهن شخص تب دار

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان ابو عبد الله سنان از یونس بن ظبیان از مفضل بن عمر روایت کرده است: به نزد امام صادق علیه السلام مشرّف شدم. در همان حال مردی وارد منزل ایشان شد و آن مرد از دوستان اهل بیت علیهم السلام بود. امام به آن مرد فرمود: فلانی چرا پریشان خاطر می‌باشی و رنگ صورتت تغییر یافته است؟

آن مرد در جواب عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! مدت دو ماه بیمار هستم و تب شدیدی دارم و تا به حال خیلی بودم را معالجه کردم ولی هیچ سودی نداشته است.

امام به او فرمود: دکمهٔ پیراهنت را باز کن و سرت را داخل پیراهن قرار بده و اذان و اقامه بگو. سپس هفت بار سوره حمد را بخوان، به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: آن مرد نیز به دستور امام آن کار را انجام داد. او می‌گوید: وقتی که این کار را انجام دادم، در همان لحظه خوب شد. گویا که قبلاً به هیچ بیماری و تب مبتلا نبوده‌ام.

درمان با سیب

* حسین بن بسطام از محمد بن خلف از وشا حسین بن علی بن عبدالله بن سنان روایت کرده است: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم بدانند چه خواصی در سیب می‌باشد، بیمار خود را جز با سیب درمان نمی‌کردند.

درمان با حمد

* خضر بن محمد از جوارینی از محمد بن عباس از عبدالله ابن فضل نقلی از یکی معصومین علیهم‌السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه به بیماری و یا دردی مبتلا می‌شدم، هفتاد بار سوره حمد را می‌خواندم، شفاء می‌یافتم. اگر دوست دارید تجربه کنید، ولی شک نکنید.

ریختن گندم روی فرد تب دار

فیض بن مبارک اسدی از عبد العزیز از یونس از داود رقی روایت کرده است: من در مدینه به یک بیماری شدیدی مبتلا شدم. به امام صادق علیه‌السلام خبر رسید که من این طور شده‌ام.

امام نامه‌ای برایم نوشت که مضمون آن این است: ای داود! در مورد حال و احوال تو به من ابلاغ شده است. پس از رسیدن نامه، برو بازار و سه کیلو گندم بخر! سپس به پشت بخواب و آن گندم را بر روی سینه ات بریز، هر طور که خواستی بریز و در هنگام ریختن آن این تعویذ را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی اِذٰا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَكَّنت لَهُ فِی الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلیفَتَكَ عَلیٰ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِنْ تُعٰافِیَنی مِنْ عِلَّتی هٰذِهِ.

سپس می‌نشینی و گندم را جمع می‌کنی و آن را به طور تساوی میان نیازمندان تقسیم می‌کنی و در همان حال آن ذکر را می‌گویی، به اذن خدا شفا می‌یابی.

راوی می‌گوید: من به دستور ایشان انجام دادم. به اذن خدا خوب

شدم و دیگر به بیماری مبتلا نشدم.

نسخه مجرب برای قطع تب

* ابو غسان عبدالله بن خالد بن نجیح از ابن مسعود محمد بن ابی احمد از عبدالرحمن ابی نجران از یعقوب روایت کرده است: به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم. در نزد ایشان مردی نشسته بود و ایشان به آن شخص دربارهٔ تب می‌آموخت. آن چه را که امام می‌نوشت، من نیز آن را می‌نوشتم.

نسخه این بود: سورهٔ مبارکه حمد، توحید، قدر و آیهٔ مبارکهٔ آیة الکرسی را بر شخص تب دار خوانده شود. سپس با انگشت سبابه، این تعویذ را بر آن مریض می‌نویسی، به اذن خدا خوب خواهد شد.

دعا این است:

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ جِلْدَهُ الرَّقیقَ وَ عَظْمَهُ الدَّقیقَ مِنْ سورَةِ الْحَریق یا اُمَّ مُلْدَمٍ اِنْ کُنْتَ آمَنْتَ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ اٰخِرِ فَلا تَأکُلِی اللَّحْمَ وَ لا تَشْرَبی الدَّمِ وَ لا تَنْهَکِی الْجِسْمَ وَ لا تَصْدَیِ الرَّأسَ وَ انْتَقِلی عَنْ فُلانِ بْنِ فُلانَةِ اِلیٰ مَنْ یَجْعَلُ مَعَ اللهِ اِلٰهاً آخَرَ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللهُ تَعالیٰ اللهُ عَمّا یُشْرِکونَ عُلُواً کَبیراً.

ترجمه: بارالها! رحم کن بر این پوست نازک و استخوان پوک از سوزش آتش ای مادر دردها، اگر تو ایمان داری به خدا و روز جزا، پس نخور گوشت و خون و ضعف نگردان جسم را و سر درد را ایجاد نکن و برو از نزد فلان پسر فلانه به نزد کسانی که همراه خدا، خدای دیگر اختیار کرده‌اند. نیست خدای جز الله و بزرگ گشته خدا از آن چه را که شرک می‌ورزند مرتبه بزرگی.

سوزاندن و داغ کردن جای درد

* محمد بن ابراهیم علوی موسوی از ابراهیم بن محمد یعنی پدرش از امام حسن عسکری از امام رضا از پدر بزرگوارش امام موسی کاظم روایت کرده است: روزی یونس پسر یعقوب از امام صادقعليه‌السلام سؤال کرد: ای پسر پیامبر خدا! آیا جایز است جای درد یا جای زخم را سوازنده یا داغ کرد که گاهی وقت‌ها به خاطر این کار آن شخص خوب می‌شود و یا از میان می‌رود؟!

ایشان فرمودند: بله، جایز است. زیرا در زمان پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جای درد مردی را سوزاندند، در حالی که رسول خدا بالای سر آن مرد بود.

* جعفر بن عبدالواحد از نصر بن سوید از عاصم بن حمید از محمد بن مسلم روایت کرده که از امام صادقعليه‌السلام دربارهٔ داغ کردن جای زخم و درد سؤال کردم.

فرمودند: بله، خداوند تبارک و تعالی، شفا و برکت زیادی را در دارو قرار داده است و هیچ اشکالی در داغ کردن یا سوزاندن جای درد یا زخم نیست.

* ابن ماشاء الله ابو عبد الله از مبارک از زرعه از سماعه روایت کرده است که امام صادقعليه‌السلام فرمودند: حقنه کردن از دواء و درمان می‌باشد و باعث بزرگ شدن شکم می‌باشد و مردان صالح آن را انجام می‌دهند.

حجامت، انفینه،[۱] داغ و حقنه کردن[۲]

* حفص بن عمر از قاسم بن محمد از اسماعیل ابی الحسن روایت کرده است: امام صادق علیه السلام فرمودند: بهتر است که خود را با حجامت و حقنه و جوشانده و انفیه و تزریق دارو در بدن، به جز در حالت اضطرار معالجه نکنید.

* منذر بن عبدالله از حمار بن عیسی از حریز بن عبدالله سیستانی روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: دواء چهار چیز است: حجامت، پرهیز از پر خوری، استفراغ کردن و حقنه می‌باشد.

* ابراهیم پسر عبدالرحمن از اسحاق پسر حسان از عیسی پسر بشیر واسطی از ابن مسکان و زراره روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: طِبّ عرب سه شعبه دارد: حجامت، تزریق کردن دارو در بدن و آخر آن داغ کردن می‌باشد.

* از امام صادق روایت شده که فرمودند: طب عرب پنج شعبه دارد: حجامت، تزریق دارو در بدن، تزریق کردن دارو در بینی (انفیه) و استفراغ در حمام و آخر آن داغ کردن می‌باشد.

* امام محمد باقر علیه السلام فرمود: طب عرب در هفت مورد است: حجامت، تزریق کردن دارو در بدن (حقنه)، انفینه، استفراغ، شربت عسل و آخر آن داغ کردن و شاید نوره می‌باشد.

علائم فشار خون

* عبدالله بن عبیده از محمد بن عیسی از میسر از ابن سنان از امام

۱- تزریق کردن دارو در بینی می‌باشد.

۲- تزریق کردن دارو در بدن می‌باشد.

صادق روایت کرده است: فشار خون و برانگیخته شدن خون سه علامت دارد: انتشار آن در جسم، خارش و نیش زدن جانور.

دعا هنگام حجامت کردن

* محمد بن قاسم پسر منجاب از خلف بن عماد از عبدالله بن مسکان از جابر بن یزید جعفی روایت کرده است: مردی به نزد امام محمد باقرعليه‌السلام مشرف شد. امام به آن مرد فرمود: ای مرد، هرگاه که خواستی حجامت کنی، خون را از همان جا که خواستی خارج کن و در حال جاری شدن خون این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اَعُوذُ بِاللهِ الْکَریمِ مِنَ الْعَیْنِ فی الدَّمِ وَ مِنْ کُلِّ سوءٍ فی حِجامَت هٰذِهِ.

سپس فرمود: هرگاه در حجامت این دعا را خواندی به درستی که جمع کردی آن چه را که خدای تبارک و تعالی در کتابش فرمود: **وَ لَوْ کُنْتُ اَعْلَمُ الْغَیْب لَأَسْتَکْثَرْتُ مِنَ الْخَیْرِ وَ ما مَسَّنِی السّوء.**(۱)

امام محمد باقرعليه‌السلام فرمودند: در آیه منظور از سوء، تنگدستی می‌باشد.

و نیز خدای تبارک و تعالی در جای دیگر فرمود: **وَ لَقَدْ هَمَّتِ بِهِ وَهَمّ بِها لَوْ لا اَنْ رأیٰ بُرهانَ رَبّه کَذٰلِكَ نصرف عَنْهُ السّوْءَ وَ الْفَحْشاء.** در این جا منظور از سوء، زنا می‌باشد.

خداوند تبارک و تعالی در داستان حضرت موسیعليه‌السلام فرمود:

۱- ترجمه: اگر به علم غیب آگاه بودم کارهای نیک را زیاد می‌کردم و هرگز بدی به من نمی‌رسید.

أُدْخُلْ يَدَكَ فی جَیْبِكَ تَخْرُجْ بَیْضاء مِنْ غَیْرِ سوءٍ.[۱]

در این جا منظور از سوء، بیماری می‌باشد.

سپس فرمود: فلانی! اگر در هنگام حجامت کردن و جاری شدن خون این دعا را خواندی، به درستی که همهٔ این خواص را جمع کرده‌ای.

انتخاب کردن روز برای حجامت کردن

* محمد بن یحیی برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان از مفضل بن عمر جعفی روایت کرده است: طلحه پسر زید از امام صادق علیه السلام در مورد حجامت کردن در روزهای شنبه و چهار شنبه سؤال کرد و نیز دربارهٔ روایتی که عامه آن را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند و سپس آن را انکار کردند که آن حدیث این بود: «هرگاه خون در شما جمع شد حجامت کنید به درستی که حجامت شما را نخواهد کشت.»

امام صادق علیه السلام فرمود: من این حدیث را در هیچ یک از افراد خانواده‌ام ندیدم که در آن اشکالی ببینند.

* امام صادق علیه السلام فرمود: هرکه در اولین سه شنبه ماه آذر رومی حجامت کند، به خواست خدای تبارک و تعالی عمرش طولانی خواهد شد.

* از معصومین علیهم السلام روایت شده که فرمودند: حجامت کردن در هفدمین روز ماه قمری، عمر را طولانی می‌کند.

۱- ترجمه: ای موسی! دستت را داخل جیب خود بگذار، وقتی که خواستی آن را خارج کنی، آن را سفید و درخشان بدون هر بدی خواهی دید.

* سیستانی می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر روزی که خواستی سفر کن و صدقه بده.

فواید حجامت

* محمد بن حسن از فضاله بن ایوب از اسماعیل از امام صادق از امام محمد باقر روایت کرده است: هرگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به درد شدیدی مبتلا می‌شد، آن را با حجامت درمان می‌کرد.

*ابو طیبه می‌گوید: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را حجامت کردم و ایشان به من یک دینار داد. من خونی که از رسول خدا خارج شده بود، چشیدم! رسول خدا با تعجب به من فرمود: چرا از خونم خوردی؟

عرض کردم: ای پیامبر خدا! آن را به خاطر تبرّک خوردم!

به من فرمود: به درستی که از دردها، بیماری‌ها، تنگدستی و پریشانی در امان شدی. به خدا سوگند، هرگز آتش جهنم به تو نخواهد رسید.

* زبیر بن بکار از محمد بن عبدالغدیر از محمد بن اسحاق بن عمار از فضل الرمان روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند: حجامت کردن، نوره و ریختن دارو به بینی (انفیه) از داروهای پیامبران می‌باشد.

وقت حجامت

* احمد بن عبدالله بن رزین روایت کرده است روزی امام صادق علیه السلام بر گروهی که حجامت می‌کردند گذشت. به آن‌ها فرمود: چه اشکالی برای شما داشت، اگر این کار را به روز یکشنبه موکول

می‌کردید؟ به درستی که حجامت کردن در روز یکشنبه درد و بیماری را معالجه می‌کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی که خون شما آلوده شد، حجامت کنید، به درستی که گاهی اوقات‌ها خون در جریان نیست، هر که در آن موقع حجامت کرد کشته خواهد شد.

* امام محمد باقر علیه السلام فرمود: چه نیکو است که خود را مداوا کنید یا بیماری دیگران را به وسیلهٔ تزریق کردن و ریختن دارو در بینی و حجامت و جوشانده درمان کنید.

انواع حجامت

* احمد بن محمد از ابو محمد بن خالد از عبدالله بن بکیر از زراره بن اعین روایت کرده است: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام از رسول خدا فرمود: حجامت کردن سر آغاز هر درمان و شفاء می‌باشد جز مرگ که درمانی ندارد.

* حضر بن محمد از حوارینی از ابی محمد برذعی از صفویان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سه نقطه از بدن مبارکشان حجامت می‌کرد: در سر و آن را «متقدمه» نام گذاشت، دیگری بین دو کتف و آن را «نافعه» نامید نهاد و دیگری را در ران راست و آن را «معینه» نام گذاشت.

نگاه‌کردن به خون در حال حجامت

* عبدالله بن موسی طبری از اسحاق بن ابی حسن از مادرش ام محمد روایت کرده است: مولایم به من فرمود: هر که در هنگام حجامت نگاه به خونش کند از درد «وامیه» تا حجامت بعدی در

امان خواهد بود.

عرض کردم: مولای من! وامیه چیست؟ فرمود: درد گلو

*ابراهیم بن عبدالله خزامی از حسین بن جعفر بن عمر از برادرش عمر بن شمر از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقرعلیه‌السلام روایت کرده که می‌فرماید: هر که حجامت نماید و نگاه به خونش کند، از کوری چشم و کم بینایی تا حجامت بعدی ایمن خواهد بود.

پس از حجامت

* پدر زکریا یحیی بن آدم از صفوان بن یحیی از عبدالله بن بُکیر از شعطب عقرقوفی از ازدی از ابی اسحاق سبیعی روایت کرده که فرمود: هر وقت که امام علی‌علیه‌السلام حجامت می‌کردند، به حمام می‌رفتند و غسل می‌کردند.

* شعطب می‌گوید: نزد امام صادق‌علیه‌السلام این مورد را متذکر کردم. ایشان به من فرمود: پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وقتی که خون در ایشان برانگیخته می‌شد، حجامت می‌کردند سپس به خاطر حرارت خون با آب سرد خون را می‌شستند تا حرارت حاصل از برانگیخته شدن خون در حال حجامت کم شود.

* و نیز فرمود: هرگاه امام علی‌علیه‌السلام وارد حمام می‌شدند، گرما و حرارت بر ایشان غلبه می‌کرد خود را با آب سرد می‌شست.

حجامت شانه

* حارث بن اعور که او از فرزندان حارث اعور همدانی از سعید بن محمد از ابی بصیر از امام صادق روایت کرده است:

پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گونه‌های خود را حجامت می‌کرد. در همان

موقع جبرئیل علیه‌السلام نازل شد و عرض کرد: ای رسول خدا! دیگر گونه‌های خود را حجامت نکن و به جای آن شانه‌های خود را حجامت کن که این هدیه از طرف خدا به تو می‌باشد.

* داود بن سلیمان بصری جوهری از احمد بن محمد از ابی نصر از ابو بصیر روایت کرده و می‌گوید: به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرّف شدم و در مورد حجامت کردن در روز چهار شنبه از ایشان پرسیدم؟

فرمود: حجامت کردن در این روز خیلی نافع است و همهٔ دردها و بیماری‌ها را خارج می‌کند.

* ابراهیم بن سنان از محمد دارمی از زرارة بن اعین روایت کرده و می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام حجامت می‌کردند و دستور می‌دادند که سه حبه قند برای ایشان بیاورند و فرمودند: خوردن سه حبه قند بعد از حجامت باعث می‌شود خون صاف شود و حرارت بدن را خارج می‌کند.

* نیز از امام هادی علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود: خوردن انار شیرین پس از حجامت باعث می‌شود خون صاف گردد.

اضافه کردن شراب بر روی دارو

* حاتم بن اسماعیل از نصر بن سوید از حسین بن عبدالله درحانی از مالک بن مسمع از قاعدة بن طرح روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرف شدم و عرض کردم: آیا جایز است شراب را همراه دارو به بیمار داد؟

فرمود: هیچ چیزی باقی نمی‌ماند برای کسی که به وسیله چیزی که حرام است خود را درمان کند.

* ابراهیم بن محمد از فضاله بن ایوب از اسماعیل بن محمد روایت کرده که امام صادق(علیه السلام) فرمودند: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از استعمال دارو زیان آور مانند شراب نهی کردند.

* عبدالحمد بن حمد بن حر می‌گوید؛ وقتی که امام صادق(علیه السلام) از عراق به مدینه تشریف آوردند به من فرمود: به نزد اسماعیل بن جعفر برو، او از یک درد نالان است. من به نزد ایشان رفتم و عرض کردم: کجای شما درد دارد؟

محل درد را به من نشان داد. من برای درمان دردش، داروی که در آن شراب بود، تجویز کردم که از آن دارو استفاده کنی خوب خواهی شد.

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: ای حمد بن حر، به درستی که شراب حرام می‌باشد و ما اهل بیت(علیهم السلام) با چیزی که حرام است خود را معالجه نمی‌کنیم.

بسم الله گفتن هنگام خوردن غذا

* محمد بن بُکیر بن مصفی از فضالة بن ایوب از داود بن فرقد با اسناد از امام علی روایت کرده است:

امام علی(علیه السلام) فرمود: هر که قبل از غذا خوردن بسم الله گوید من، ضامن او از درد و بیماری خواهم بود.

در همان حال مردی بلند شد و گفت: ای امیر المؤمنین! من دیشب قبل از خوردن غذا بسم الله گفتم ولی خیلی درد کشیدم.

امام فرمود: تو غذاهای مختلفی خوردی، و بر بعضی از آن‌ها بسم الله گفتی و بر بعضی دیگر بسم الله نگفتی.

آن مرد خندید و عرض کرد: ای امیر المؤمنین! به خدا قسم، راستی گفتی، این چنین بود.

امام به او فرمود: دردی که کشیدی به خاطر همین بود.

درد کلیه

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان از امام صادق روایت کرده است: خوردن «کاشم» برای کلیّه مفید است.

راز سلامتی

* شیخ برسی از محمد بن یحیی از سنان از یونس بن ظبیان از جعفر از جابر از امام صادق علیه‌السلام با اسناد از امام علی علیه‌السلام روایت کرده و فرمود: هر که می‌خواهد ضرری از غذا خوردن به او نرسد، به غذا نزدیک نشود مگر این که گرسنه باشد. و وقتی که خواست غذا بخورد «بسم الله و بالله» بگوید و غذا را خوب بجود و وقتی که احساس می‌کند که هنوز می‌تواند غذا بخورد از غذا خوردن دست بردارد.

* عبدالله بن بسطام از محمد بن زریق از حماد بن عیسی از حریز از امام صادق از امام محمد باقر از امام سجاد از امام حسین از امام علی علیه‌السلام روایت کرده است و فرمود: هر که سلامتی را در دنیا می‌خواهد کم لباس بپوشد و سحرگاهان بیدار شود و نزدیکی با زنان را کم کند.

طالع بن محمد عنبری از نصر بن سوید از عبدالله بن سنان از عون بن عبدالله از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده و فرمود: هر که قسمتی از

بدنش درد می‌کشد دست خود را بر روی آن جا بگذارد و دور آن بگرداند و سه بار این دعا را بخواند، به اذن خدای تبارک و تعالی دردش ساکن مـی‌شود. بِسْمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ صَلَّی اللهِ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ اَللّٰهُمَّ امْحِ ما اَجِدُ.

شربت عسل و کشمش

* عبدالله بن بسطام از محمد بن اسماعیل بن حاتم تـمیمی از عمر بن ابن خالد از اسحاق پسر عمار روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرف شدم و در مورد بعضی از دردها نالان شدم. عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! من به یک پزشک دربارهٔ بیماری خودم مراجعه کردم. به من شربتی را معرفی کرد که بیماری را درمان می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام به من فرمود: آن شربت چیست؟

عرض کردم: طبیب به من گفت مقداری کشمش برمی‌داری و آن را می‌شوری، سپس بـه انـدازه آن عسـل و آب مـی‌گذاری و آن را می‌پزی تا وقتی دو سوم آن بخار شود و یک سوم آن بماند.

امام فرمود: آیا آن شربت را که درست کردی شیرین است یا نه؟

عرض کردم: شیرین می‌باشد.

فرمود: از آن شربت شیرین بخور هر طور که درست کردی و آن را دیدی و خریدی.

راوی می‌گوید: امام غیر از این سخن چیز دیگری اضافه نکرد.

خوردن دارو در وقت نیاز

* مضفر بن عبدالله یمانی از محمد بن یزید اشهلی از سالم بن ابی خیثمه روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که علائم تندرستی و درمان در جسمش نمایان شد و از دارو خوردن پرهیز نکرد کار اشتباهی کرده است و کارش آن را تباه خواهد کرد.

نوشیدن ادرار حیوان

* ایوب بن حریز از ابو حریز بن ابوورد از زرعه از محمد حضرمی از سماعه بن مهران روایت کرده است که می‌گوید: به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! مردی به نزد طبیبی مراجعه کرد، آن طبیب به او گفت: علاج بیماری و خوردن بول (ادرار) می‌باشد. آیا جایز است آن مرد چنین کند؟!

فرمود: نه، جایز نیست، نباید ادرار بخورد!

عرض کردم: اگر در حالت اضطرار باشد چه طور؟

فرمود: در آن موقع می‌تواند از بول (ادرار) خودش بخورد نه بول دیگران![1]

حرام بودن شراب و چربی خوک

* عبدالله بن جعفر از صفوان بن یحیی بیّاع از عبدالله بن مسکان از حلبی می‌گوید:

۱- در واقع این سفارش نیست بلکه حضرت به طور ضمنی بیان می‌نماید که ادرار خودت را بخور و چون انسان‌ها از این کار کراهت دارند خود به خود آن را انجام نمی‌دهند.

به نزد امام صادقعليه السلام مشرف شدم و گفتم: ای پسر پیامبر خدا! آیا جایز است خود را با دارویی که از معجون شراب و چربی خوک در حالت اضطرار معالجه نمود؟!

امام فرمود: نه، به خدا سوگند برای مسلمانان حلال نیست که به آن نگاه کند. چه طور او را با آن درمان کرد در حالی که آن دارو از چربی گراز و شراب باشد؟ به خدا سوگند، خدا شفاء نمی‌دهد کسی که خود را با شراب و چربی خوک معالجه کند.

درمان با بول گاو و گوسفند

* احمد بن فضل دامغانی از محمد بن اسماعیل بن عبدالله بن زراعه از سماعه بن مهران روایت کرده است:

به نزد امام صادقعليه السلام مشرف شدم و عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! آیا جایز است شخصی به خاطر بیماریش با بول گاو و یا گوسفند خود را درمان کند؟

امام فرمود: جایز است آن شخص برای درمان درد و بیماریش از بول گوسفند یا گاو استفاده کند!

* ابراهیم بن ریاح از مفضاله بن اطوب از علاء پسر ابی یعقوب روایت کرده و می‌گوید: از امام صادقعليه السلام دربارهٔ جایز بودن خوردن بول حیوانات حلال گوشت برای شفاء جایز است یا خیر؟

فرمود: بله، جایز است.

معالجه با داروی مسیحیان، یهودی‌ها و...

* مرزوق بن محمد طائی از فضاله بن ایوب از علاء از محمد بن مسلم روایت کرده است:

مردی به نزد امام محمد باقر عليه‌السلام مشرف و عرض کرد: آیا جایز است خود را با دارویی که یهود و مسیحیان زرتشتی‌ها مـی‌سازند خود را درمان کرد یا خیر؟

فرمود: جایز است، و اشکالی ندارد زیرا شفاء نزد خداوند تبارک و تعالی می‌باشد.

شفا از خداست

* ابراهیم بن مسلم از عبد الرحمان بن ابی نجران از یونس بـن یعقوب روایت کرده و می‌گوید: به نزد امام صادق مشرف شـدم و گفتم: ای پسر پیامبر خدا! شخصی برای درمان خود دارو می‌خورد، گاهی خوب می‌شود و گاهی از میان می‌رود، آیا خوردن دارو جایز است یا خیر؟

امام فرمود: خداوند تبارک و تعالی، بیماری و درد را نازل کرد و همراه آن نیز راه علاج و درمان را نیز فرستاد. و خداوند تـبارک و تعالی هیچ دردی و بیماری را نیافرید مگر این کـه شـفاء آن درد و بیماری را نیز به همراه آن خلق نموده است. و آن شخصی که برای بیماریش از دارو استفاده کرده که آن دارو، او را معالجه کند از دنیا رفت، به درستی که خدا، داروی آن شخص را سم کرده و آن شخص از دنیا رفته است.

درمان با تریاک و یا نوش دارو

محمد بن عبدالله از صفوان بن یحیی از عبدالرحمان بن حجاج روایت کرده است:

مردی به نزد امام کاظم عليه‌السلام رسید و گفت: ای پسر پیامبر خدا! آیا

جایز است که خود را با تریاک درمان کند؟

فرمود: بله، جایز است و اشکالی ندارد!

آن مرد بار دیگر پرسید: ای پسر پیامبر خدا! تریاک که داروی با ارزشی است و برای شخصی که آن را استفاده می‌کند گوشتی مانند گوشت مار افعی درست می‌کند.

ایشان فرمودند: فلانی، نمی‌توانی بر ما غلبه کنی.

درمان با سیب

* ابراهیم بن محمد از زراعة بن از سماعه روایت کرده است:

به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی مریض است و طبیب معالج به او گفته است نباید سیب بخوری، که اگر سیب خوردی بیماریت سخت می‌شود.

فرمود: سیب را بخورانید که هیچ چیز بهتر از سیب برای بیمار نیست.

قطع خون عادت ماهیانه

* مسعودی از حسن بن خالد روایت کرده است: زنی نامه‌ای برای امام رضا علیه السلام فرستاد که در آن نامه چنین نوشته بود:

ای ابا الحسن! من خیلی خون می‌بینم و عادت ماهانه من پیش از دو اندازه عادی می‌باشد، از شما می‌خواهم که برایم دعا کنی یا درمان آن را برایم یاد بدهی و سلام و درود خدا بر محمد و اهل بیت طیبین و طاهرینش باد.

امام در جواب آن نامه چنین نوشت:

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان، نامهٔ شما به من رسید. وقتی که

نـامه‌ام بـه دسـتت رسـید، یک مشت گشـنیز و یک مشت سـماق برمی‌داری و آن‌ها را با هم مخلوط می‌کنی، سپس آن را با یک شب، زیر نـور ستارگان مـی‌گذاری و بـعد آن را سـرخ مـی‌کنی و از آن می‌خوری به اذن خدا خون دیدن شما جز در اوایل دوران حـیض قطع می‌شود. و سلام و درود خـدا بـر مـحمد و خـاندان پـاک و پاکیزه‌اش باد.

درمان سستی و ضعف بدن

* محمد بن موسی السُّدیفی از بن محبوب و هارون بن ابوجهنم از اسماعیل بن مسلم سکونی از امام صادق از امام محمد باقر بـا اسناد از پیامبر خدا روایت کرده است؛ حضرت نوح علیه‌السلام از سستی وضعف بدنش در نزد باری تعالی نالان شد.

خداوند تبارک و تعالی به ایشان وحی فرستاد و فرمود: ای نوح! گوشت را با شیر بپز و آن را بخور که به درستی که من قوّت و برکت را در آن قرار داده‌ام.

* ابراهیم بن حزام حریری از محمد بن ابـی نـصر از ثـعلبه از عبدالرحیم بن عبدالمجید قیصر از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: هر که از ضعف دل و جسمش نالان است گوشت را با شیر پخته و از آن بخورد و وقتی که آن را خورد، ده بار این دعا را بخواند: **لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شریكَ لَهُ یُحْیی وَ یُمیتُ وَ یُحْیی وَ هوَ حَیٌ لا یَموتُ.**

و در هنگام خواب تسبیحات فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها و آیة الکرسی و سوره توحید را بخواند که به خواست خداوند تبارک و تعالی خوب

خواهد شد.

درمان زکام یا گرفتگی بینی

* سعید بن منصور از زکریا پسر یحیی مزنی از پسر ابی یحیی روایت کرده است: به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرف شدم و از گرفتگی بینی و زکام شکایت کردم.

ایشان فرمود: زکام، نعمتی از نعمت‌های خدا و سربازی از سربازان خدا است، که خداوند تبارک و تعالی، آن را بر تو فرستاده است تا تو را به دردی مبتلا کند. پس هرگاه به آن مبتلا شدی تو را سفارش می‌کنم که مقدار یک نخود سیاه دانه همراه با نیم دانه نخود کند که آن دو را کوبیده، سپس داخل بینی نفخ شود که برای درمان زکام خیلی نافع است و آن را از میان می‌برد.

قولنج، شکم پیچگی و کشتن کرم در بدن

* هارون بن شعیب از داود بن عبدالله از ابراهیم بن ابی یحیی از محمد بن اسماعیل بن ابی زینب از جُعفی از جابر روایت کرده است:

مردی به نزد امام محمد باقر علیه‌السلام مشرف شد و از قولنج و شکم پیچگی و درد شکم و غیره شکایت کرد. امام به او فرمود: هر که به قولنج و یا شکم پیچگی مبتلا است، بر روی شیشه و یا بر روی کاغذ یا بر روی پوست یا زعفران سوره مبارکهٔ حمد، فلق، ناس و سوره مبارکه توحید را نوشته و زیر همان این دعا را بنویس.

آن نوشته‌ها را با باران شسته و از آن ناشتا و یا در وقت خواب از آن بنوش. به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

دعـــا ایـن است: **أَعوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظيمِ وَ بِقوَّتِهِ الَّتی لا تُرامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتی لا یَمْتَنَعُ مِنْها شَیْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجْعِ وَ شَرِّ ما أَحْذَرُ مِنْهُ.**

* حسن بن عبدالله از فضاله بن ایوب از محمد بن مسلم بن یزید سکونی از امام صادق از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که امام علی علیه السلام فرمود: هر که در هنگام خواب، هفت دانه خرما بخورد، همهٔ کرم‌های شکمش از بین می‌روند.

* و نیز فرمود: هر که در شکمش، کرم و یا غیره که باعث اذیت او می‌باشد به او سرکه بخورانید، که سرکه، کرم‌های شکم را نابود می‌کند.

* و نیز فرمود: خوردن خرمای رسیده و نرم در هنگام ناشتا، باعث نابودی کرم شکم می‌باشد.

درمان اسهال

* بشر بن عبدالحمید از وشاءِ از محمد بن فضیل از ابی حمزه ثمالی روایت کرده است:

مردی به نزد امام محمد باقر علیه السلام مشرف شد و از اسهال شکایت کرد. ایشان به آن مرد فرمود: مقداری از گل ارمنی برداشته و آن را سرخ کرده، سپس از آن تناول کن که به اذن خداوند تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

* و نیز دربارهٔ درمان اسهال فرمود: مقداری از سبو سفید و مقداری بذر اسپرزه و مقداری از صمغ عربی و مقداری از گل ارمنی برداشته و آن را با هم با آتش ملایم سرخ کرده و سپس از آن خورده

شود.

بلغم و درمان آن

* حریز بن ایوب جرجانی از محمد بن ابی نصیر از محمد بن اسحاق از عمار نوفلی از امام صادق با اسناد از امام علی روایت کرده است:

تلاوت قرآن و مسواک کردن و کندر، بلغم را جلاء می‌دهند.

* امام صادق علیه السلام که فرمود: هر که ناشتا وارد حمام شود بلغم، جلاء داده می‌شود و اگر بعد از خوردن وارد حمام شود بلغم از دهان پاک می‌شود. و اگر خواستی به گوشت بدن خود اضافه کنی، با شکم سیر وارد حمام شو و اگر خواستی از گوشت خود کم کنی ناشتا وارد حمام شو.

درمان آب ریزش بینی

* سالم بن ابراهیم از داود رقی روایت کرده است:

مردی به نزد امام موسی کاظم علیه السلام مشرف شد و از آب ریزش بینی در نزد ایشان نالان شد. ایشان به او فرمود: ناشتا یکدانه خرمای برنی را میل کن خوب خواهی شد ولی پس از آن آب ننوش! آن مرد نیز این کار را انجام داد، ولی به خشکی بینی مبتلا شد.

بار دیگر به نزد امام مشرف و عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! من به دستور شما آن کار را انجام دادم ولی به خشکی بینی مبتلا شدم؟!

امام فرمودند: ناشتا، خرمای برنی را همراه با آب بخور، ان شاء الله خوب خواهی شد.

آن مرد نیز این کار را انجام داد و خوب شد.

* محمد بن معارج بلغم بن اسماعیل از امام صادق از امام محمد باقر با اسناد از امام علی روایت کرده است و فرمود: سه چیز بلغم را از بین می‌برد: خواندن قرآن، کندر و عسل.

* امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: زیاد شانه کردن، بلغم را از میان می‌برد و اصلاح کردن آن، رطوبت را از بین می‌برد و ریشه آن را خشک می‌کند.

خواص شکر طبرزد

* حمدان بن اعین بن رازی از صفوان بن یحیی از جمیل بن دراج از زراره روایت کرده است: به نزد امام محمد باقر علیه السلام مشرف شدم و در مورد فرمودهٔ امام علی علیه السلام که فرمود: به درستی که من تقسیم کننده بهشت و جهنم هستم سؤال کردم؟

ایشان به من فرمود: بله، این صحیح است و ایشان در جمع مردم چنین فرمود.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: وای بر تو زراره! چرا مردم از خواص شکر طبر زد غافل هستند، به درستی که آن برای هفتاد درد و بیماری که آسان ترین آن‌ها بلغم است نافع می‌باشد که ریشه آن‌ها را از ته می‌کَنَد.

خواص قاووت (سویق)[۱] تر و خشک

* صالح بن ابراهیم مصری از فضالة بن ابی بکر از ابی یعفور از امام صادق روایت کرده است: خوردن قاووت خشک ناشتا، حرارت بدن را گرفته و کیسهٔ صفرا را ساکن می‌کند ولی اگر تر باشد چنین

۱- آرد گندم و جو.

خاصیت ندارد.

* امام محمد باقر علیه السلام فرمود: چه با عظمت برکت دارد قاووت که اگر انسان آن نوشید در حالی که سیر باشد که باعث می‌شود کیسهٔ صفراء را جلا داده و برای هضم غذا خیلی نافع می‌باشد.

و فرمود: هر گاه انسان در حالت گرسنگی از آن بخورد سیر می‌شود و چه خوب است غذای انسان در سفر و وطن، قاووت باشد.

در مورد استفراغ کردن

* جعفر بن منصور وادی از حسین بن علی بن یقطین از محمد بن فضل از ابی حمزه ثمالی از امام محمد باقر روایت کرده است: هر که در حالت مسمومیت از غذا خوردن استفراغ کند بهتر از هفتاد دارو برای او خواهد بود و وقتی که خود به خود قیء کند از این جهت که تمام دردها را خارج می‌کند.

خواص اسپند

* ابراهیم بن خالد از ابواسحاق بن ابراهیم بن عبدربه از عبدالواحد بن میمون از ابی خالد واسطی از زید پسر امام سجاد با اسناد از پیامبر خدا روایت کرده است:

شاخه، برگ و بوتهٔ اسپندی روییده نمی‌شود مگر این که فرشته‌ای، موکل آن باشد تا وقتی که چیده شود یا سوزانده شود و در ریشه و ساقه‌اش سری نهفته است و در دانه‌هایش شفا و درمان هفتاد و دو نوع درد و بیماری می‌باشد، پس خود را با آن معالجه کنید.

* از امام صادق علیه السلام در مورد خواص اسپند سؤال کردند؟

امام فرمود: اما اسپند هیچ ریشه‌ای و هیچ ساقه‌ای و هیچ بوته‌ای

در زمین و آسمان ندارد مگر این که فرشته‌ای بر آن موکل می‌باشد تا وقتی که زغال شود و راه می‌رود هر کجا که آن فرشته راه مـی‌رود. همانا شیطان در هر اتاقی وارد می‌شود جز در اتاق که در آن اسپند می‌باشد و آن شفا و درمان هفتاد بیماری می‌باشد کـه کـم‌ترین آن جذام می‌باشد پس از آن غافل نشوید.

خواص سیاه دانه

* قاسم بن احمد بن جعفر از قاسم بن محمد از بن ابی جعفر از محمد بن یعلی پدر عمر از ذریح روایت کرده است: به نـزد امـام صادق علیه‌السلام مشرف شدم و از صدای شکم شکایت کردم.

حضرت به من فرمود: چرا از سیاه دانه غافل هستی. که در آن شفا همه ی دردها و بیماری‌ها جز مرگ می‌باشد.

* از امام محمد باقر علیه‌السلام روایت شده که می‌فرماید: پیامبر خدا دربارهٔ خواص سیاه دانه فرمود: سیاه دانه، شفای همهٔ بیماری‌ها و دردها جز سام می‌باشد.

عرض شد ای پیامبر خدا! سام چیست؟

فرمود: سام، همان مرگ می‌باشد.

* زراره بن اعین می‌گوید: شنیدم از امام باقر علیه‌السلام در مورد فرموده پیامبر در خواص سیاه دانه سؤال شد؟

ایشان فرمودند: بله، درست است. پـیامبر خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چـنین فرموده است که سیاه دانه درمان و شفای همهٔ بیماری‌ها می‌باشد جز مرگ، و ایشان در این استثنا قرار دادند.

فرمود: ای فلانی، آیا می‌دانی که چرا پیامبر در این استثنا شدند؟

گفتم: خدا و پیامبرش و حجت خدا علیهم‌السلام بهتر می‌دانند. فرمود: زیرا دعا، قضا را بر می‌گرداند و صدقه دادن، خشم خدا را خاموش می‌کند.

درمان قطران شدن بول

* محمد بن ابراهیم علوی از فضاله از محمد بن ابی بصیر از پدرش روایت کرده است: عمروالأفرق به نزد امام محمد باقر علیه‌السلام مشرف شد و از قطران بول نالان شد و درمان آن را از ایشان خواستار شد.

حضرت فرمودند: مقداری اسپند برمی‌داری و آن را شش بار با آب سرد می‌شوری و یک بار با آب گرم می‌شوری و آن را با روغن زیتون خالص مخلوط کرده و ناشتا از آن میل می‌کنی. به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

درمان شکم پیچه

* حمید بن عبدالله مدنی از اسحاق بن محمد از صاحب ابی الحسن از علی بن سندی از سعد بن سعد روایت کرده است: مردی به نزد امام موسی کاظم علیه‌السلام مشرف شد و از شکم پیچه شکایت کرد و گفت: خیلی درد می‌کند و نمی‌توانم کار انجام دهم؟

امام به او فرمود: بدون این روغن روی شکم خود بگذاری مقداری آب، داخل ظرفی بردار و این دعا را روی آن بخوان و از آن میل کن و دست را روی شکمت بگرداند که به اذن خدا خوب خواهی شد. يُرِيدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (بقره/

۱۸۵).[1]

و بعد از آن می‌گویی: أَوَلَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَروا أنَّ السماوات وَ الْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماَءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلا يؤمِنونَ.[2]

شدت درد زایمان

* صالح بن ابراهیم مصری از ابن فضاله از محمد بن جهم از مخل از جابر بن یزید جعفی روایت کرده است:

مردی به نزد امام محمد باقر علیه السلام مشرف شد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! به دادم برس!

ایشان فرمود: چه به سرت آمده است؟

گفت: زنم از شدت درد زایمان به حد مرگ رسیده است.

فرمود: این آیه و تعویذ را بر آن بخوان، خوب خواهد شد.

فَجاءَهَا الْمخاضُ اِلىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قال يا لَيْتَني مِتُّ قَبْلَ هٰذا وَ كُنْتُ نَسْياً مَنْسِيًّا، فَناداها مِنْ تَحْتِها ألاّ تَحْزَني قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا وَ هُزّي اِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُساقِطْ عَلَيْكِ رُطَباً جَنِيًّا.[3]

سپس صدایت را با این آیه بلند کن:

«وَ اللهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمونَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصارَ وَ الْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرونَ»[4] كَذٰلِكَ اُخْرُجْ اَيُّهَا الطَّلْقِ اُخْرُجْ بِاِذْنِ اللهِ.

۱- به درستی که خدا برای شما آسانی می‌خواهد و سختی را نمی‌خواهد.

۲- انبیاء/ ۳۰.

۳- مریم / ۲۳ تا ۲۵.

۴- نحل/ ۷۸.

گرفتگی عضلات و مفاصل بدن

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از یونس بن ظبیان از ابی زینب روایت کرده است:

نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم در همان حال سنان بن سلمه در حالت پریشانی و نگرانی وارد منزل ایشان شد. امام فرمود: ای سنان، چرا پریشان خاطر و ناراحت هستی؟

گفت: از گرفتگی عضلات و مفاصل، بدنم نالان هست و از شدت درد نمی‌توانم کاری را انجام دهم.

ایشان فرمود: چرا از این دعا غافل شده‌ای؟

عرض کرد: کدام دعا را می‌فرمایید؟

راوی می‌گوید: امام دعا را به سنان یاد داد. به خدا سوگند! سنان آن دعا را نخواند مگر این که بعد از خواندن آن صحیح و سالم بلند شد. و آن دعا این است که فرمود: دست را روی جای که درد می‌کند می‌گذاری و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَسْمٰائِكَ وَ بَرَكاتِكَ وَ دَعوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبارَكِ الْمَكينِ عِنْدِكَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِحَقِّه وَ بِحَقِّ ابْنَتِهِ فاطِمَةَ الْمُبٰارَكَةِ وَ بِحَقِّ وَصيِّهِ أميرِ الْمُؤْمِنينَ وَ حَقِّ سَيِّدَىْ شَبٰابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اِلاّ اَذْهَبْتَ عَنّى شَرَّ ما اَجِدُ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّكَ يٰا اِلٰهَ الْعالَمينَ.

خارج کردن باد از مفاصل بدن

* جعفر بن جابر طلائی از موسی بن عمر از یزد بن صیقل از عمر بن یزید روایت کرده است:

جابر بن حیان صوفی برای امام صادق علیه السلام نامه‌ای به چنین مضمون نوشت که من به باد مفاصل از سر تا پا مبتلا هستم و نمی‌توانم کار انجام دهم، از شما که معدن علم و رسالت هستید درخواست می‌کنم که راه درمانی به من نشان دهید.

ایشان در جواب نامه چنین نوشت: ای جابر، نامه‌ات به من رسید تو را سفارش می‌کنم که ناشتا، زعفران و گل سوسن بخوری.

درمان سوزش صورت از بادهای گرم و سرد

* احمد پسر ابراهیم پسر ریاح از صباح پسر محارب روایت کرده است:

نزد امام رضا علیه السلام مشرف شده بودیم. در آن جا یادی از شعیب پسر جابر که مبتلا به سوزش صورت از بادهای گرم و سرد بود کردیم و راه علاج او را از ایشان خواستیم.

ایشان فرمود: چهار مثقال گل سوسن را برداشته و داخل پارچه‌ای گذاشته و آن را گره کرده و روی آن گل مالی نشود و زیر خورشید گذاشته شود. در تابستان یک روز و در زمستان سه روز آن را گذاشته سپس آن را از پارچه در آورده و ریز کرده و در آب باران گذاشته و آن را به هم زده تا وقتی که مانند مرهم شود. سپس به پشت خوابیده و روی صورت خود گذاشته تا وقتی که گل سوسن خشک شود و بعد از آن، آن را بشوئید که به اذن خداوند تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

راوی می‌گوید: ما به نزد او رفتیم و با خوشحالی راه علاج را به او گفتیم و او خیلی خوشحال شد و آن را انجام داد و بهتر از قبل شد.

درمان پیسی و لک بدن

* عبدالله و حسین بسطام از محمد پسر خلف از محمد وشا از عبدالله بن سنان روایت کرده است:

به نزد امام صادقعلیه‌السلام مشرف شدم و از لک بدن و پیسی در نزد ایشان شکایت کردم.

به من فرمود: ای ابن سنان، برو حمام و حناء و نوره با آب مخلوط کن و آن را روی جای که لک یا پیسی داری بگذار، به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند، من یک بار آن را انجام دادم و به اذن خدا خوب شدم و دیگر به آن مبتلا نشدم.

خواص بسم الله و آب گرم برای درمان درد سر

* سالم پسر ابراهیم از دیلمی از داود رقی روایت کرده است: به حجّ رفته بودم. سپس به نزد امام صادقعلیه‌السلام مشرف شدم. در نزد ایشان مردی خراسانی نشسته بود که حضرت آیات قرآن کریم را برای او تفسیر می‌کرد. سپس آن مرد عرض کرد: ای پسر رسول خدا! گاهی به سردرد شدید مبتلا شده‌ام و از شدت درد آن نمی‌توانم جای را ببینم و یا کاری انجام دهم. آن درد مرا زمین گیر نموده است. از شما می‌خواهم برایم دعا کنی، یا راه علاجی برای من یاد بدهی؟

ایشان فرمودند: هیچ چیزی انجام نده مگر هفت بار با دست خود با آب گرم بروی سرت بریز و هر موقع که خواستی بریزی بسم الله بگو. به اذن خدای تبارک و تعالی درد سرت ساکن می‌شود و دیگر هرگز به آن مبتلا نخواهی شد انشاء الله.

درمان زخم معده و سستی آن

* از یکی از معصومین علیهم‌السلام روایت شده که فرمود: یک رطل (نصف من) خیار چنبر برداشته و آن را کوبیده، همراه با یک رطل آب یک شب و روز خیس کرده و سپس آن را صاف کرده و با صاف شده آن یک رطل عسل و دو رطل عسل و دو رطل از به و چهل مثقال روغن گل اضافه شده و آن را روی آتش ملایم پخته شود تا وقتی که آبش بخار شود. سپس آن را از آتش پایین آورده تا وقتی که سرد شود. وقتی که سرد شد به اندازهٔ مساوی، فلفل و پوست فلفل (دارفلفل) و ساقه گل سوسن و هل (قاقله) و آنوجه (زنجبیل) و دارچین را با هم کوبیده و الک کرده و پودر آن را روی آن گذاشته شود و آن را به هم بزنید. سپس آن را در یک شیشه یا دبه درب دار گذاشته و ناشتا به اندازهٔ دو مثقال یک باره خورده شود که باعث می‌شود معده را جلا دهد و غذا را هضم می‌کند و به آن قدرت می‌دهد و از زخم معده شفا یابد و تمام بادها در مفاصل بدن را به اذن خدای تبارک و تعالی خارج می‌کند.

درمان ضعف چشم

* روایت شده که مردی به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرف شد و از درد چشم و ضعف و کم بینایی در نزد ایشان نالان شد.

ایشان به او فرمود: چرا از سه چیز غافل هستی؟

عرض کرد: آن سه چیز چیست؟

فرمود: صبر زرد و مرّ و کافور.

* محمد بن مثنی از محمد بن عیسی از عمرو بن ابومقدار از

جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هر که از اهل بیت علیهم السلام به ضعف چشم مبتلا شد. پیامبر آن را با این دعا تعویذ می‌کرد.

اَللّٰهمَّ مَتِّعْنی بِسَمْعی وَ بَصَری وَ اَجعلها الْوارِثینَ مِنّی وَ انْصُرْنی عَلیٰ مَنْ ظَلَمَنی وَاَرِنی فیهِ ثاری.

*روایت شده از امام صادق علیه السلام که فرمودند: سرمه کشیدن در شب، بوی دهان را معطر می‌کند.

* جابر بن خداش از عبدالله بن میمون قداح از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: حضرت محمد صلی الله علیه و آله سرمه‌ای داشتند که در شب، سه بار چشمان خود را با آن سرمه می‌کشیدند.

خارج کردن سنگ از کلیه

* خضر بن محمد از خرازی روایت کرده که می‌گوید: روزی به نزد یکی از معصومین علیه السلام مشرف شدم. عرض کردم: برادری دارم که از درد سنگ کلیه نالان است و از شدّت درد آن نمی‌تواند کاری را انجام دهد و شب‌ها، خواب ندارد.

ایشان فرمود: به نزد برادرت برو و برای او مقداری هلیله سیاه و بلیج و خانه زنبور (کور) و فلفل و پوست فلفل و ودج و انیسون و دارچین و زنجبیل)و (شقاق)و خولجان به مقدار مساوی برداشته و آن را کوبیده و سپس الک کرده و پودر آن را با دو برابر عسل ریخته شود که خیلی نافع می‌باشد و به مقدار یک فندق و یا یک گردو و از آن بخورد که خیلی نافع است برای خارج کردن سنگ کلیه و صاف کردن خون و ادرار می‌باشد.

درمان یرقان (زردی)

حماد بن مهران بلخی روایت کرده که می‌گوید: ما همیشه در خراسان به نزد امام رضا علیه السلام شرفیاب می‌شدیم. یک روز جوانی وارد شد و از یرقان در نزد ایشان شکایت کرد.

امام فرمود: خیار برداشته و پوستش را کنده، سپس پوستش را با آب پخته و از آن سه روز ناشتا به اندازه یک رطل از آن بخور که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

دعای برای درد شکم و درد چشم و دردهای دیگر

* عبدالله بن موسی طبری از محمد از اسماعیل بن محمد از خالد بن برقی از محمد بن سنان از مفضل بن عمر روایت کرده است: یکی از دوستان ما به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! زنم از درد شکم و درد ناف و درد چشم و درد سر و درد شقیقه و غیره نالان است که از شدت درد، من تا صبح به خاطر ناله و گریه آن بیدار می‌مانم. از شما می‌خواهم بر من منّت بگذاری و او را نجات دهی.

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که نماز صبح خواندی، دست‌های خود را به سوی آسمان بالا بیاور و با خشوع و خلوص نیت و تضرع این دعا را بخوان:

اَعُوذُ بِجَلالِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ بِهائِكَ وَ سُلْطانِكَ مِمّا اَجِدُ یا غَوْثی یا رَسولَ اللهِ یا غَوْثی یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ یا غَوْثی یا فاطِمَةُ بِنْتَ رَسُولِ اللهِ اَغِثْنی اَغِثْنی.

سپس دست راست خود را روی پیشانی خود می‌گذاری و آن را

مسح می‌کنی و می‌گویی:

یامَنْ سَکَنَ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْاَرْضِ سَکَنَ ما بِیْ بِقُوَّتِکَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَکَنَ ما بی.

دعا برای درد سر

* محمد بن اسماعیل از محمد بن خالد از ابویعقوب الزیات از معاویه (پسر وهب) از عمار دهنی روایت کرده است: به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرف شدم و از درد سر در نزد ایشان نالان شدم.

حضرت فرمود: هرگاه نماز واجب خود را خواندی دست راست خود را روی چشمانت بگذار و هفت بار بگو در حالی که دست خود را بر روی سمت راست سرت می‌گردانی بگو: «یا حَنّانُ اِشْفِنی» و سپس دست خود را روی طرف چپت بگردان و هفت بار بگو: «یا مَنّان اِشْفِنی» سپس دست راست خود را روی پیشانیت بگذار و بگو: یَامَنْ سَکَنَ لَهُ ما السَّماواتِ وَ ما فِی الْاَرْضِ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَکَنَ ما بی.

سپس یک باره بلند شو به اذن خدا شفا خواهی یافت.

دعا برای همهٔ دردها

* محمد بن اسماعیل از محمد بن خالد بن ابو عبدالله از سعدان بن مسلم از سعد المولی روایت کرده است: این دعا را امام صادق علیه‌السلام آن را برای ما املاء کرده و فرمود: این دعا تعویذ برای همه دردها و بیماری‌ها می‌باشد.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللهِ الَّذی لایَضُرُّ مَعَ اِسمِهِ شَیْءٌ فی الْاَرْضِ وَ لا فِی السَّماءِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الطّاهِرِ الطُّهْرِ

الْمُقَدَّسِ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْمُبارَكُ الَّذى مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ وَ مَنْ دَعاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ وَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعافِيَنى مِمّا أَجِدُ فى سَمْعىٰ وَ بَصَرى وَ فى يَدى وَ رِجْلى وَ فى شِعْرى وَ بَشَرى وَ فى بَطْنى إِنَّكَ لَطيفٌ لِما تَشاءُ وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

درمان درد مثانه

❊ روایت شده که خیار بادرنج برداشته و آن را پوست کنده و پوستش را داخل آب گذاشته، همراه با کاسنی پخته سپس تفاله را برداشته و آن را صاف کرده، سپس آب آن را تصفیه کرده و روی آب تصفیه شده آن شکر طبرزد گذاشته و ناشتا به مقدار یک رطل به مدت سه روز از آن بخوری که ان شاء الله خیلی نافع است.

درمان درد کلیه

روایت شده چهار مثقال فلفل و چهار مثقال زنجبیل و چهار مثقال (دار فلفل) و چهار مثقال برنج کابلی (برنج) و چهار مثقال بزباز (بسباسه) و چهار مثقال دارچین و مویز صاف و خوب (الزبد) چهل و پنج مثقال و شکر سفید چهل و شش مثقال که همه آن‌ها را کوبیده، سپس الک کرده و به اندازه دو برابر آب آن عسل روی آن ریخته و آن را با هم مخلوط کرده و آن را در یک شیشه گذاشته شود و در وقت نیاز از آن استفاده شود. هر که برای کلیهٔ خود بخواهد چهار مثقال از آن بخورد و هر که برای اسهال شکم از آن استفاده کند، پس به وزن هفت مثقال یا هشت مثقال با آب ولرم بخورد که به اذن خدای تبارک و تعالی هر دردی که از آن خارج شود و هر که از آن برای

اسهال بخورد و اسهالش بر طرف شود، آن را با عسل بخورد که خیلی نافع است.

درمان میخچه (عرق نساء)

هر که گرفتار عرق النّساء است، با ناخن گیر جای آن را فشار دهد که به اذن خدای تبارک و تعالی خیلی نافع است. و اگر شخص نمی‌تواند این کار را انجام دهد پس دو نخ ضخیم برداشته و پایی که در آن عرق نساء است به شدّت از قوزک پا تا کف پا با تمام قدرت آن را بسته هر چند از این کار بی هوش شود ولی باید تحمل کند، در حالی که او ایستاده باشد سپس نشسته و داخل کف پا را رو به صورت گذاشته و عرق نساء را به شدت فشار دهد تا وقتی که خون سیاهی از آن در بیاید. سپس با نمک و روغن جای آن را مرهم کرده که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

داروی نافع برای چند بیماری

* هر که تنگی نفس، تپش قلب، زخم معده و درد پهلو دارو است و می‌خواهد معدهٔ دفمش زیاد و آب صورت را زیاد و آب صورت را زیاد کرده و چهره را از زردی به سرخی نگاه دارد و تهیه آن دارو چنین می‌باشد:

زنجبیل به مقدار هفتاد و دو مثقال، (دار فلفل) چهل مثقال، فلفل و (شنه) و هلیله سیاه و هل (قاتله) و هسته بادام خوب و (نوانخوا) و دانه‌های حب آنار شیرین و سیاه دانه و زیره کرمانی از هر کدام به اندازه مساوی چهار مثقال که همه آن‌ها کوبیده و الک کرده سپس مقدار ششصد مثقال نبات را در ظرفی همراه با آب روی آتش

گذاشته تا وقتی که نبات ذوب شود سپس آن را پایین آورده و پودر ادویه های مذکور را روی آن ریخته و آن را به هم می‌زنید تا خوب با هم مخلوط شود سپس آن را در بطری یا شیشه درب دار گذاشته و به اندازه دو مثقال از آن ناشتا میل کنید که به اذن خدای تبارک و تعالی برای همه بیماری‌های مذکور نافع است و این دارو مجرب می‌باشد.

داروی عجیب و نافع

* دارویی که برای ورم شکم و زخم معده و از بین بردن بلغم و ذوب کردن سنگ در مثانه و آن چه را که در آن است باعث درد کشیدن باشد و برای درد کلیه و خارج کردن سنگ کلیه نافع می‌باشد که تهیه آن چنین می باشد.

(هلیله سیاه و بلیلج)چوب خوش بو، و خان زنبور (کور)و فلفل و پوست فلفل و دارچین و زنجبیل و شَقاقُل و وش (ودج) و (اسروان) بیخ گیاهی و خولنجان و به اندازه مساوی و همه آن‌ها را کوبیده و الک کرده و پودر آن را با روغن کره خوب و مانده می‌گذاری و سپس به وزن دو برابر آن عسل و یا نبات خوب مخلوط شود و از ناشتا برای بیماری‌های مذکور به اندازه یک فندق یا یک گردو و از آن میل شود که مجرب است و ان شاء الله نافع می‌باشد.

داروی جامع برای درمان بسیاری از دردها

* دوایی که کلیه‌ها را جلا داده و آب کمر را زیاد کرده و سنگ کلیه و مثانه را دور کرده و بادهای مفاصل و درد کلیه و باد شکم و درد شکم و درد مفاصل و کسی که حبس و بول داشته باشد و برای تنظیم ضربان قلب و تنظیم نفس کشیدن و شش‌ها و کشتن کرم در شکم و

جلا دهنده خوب قلب و قلب و اشتها آور و ساکن کننده درد سینه و خارج کننده درد سینه و خارج کننده چرک سینه و زردی چشم و زردی چشم و زردی چهره و یرقان و زیاد بودن تشنگی و هر که از سر درد نالان است و برای کم عقل اضافه کنند عقل و تب و آبه و برای هر درد قدیمی و غیره نافع می‌باشد که مجرب است و خلاف آن را نمی‌کند که در نزد ما یک مثقال از آن استفاده می‌شود ولی یکی از معصومین علیهم‌السلام فرمود: دو مثقال از آن نوش جان کنید.

تهیه آن این چنین می‌باشد:

مقداری هلیله سیاه و هلیله زرد و (سقومینا) عصاره گیاهی مسهل از هر کدام شش مثقال و فلفل و پوست فلفل و زنجبیل و (نانخوا) و خشخاش قرمز و نمک هندی از هر کدام چهار مثقال و (نار مشک) و هل (قاقله) و سنبل و شقاقُل و چوب بِلیسان و دانه بلیسان و (سنجله) پوست کنده و صمغ رومی و عاقر قرحا و دارچین از هر کدام به اندازه دو مثقال که همهٔ آن‌ها به جز (سقومینا) با هم کوبیده و الک کرده و (سقومینا) را به تنهایی به اندازه کوبیده شود بدون این که الک شود سپس تمام آن را با هم جمع کرده و هشتاد و پنجم مثقال نبات خوب را در دو نوبت پخته تا ذوب شود و تمام پودر ادویه ذکر شده را با آن مخلوط کرده و سپس به اندازهٔ آن با عسل صاف شده معجون شود و آن را در شیشه و یا بطری درب دار گذاشته و هر وقت که به احتیاج پیدا کردی با هر چیبی که می‌خواهی بخور دو مثقال ناشتا و دو مثقال در وقت خواب که خواص آن خیلی عجیب است و همه بیماری‌های مذکور را به اذن خدا شفا می‌کند.

دارو برای درمان درد شکم و درد کمر

* حصی لبنی خشک که از درختی استخراج می‌شود (لبنی) ریشه انقوره (اصل النجدان) از هر کدام ده مثقال و از (الافتیمون) دو مثقال که احتیاج به الک ندارد، سنس همهٔ آن‌ها را با عسل معجون کرده و در شیشه و یا غیره گذاشته و در وقت نیاز از آن در هنگام خواب دو مثقال میل کند که خیلی نافع می‌باشد.

* محمد پسر عبدالله از فرزندان معلی پسر خنیس از یعقوب پسر ابی یعقوب از محمد پسر ابراهیم از حسین پسر مختار از معلی پسر امام صادق‌علیه‌السلام روایت کرده که من همراه پدرم امام صادق‌علیه‌السلام در سفر بود و برادرم اسماعیل با ما بود. در همان حال شکمش درد گرفت. سپس ایشان اسماعیل را از اسب پایین آورد و او را روی کمر خواباند و دست مبارکش را روی شکم اسماعیل گذاشت و فرمود:

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ بِصُنْعِ اللهِ الَّذی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ إِنَّهُ خَبیرٌ بِما تَعْمَلونَ أُسْکُنْ یا ریحَ الَّذی سَکَنَ لَهُ ما فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند، در همان لحظه برادرم اسماعیل خوب شد.

دعا برای در امان ماندن از جان دادن سخت

* خضر بن محمد از عباس بن محمد از حماد بن عیسی از حریز سیستانی روایت کرده است:

در نزد امام صادق‌علیه‌السلام نشسته بودیم که مردی وارد شد. عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! برادرم در حال جان دادن است و شدت

جان دادن خیلی برای او سخت است. برای او دعا کنید تا خدا، جان دادن او را آسان گرداند.

امام علیه السلام فرمود: خدایا! جان دادن او را آسان گردان. سپس فرمود: رخت خوابش را به جایی که نماز می‌خواند منتقل کنید که جان دادن او را آسان گرداند. اگر وقت او نرسیده بود شفا می‌یابد و اگر که وقتش رسیده به آسانی جان می‌دهد ان شاء الله.

تلقین کردن مرده

* محمد بن جعفر برسی از یحیی ارمنی از محمد بن سنان زاهری از مفضل بن عمر و فضل الله از محمد بن ابی زینب از امام صادق روایت کرده است: اگر به نزد مرده رفتید، آن را کلمه حق یعنی توحید تلقین کنید:

وَ یلْقی فی قُلوبِهِم الرُّعْبَ فَذا مَضی عَلَی الْحَقِّ نَجیٰ.

* محمد بن جعفر مصیصمی از قداح از امام صادق از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که می‌فرماید: هرگاه یکی از خانواده امام علی علیه السلام به احتضار رسید، امام به نزد او می‌رفت و به او می‌فرمود: بگو: لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، سُبْحانَ اللهِ رَبُّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما فیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَّ وَ ما تَحْتَهُنَّ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَ الْحَمْدُللهِ رَبِّ الْعالَمینَ.

هرگاه محتضر این کلمات را ذکر نمود ایشان به او می‌فرمود: برو که هیچ ترسی برای تو نیست.

* احمد بن یوسف از نضر بن سوید از ابی اشعث خزاعی از جابر

از امام محمد باقر از امام سجاد از امام علی‌علیه‌السلام روایت کرده که می‌فرماید: هر گاه رسول خدا به نزد یک محتضر می‌رفت به او می‌گفت:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِیَ الْکَبیرَ مِنْ مَعْصِیَتِکَ وَ اقْبَلْ مِنّی الیَسیر مِنْ طاعَتِکَ.

حالت مرده

* محمد بن اشعث از فرزندان پسر قیس کندی از علی بن حکم از عبدالله بن بُکیر از زرارة بن اعین روایت کرده است:

پسر امام صادق‌علیه‌السلام در زمان امام محمد باقرعلیه‌السلام از دنیا رفت. در وقت احتضار او، امام محمد باقر و امام صادق علیهما السلام نزد او بودند و هر که به نزد ایشان می‌رفت، امام به او می‌فرمود: دست به آن نزن که هر لحظه برای مریض، ناتوان و ضعیف می‌باشد و نباید به آن دست زد زیرا به ضعفش می‌افزاید.

می‌فرمود: نمی‌توان با گریه و تضرع، مشیّت خدا را کنار زد وقتی که اجلش برسد باید تسلیم مشیّت خدا شود و در همان لحظه پسر امام از دنیا رفت. ایشان دستور دادند تا آن را غسل و کفن کنند، سپس ایشان بهترین لباس خود را پوشید و روی آن بزرگوار نماز خواندند و آن را دفع کردند.

* امام صادق‌علیه‌السلام فرمود: هیچ کسی نیست به وقت احتضار برسد مگر این که شیطانی از شیاطین در نزد او باشد و آن را به کفر و شرک به خدا وادار کند. اگر آن شخص ایمانش ضعیف باشد، شیطان بر او غلبه می‌کند، ولی اگر آن شخص با ایمان و کامل و خالص باشد،

شیطان نمی‌تواند به او غلبه کند. پس هرگاه که به نزد محتضر رفتید به آن‌ها کلمهٔ اخلاص تلقین کنید تا با ایمان کامل از دنیا برود.

دعا این است:

لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، سُبْحانَ اللهِ رَبُّ السَّماواتِ السَّبعِ وَ رَبُّ الْاَرَضینَ السَّبعِ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما فیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَّ وَ ما تَحْتَهُنَّ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَ الْحَمْدُللهِ رَبِّ الْعالَمینَ.

* معلی از احمد از عیسی از ابراهیم پسر محمد از احمد بن یوسف از امام صادق علیه السلام روایت کرده که می‌فرماید: وقتی که مؤمن غریب در حالت احتضار رفت، رو به راست و چپ نگاه می‌کند کسی که در نزد خود نمی‌بیند رو می‌گرداند به سوی آسمان، در همان حال خداوند تبارک و تعالی به او می‌فرماید: ای بندهٔ من، چرا این طرف و آن طرف نگاه می‌کنی؟

آیا دنبال دوستی و یا کمکی می‌گردی، در حالی که من نزدیک‌ترین کس به تو می‌باشم. به عزت و جلالم سوگند، تو را نجات خواهم داد و تو را به کرامتم هدایت می‌کنم و تو را به نزد اولیاء خود و دوستان خود خواهیم برد.

خواص تغییر رنگ پوست در شناخت بیماری

* احمد بن عبدالله بن عبد الرحمان بن ابی نجران از ابی محمد ثمالی از اسحاق جریانی روایت کرده است:

به نزد امام محمد باقر علیه السلام مشرف شدم. ایشان به من فرمود: چرا رنگ صورتت چنین می‌باشد، آیا بواسیر داری؟

عرض کردم: بله، به خدا سوگند، ای پسر رسول خدا بواسیر دارم. از خداوند می‌خواهم به خاطر صبرم در مقابل آن پاداش بدهد.

ایشان فرمود: آیا دوست داری تو را مداوا کنم تا خوب شوی؟

عرض کردم: به خدا هزار بار آن را مداوا کردم، هیچ فایده نداشت و از شدت مداوا، زخم روی آن افتاده است.

به من فرمود: وای بر تو، آیا نمی‌دانی که من طبیب اطباء و سرور علما و سرور حکما و معرفت فقها و سرور فرزندان پیامبران در روی زمین هستم؟!

عرض کردم: چرا شما چنین می‌باشید.

به من فرمود: آیا گاهی وقت‌ها از بواسیر خون می‌ریزد؟

عرض کردم: بله، گاهی وقت‌ها چنین می‌باشد.

فرمود: مقداری موم عسل (شمع) و روغن سوسن و (لبنی عسل) و سماق و سرو شاهدانه را هم جمع کرده، داخل ظرفی گذاشته و آن را بالای آتش ملایم گذاشته و آن را هم زده و تا وقتی که مانند مرهم شود و خوب با هم مخلوط شده، سپس آن را از آتش پایین آورده و به اندازه یک نخود از آن بردار و به اندازه یک حبه قند از آن برداشته و مقعد خود را با آن چرب کن، به اذن خدا شفاء خواهی و یافت و دیگر به آن مبتلا نمی‌شوی.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند! من یک بار این کار را کردم و به اذن خدا شفاء یافتم و دیگر به آن مبتلا نشدم.

راوی می‌گوید: به نزد ایشان دوباره بازگشتم. ایشان به من فرمود: حالت چه طور است؟

عرض کردم: خیلی خوب، به لطف شما و خدا را سپاس می‌گویم و فدای شما بشوم ان شاء الله.

درمان شوره سر

پسر حریز از محمد بن ولید بن ابان بن نعمان بن یعلی از جابر جعفی روایت کرده است:

به نزد امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و از شوره‌های سر و صورتم در نزد ایشان نالان شدم شوره سر، لباس‌هایم کثیف می‌شد.

به من فرمود: مقداری زغال بردار و آن را کوبیده و الک کن و پودرش را با سرکه مخلوط کرده و به هم بزن، تا وقتی که خوب مخلوط شود و مانند مرهم شود و ته نشین نشود. سپس با آن سر و صورت خودت را هر چه قدر زور داری با آن بشور. سپس آن را شسته و سر و صورت خود را با روغن زیتون چرب کن که به خواست خداوند تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

قارچ و شبنم و خرما

* احمد بن محمد از پدرش از محمد بن سنان از یونس بن ظبیان از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر از امام سجاد از امام حسین از رسول خدا روایت کرده است: فرمود: قارچ از شبنم است و شبنم از بهشت و آبش برای چشم نافع و شفاء بخش می‌باشد. و خرمای خشک از بهشت است که در آن شفاء از سم و مسمومیت است، شما را به خوردن آن سفارش می‌کنم.

خواص سنگ سرمه (الاثمد)

* جابر بن ایوب جرجانی از محمد بن عیسی از مفضل بن

عبدالرحمان بن یزید از امام صادق روایت کرده است:

مرد اعرابی به نزد حضرت محمد رسول خدا ﷺ که به آن فلیت گفته می‌شود مشرف شد. پیامبر به او فرمود: (آیا چشم هایت ضعیف می‌باشد)؟

عرض کردم: بله، به خدا سوگند چشمان من چند مدتی است که ضعیف شده است.

حضرت به او فرمود: تو را به سنگ سرمه سفارش می‌کنم که چشم را قوی و پر نور می‌گرداند.

* منصور پسر محمد از پدرش از ابو صالح حول از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

هر که چشمانش ضعیف شده باشد، هفت بار در وقت خواب چشمانش را با سنگ سرمه، سرمه بکشد به خواست خدای تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

دعا برای ضعف چشم

* مردی به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و از درد چشم و ضعف آن نالان شد که نمی‌تواند به خوبی جایی را ببیند و همه جا را تار می‌بیند.

حضرت فرمود: چرا از سه چیز غافل هستی؟

آن مرد عرض کرد: سرورم، ای پسر پیامبر خدا، آن سه چیز چیست؟

فرمود: صبر، مُر و کافور.

* محمد بن مثنی از محمد بن عیسی از عمرو بن ابی مقدار از

جابر از محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر گاه کسی از اهل بیت علیهم السلام به ضعف چشم مبتلا می‌شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را با این دعا تعویذ می‌نمود:

اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنی بِسَمْعی وَ بَصَری وَ اجْعَلْهُمَا الْوارِثین مِنّی وَ انْصُرْنی عَلیٰ مَنْ ظَلَمَنی وَ اَرِنی فیهِ ثاری.

* و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: سرمه کشیدن در شب، بوی دهان را معطر می‌گرداند.

* جابر بن خدائی از عبدالله بن میمون قداح از امام صادق علیه السلام از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، سنگ سرمه‌ای داشت که چشمان خود را با آن در هر شب سه بار سرمه می‌کشید.

خواص ماهی

* احمد بن جارود عبدی از فرزندان حکم بن منذر از عثمان بن عیسی از منضر حلبی از امام صادق روایت کرده است:

ماهی، چربی اضافه و پیه چشم را ذوب می‌کند.

* امام محمد باقر علیه السلام فرمود: گوشت ماهی پرده‌ای را که مانع دید چشم است از بین می‌برد و گوشت سفید ماهی، گوشت در بدن ایجاد می‌کند.

* حسین بن بسطام از عبدالله بن موسی مطلب بن زیاد رادی از حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: خوردن ماهی باعث می‌شود که پردهٔ مانع دیدن و پیه زیاد چشم را از بین می‌برد و برای بینایی مفید می‌باشد و گوشت سفید تولید گوشت در بدن می‌کند.

* حسین بن بسطام با اسناد فوق روایت کرده از امام صادق علیه‌السلام، که فرمود: گوشت سفید ماهی برای بینائی مفید است و بینایی را درست می‌کند.

خواص چیدن ناخن

* احمد بن عبدالله از محمد بن عیسی از محمد بن ابوالحسن از امام صادق روایت کرده است:

هر که ناخن‌هایش را روز پنج شنبه کوتاه کند چشم‌هایش کم سو نمی‌شوند.

* هر که در روز جمعه ناخن‌هایش را کوتاه کند از زیر هر ناخن یک بیماری خارج می‌شود، و سرمه کشیدن، بینایی چشم را افزایش می‌دهد.

* و نیز ایشان در روز پنج شنبه از انگشت دست راست شروع می‌کردند، سپس از انگشت بزرگ دست چپ شروع می‌کردند و می‌فرمودند: هرکس چنین، ناخن‌های دستش را بچیند او ازکم شدن چشمانش در امان خواهد بود.

تعویذ برای چشم درد و ورم دور چشم

* محمد بن عبدالله زعفرانی از عمر بن عبدالعزیز از عیسی بن سلیمان روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرف شدم و ایشان را در حالی دیدم که چشمان مبارک ایشان ورم کرده بود و من از دیدن حال ایشان ناراحت شدم. فردا که نزد ایشان رفتم، هیچ ورمی در چشمان ایشان ندیدم. خیلی تعجب کردم و عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! دیروز

که به نزد شما آمدم، چشمان شما ورم داشت و امروز هیچ ورمی در چشمان شما نیست؟!

خوب فرمودند: آن را با تعویذی که نزدمان است درمان کردم.

عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا، به من نیز آن تعویذ را یاد بدهید.

حضرت فرمود: هرگاه به چنین دردی مبتلا شد، دست خود را روی چشمانت بگذار و بگو:

أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ، اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ، اَعُوذُ بِعَظَمِةِ اللهِ، اَعُوذُ بِجَلالِ اللهِ، اَعُوذُ بِجَمالِ اللهِ، اَعُوذُ بِبَهاءِ اللهِ، اَعُوذُ بِغُفْرانِ اللهِ، اَعُوذُ بِحِلْمِ اللهِ، اَعوذُ بِذِكْرِ اللهِ، اَعوذُ بِرَسولِ اللهِ وَ اَعوذُ بِآلِ رَسولِ اللهِ صَلی اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، عَلیٰ ما اَحْذَرُ وَ اَخافُ عَلیٰ عَيْني عَلیٰ ما اَجِدُ مِنْ حِكْمَةِ عَيْني وَ اَجِدُهُ مِنْ وَجْعِ عَيْني وَ ما اَخافُ وَ ما اَحْذَرُ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِ اِذْهَبْ ذٰلِكَ عَنّي بِحَوْلِكَ وَ قُدْرَتِكَ.

درمان درد چشم و ورم آن

* احمد بن بشیر از جعفر بن محمد بن عبدالله جمال با اسناد از امام علی روایت کرده است:

روزی سلمان فارسی و ابوذر غفاری به درد چشم مبتلا شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عیادت آن دو بزرگوار رفت و به هر کدام از آن دو فرمود: به پهلوی چپ نخواب و خرما نخور، تا موقعی که خداوند تبارک و تعالی، شما را شفا دهد.

درمان سل

* جعفر بن محمد بن ابراهیم از احمد بن بشارة روایت کرده است:

به حجّ رفتم، سپس به مدینه به نزد امام موسی کاظم علیه‌السلام رسیدم و حضرت را در کنار منبر مبارک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دیدم. به نزد ایشان رفتم و سر و دست ایشان را بوسیدم و سلام کردم و ایشان جواب سلامم را دادند. به من فرمود: حالت چه طور است؟

عرض کردم: به بیماری سل مبتلا شده‌ام.

یک کاغذی به من داد و فرمود: این دارو را تهیه کن قبل از این که از مدینه بروی و به آن عمل کن که به اذن خدا، شفاء خواهی یافت.

من خداحافظی کدرم و به آن نسخه که نوشته بودند عمل کردم. به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شدم و ذیگر به آن مبتلا نشدم.

کاغذ را باز کردم و در آن چنین نوشته شده بود.

به نام خداوند بخشاینده مهربان، مقداری سنبل و قاقله (هل) و زعفران و عاقرخر و بنْج و خربق سفید به مقدار مساوی و از ابرفیون دو برابر برداشته و آن‌ها را کوبیده و آن را الک کرده و آن را با عسل معجون می‌کنی و به اندازه یک نخود با آب گرم و از آن در وقت خواب بخور، که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد. و هر که به سل مبتلا است، این نسخه را به او بدهید.

راوی می‌گوید: من این کار را انجام دادم و خوب شدم و دیگر به آن مبتلا نشدم.

درمان سرفه

* احمد بن صالح از محمد بن عبدالسلام روایت کرده است:

با گروهی از دوستان در خراسان به نزد امام رضا علیه‌السلام مشرف شدیم و هر کدام از ما در مورد کاری که داشت از ایشان سؤال کردیم.

و حضرت جواب آن‌ها را می‌داد.

امام علیه السلام رو به من کرد و فرمود: چرا حاجت خود را از من نمی‌خواهی؟

عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! من از سرفه نالان هستم و از شدت درد آن نمی‌توانم کاری انجام دهم.

به من فرمود: همراه چرک سینه یا بدون آن؟

عرض کردم: هر دوی آن‌ها.

فرمود: مقداری فلفل سفید یا جوهر زعفران و مقدار بنج (بنگ) را به اندازه مساوی برداشته و با هم کوبیده سپس آن را الک کرده که آن را با عسل به اندازه و زنش معجون کرده و به اندازه یک حبه نخود همراه با آب رازیانه در وقت خواب از آن میل می‌کنی و آب باید ولرم باشد از میان بردارد. تا ریشهٔ آن را از میان بردارد.

خواص گل رازقی سوسن

* احمد بن طالب همدانی از عمر بن اسحاق از محمد بن عبدالله بن زیاد از ضحاک از ابن عباس روایت کرده است:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ چیزی برای بدن مفید نیست مگر رازقی!

عرض کردم: ای پیامبر خدا! رازقی چیست؟

فرمود: منظورم روغن گل سوسن است.

* حسین بن مفضل از حماد بن عیسی از حریز از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: روغن گل سوسن بهترین روغن‌ها برای پوست بدن می‌باشد، پس با روغن سوسن پوست خود را جلا دهید.

خواص هلیله زرد و سیاه

* مسبب بن واضح که خادم امام حسین عسکری بود از امام حسن عسکری از امام هادی از امام جواد از امام رضا از امام موسی کاظم از امام صادق از امام محمد باقر از امام سجاد از امام حسین از امام حسن از امام علی روایت کرده است که فرمود: اگر مردم بدانند که فوایدی در هلیله هست هم وزن آن را با طلا می‌خریدند.

سپس به یکی از اصحاب خود فرمود: مقداری از هلیله زرد همراه با فلفل کوبیده و آن را الک کرده سپس با آن استنشاق کن که خیلی نافع می‌باشد.

درمان سفیدی چشم و درد دندان

* ابو غیاث عبدالله و حسین پسران بسطام از محمد بن خلف از عمر بن شویه از پدرش شویه روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و از سفیدی چشم و درد دندان و باد در مفاصل خود نالان شد.

حضرت فرمود: مقداری فلفل و پوست فلفل (دار فلفل) از هر کدام به وزن دو درهم و محلول آمونیاک (نشادر) به وزن یک درهم با هم مخلوط کرده و آن‌ها را با هم کوبیده، سپس آن‌ها را الک کرده و سپس با پودر آن‌ها، سه بار چشم را سرمه کشیده به مدت یک ساعت روی چشم بماند، سپس آن را با آب سرد بشور و با سنگ سرمه چشمان خود را سرمه بکش که اگر این کار را انجام دادی خیلی سودمند است. برای از میان بردن سفیدی چشم و جلا دهنده چشم و درد دندان به اجازه خدای تبارک و تعالی ساکن می‌کند.

* احمد بن حبیب از نضر بن سوید از جمیل از صالح از ذاریح روایت کرده که می‌گوید: مردی به نزد امام محمد باقر علیه السلام مشرف شد و از سفیدی چشم شکایت کرد.

ایشان به او فرمود: مقداری توتیا هندی و (اقلیما ذهب) و سنگ سرمه خوب و مقداری هلیله زرد (اهلیج) و مقداری (ملح اندرانی) برداشته و با هم کوبیده و آن را کوبیده و الک کرده و پودر آن را با آب باران معجون شود، سپس با آن چشم خود را سرمه بکشید، که باعث از میان بردن سفیدی چشم و جلا دهنده گوشت و پیه چشم و به آن قدرت می‌دهد.

درمان سردی سر (سینوزیت)

* علی بن حسن حناط از علی بن یقطین روایت کرده است:

برای امام رضا علیه السلام نامه‌ای نوشتم و گفتم: من سردی زیاد در سر خود احساس می‌کنم که وقتی بادی با نسیم سردی به پیشانیم برخورد کند سرم درد می‌کند و از آن خیلی نالان هستم و از شما می‌خواهم کاری برایم انجام دهی تا خوب شوم.

ایشان در جواب نامه‌ام فرمودند: با گل سوسن (زنبق) و عنبر انفیه درست کن و استفاده از آن را بعد از غذا خوردن به تو سفارش می‌کنم، که خیلی نافع و مؤثر است.

درمان آل (ریح الصبیان، غش کودک)

* عبد الله پسر زهری عابد که او زهاد شیعه در زمانش بود از عبد الله مفضل نوفلی از پدرش روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و عرض کرد: من کودکی

دارم که بیماری (آل) مبتلا است که همیشه باعث می‌شود او غش کند و من خیلی دربارهٔ آن نگران هستم و او را خیلی دوست دارم و به خاطر همین به نزد شما آمدم تا برای او دعا کنی و راه علاجی برای درمان آن به من بیاموزی تا بتوانم او را معالجه کنم.

امام برای او دعا کرد و به او فرمود: هفت بار سوره مبارکه حمد را با زعفران و مشک روی کاغذ یا روی بشقاب تمیز نوشته و آن را شسته و به پسرت بده ولی به مدت یک ماه از آن آب به او بده.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند، من فقط یک بار این کار را کردم و به فرزندم دادم و آن عادت از او برطرف شد و صحیح و سالم شد.

* نیز روایت شده از ایشان که فرمود: اگر سورهٔ مبارکه حمد را روی دردی خوانده نشود مگر این که آن درد به لطف خداوند تبارک و تعالی آرام خواهد شد.

نوزاد ضعیف و بی حال

* احمد بن غیاث از محمد بن عیسی از قاسم بن محمد از بکر بن محمد روایت کرده است:

نزد امام صادق علیه السلام بودم، در همان حال مردی به نزد ایشان مشرف شد و فرمود: پیش‌تر وقت‌ها کودکان ضعیف و ناتوان و لاغر و بی حال به دنیا می‌آیند، چه باید کرد که فرزندی قوی و فربه و خوب به دنیا بیاید؟

فرمودند: چرا از قاووت (سویق) غافل هستی، از آن میل کن و در همان شب با عیال خود هم بستر شو، که قاووت باعث می‌شود گوشت برویاند و استخوان را قوی گرداند و هیچ فرزندی برای شما

به دنیا نمی‌آید مگر این که قوی و فربه و خوش سیما خواهد بود ان شاء الله.

* احمد بن عباس بن مفضل از برادرش عبدالله بن عباس بن مفضل روایت کرده که می‌گوید: روزی عقربی مرا گزید و زهرش داخل بدنم ماند. از شدت سوزش آن احساس می‌کردم که به شکمم با چاقو می‌زند. در همان حال، پدرم به نزد امام هادی علیه السلام که همسایه ما بود مشرف شد و عرض کرد: عقرب، پسرم عبدالله را گزیده و از سوزش آن به خود می‌پیچد. به نزد شما آمدم تا درمانی به من بیاموزی تا او را معالجه کنم.

ایشان به پدرم فرمود: چرا از داروی جامع امام رضا علیه السلام غافل هستی؟

عرض کرد: آن چیست؟

فرمود: آن دارو در نزد شیعیان ما خیلی معروف است!

عرض کردم: ای سرورم! آن را به من بیاموز؟

فرمود: مقداری سنبل و زعفران و قاقله و عاقر قرحا و خربق سفید و بنگ (بنج) فلفل سفید به اندازه‌ی مساوی بردار و از ابرفیون دو برابر برداشته و با هم کوبیده، سپس الک کرده و پودر آن را با عسل صاف معجون شود و به اندازه یک حبه نخود از آن برداشته و به مار گزیده و عقرب گزیده بخورانید تا در همان لحظه به خواست خدای تبارک و تعالی خوب شود.

راوی می‌گوید: پدرم چنین انجام داد و من همان لحظه خوب شدم.

درمان ورم درون پهلو

* ابراهیم بن محمد بن ابراهیم از فضل بن میمون ازدی روایت کرده است:

می‌گوید: به نزد امام محمد جوادعليه‌السلام مشرف شد و عرض کردم ای پسر پیامبر خدا! پهلویم ورم کرده است و از شدت درد به خودم می‌پیچم. نزد شما آمده‌ام تا برایم یک داروی معرفی کنی تا بتوانم خودم را معالجه کنم.

به من فرمود: چرا از داروی جامع پدرم امام رضاعليه‌السلام غافل هستی؟

به ایشان عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! آن دارو کجاست؟

به من فرمود: در نزد فلان و فلان می‌باشد. از آن به اندازه یک نخود برداشته و با آب زعفران مخلوط کن، سپس با آن جای ورم شده را با آن بمال تا ان شاء الله خوب شود.

راوی می‌گوید: من به نزد آن دو رفتم و آن دارو را تهیه کردم. به خدا قسم، فقط یک بار کار را کردم که به اذن خدای تبارک و تعالی ورم درون پهلویم خوب شد.

درمان لرزه و رعشه بدن

* احمد بن مسیب مستعین از صالح بن عبدالرحمان روایت کرده است: به نزد امام جوادعليه‌السلام مشرف شدم و عرض کردم: زنی دارم که در بدنش لرزه و رعشه وجود دارد و نمی‌تواند کار انجام دهد، چه باید کنم؟

به من فرمود: چرا از داروی جامع پدرم غافل هستی؟

عرض کردم: آن دارو چیست؟

ایشان همان داروی فوق را ذکر کرد و فرمود: به اندازه یک نخود برداشته و آن را با آب مرزنگوش مخلوط کرده و از آن به زنت بده، تا به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شود.

راوی می‌گوید: به خدا قسم، من فقط یک بار این کار را انجام دادم و به زنم خوراندم و آن خوب شد و دیگر به بیماری دچار نشد.

درمان درد گلو

* کلابی بصری از عمر بن عثمان بزاز از نضر بن سوید از محمد بن خالد ازحلی از امام صادق روایت کرده است: ما هیچ چیز برای درمان درد گلو، بهتر از نوشیدن یک جرعه شیر رفیق پیدا نکردیم.

درمان زخم معده و تپش زیاد قلب

* محمد بن علی بن رنجویه بن معالج از عبدالله پسر عثمان روایت کرده است: به نزد امام محمد جواد علیه السلام مشرف شدم و در نزد ایشان از زخم معده و ضعف آن و تپش زیاد قلب خودم نالان شدم و خواستم تا راه علاجی برایم نشان دهد.

ایشان به من فرمود: چرا از داروی جامع پدرم امام رضا علیه السلام غافل هستی که آن معروف می‌باشد؟!

عرض کردم: ای سرورم، آن چیست؟

فرمود: در نزد شیعه خیلی معروف است.

عرض کردم: کیفیت تهیه آن را به من بیاموز، تا آن را تهیه کنم و از آن برای درد خود استفاده کنم.

فرمود: مقداری زعفران و سنبل و عاقر قرحا و هل (قاقله) و بنگ

(بنج) و خربق سفید و فلفل سفید به اندازه مساوی و دو برابر جز آن‌ها ابرفیون برداشته، با هم کوبیده و الک کرده و پودر آن را با عسل به اندازه‌اش مخلوط کرده و به اندازهٔ یک نخود همراه با اب زیره (کمون) پخته شود و از آن میل شود که خیلی برای زخم معده و ضعف آن و تپش زیاد قلب مفید می‌باشد. ان شاء الله.

درمان درد طحال

❊ عبدالرحمان بن سهل بن مخلد از پدرش روایت کرده است:

به نزد امام رضاعليه‌السلام مشرف شدم و از درد طحال شکایت کردم که از شدت درد آن، شب‌ها نمی‌توانم بخوابم و از ایشان راه درمان آن را خواستم.

به من فرمود: چرا از داروی جامع غافل هستی؟

عرض کردم: آن چیست؟ ایشان داروی فوق را ذکر نمود.

و فرمود: به اندازهٔ یک نخود از آن برداشته، همراه با آب سرد و کمی سرکه میل کن. ان شاء الله خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: من چنین انجام دادم. به خدا قسم، فقط یک بار از آن استفاده کردم و خوب شدم و دیگر به آن مبتلا نشدم.

درمان درد پهلو

❊ محمد بن کثیر بزودی از محمد بن سلیمان روایت کرده است:

به نزد امام رضاعليه‌السلام مشرف شدم و از درد پهلو در نزد ایشان نالان شدم.

به من فرمود: چرا از داروی جامع غافل هستی که آن مشهور می‌باشد؟

فرمود: اما برای درمان درد پهلو راست به اندازه یک دانه نخود از آن برداشته، همراه با آب زیره (کمون) پخته و از آن میل کن و اما برای درمان درد پهلو چپ، همراه با آب گرفس پخته شود و از آن میل تا ان شاء الله خوب شوی.

عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! آیا یک مثقال و یا دو مثقال از داروی جامع استفاده کنم؟!

فرمود: نه، بلکه فقط به اندازه یک دانه نخود بردار و از آن استفاده کن که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

* محمد بن عبدالله کاتب از احمد بن اسحاق روایت کرده است: به نزد امام رضا علیه السلام مشرف شدم و عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! پدرم به درد شکم مبتلا شده که باعث شده اسهال بگیرد و نتواند به خود برسد، به نزد شما آمدم تا کاری برای پدرم انجام دهی.

به من فرمود: چرا از داروی جامع غافل هستی؟

عرض کردم: آن دارو چیست و کجاست؟

فرمود: آن را در نزد احمد بن ابراهیم تمار پیدا می‌کنی. برو به نزد آن و از او تهیه کن و به اندازه یک دانه نخود همراه با آب کاسنی پخته و به پدرت از آن بخوران، که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

راوی می‌گوید: من به نزد احمد رفتم و مقدار زیادی از آن دارو خریدم و به مقدار یک دانه نخود همراه با آب کاسنی پخته شده به پدرم دادم در همان لحظه به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شد.

* محمد بن حکیم از محمد بن نضر مؤدب روایت کرده که

می‌گوید: به نزد امام جواد علیه السلام مشرف شدم و از سنگ کلیه و مثانه در نزد ایشان نالان شدم. به ایشان عرض کردم: از شدت درد آن نمی‌توانم کاری انجام دهم.

به من فرمود: وای بر تو، چرا از داروی جامع پدرم غافل هستی؟

عرض کردم: مولای من! آن دارو کجاست؟

فرمود: در نزد من است. سپس کنیز خود را صدا زد و فرمود: آن دارو را برای ما بیاور!

راوی می‌گوید: کنیز با خودش یک شیشه سبزه رنگ آورد و به امام تحویل داد. سپس امام به اندازه نخود به من داد و فرمود: آن را با آب سداب و با تربچه پخته شده بگذار و آن را میل کن که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: من آن حبه از دارو را همراه با آب تربچه خوردم و در همان لحظه خوب شدم و بهتر از همیشه شدم. و احساس کردم که اصلاً به هیچ دردی مبتلا نشده بودم و آن درد دیگر به خواست خدای تبارک و تعالی به من بازنگشت.

درمان سوء هاضمه

* محمد بن عبدالله عسقلانی از نضر بن سوید از علی بن ابوصلب برادر زادهٔ شهاب روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم و از سوء هاضمه نالان شدم.

به من فرمود: نهار و شام بخور، ولی بین این دو وعده غذا چیز دیگری نخور، اگر خوردی در بدنت فاسد می‌شود و مبتلا به سوء هاضمه خواهی شد. سپس فرمود: آیا نشنیدی که خدای تبارک و

تعالی فرمود: وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ بُكْرَةً وَ عَشِياً (برای آن‌ها در بهشت دو وعده غذایی در ظهر و شب است)

رژیم غذایی

* اسحاق بن یوسف از محمد بن عیسی روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم و عرض کردم: فدایت شوم ای پسر پیامبر خدا، گاهی بیمار می‌شویم و به نزد طبیب، می‌رویم و طبیب ما را معالجه می‌کند و می‌گوید: دیگر نباید از فلان غذا و یا فلان میوه بخورید، چون اگر از آن خوردید، دوباره مریض می‌شوید. آیا این گفته طبیب درست است یا خیر؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: بله، درست است... ما اهل بیت علیهم السلام فقط از خوردن خرما پرهیز می‌کنیم.

عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا، چرا شما از خوردن خرما در حال بیماری پرهیز می‌کنید؟

فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام را از خوردن خرما در حالی که ایشان مریض بودند منع کرد و هیچ ضرری به انسان نمی‌رسد، وقتی که از خوردن غذایی منع شود.

* احمد بن محمد می‌گوید: حسن بن محبوب از علی بن رئاب از حلبی روایت کرده است: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: رژیم گرفتن کمتر از هفت روز فایده‌ای ندارد.

* حسن بن رجاء می‌گوید: یعقوب بن یزید از بعضی از اصحاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده و می‌گوید: رژیم یازده «دنیا» است و جز آن هیچ رژیمی نیست و فرمود: معنی آن دنیا کلمه رومی می‌باشد

یعنی یازده روز می‌باشد.

تعویذکردن کودک

* اسحاق بن حسان علاف از پسر محبوب از جحیم بن صالح از ذریح محاربی می‌گوید: به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم و ایشان را دیدم در حالی که این دعا را سه مرتبه به فرزندش خواند:

بِسْمِ اللهِ اَعْزَمُ عَلَيْكَ يا وَجْعَ وَ يا رِيحَ كائِناً ما كانَتْ بِالْعَزِيمَةِ الَّتی عَزَمَ بِها رَسولُ اللهِ وَ عَلِیَّ بْنَ اَبی طالِبِ جِنُّ وادِیَ الصَّبْرَةِ فَاَجابوا وَ اَطاعوا لِما اَجَبْتُ وَ اَطَعَتْ وَ خَرَجْتُ عَنْ فُلانِ بْنِ فُلانَةِ اَلسّاعَةِ اَلسّاعَةِ.

تعویذ برای کاهش درد

* حسن بن حسین دامغانی از حسن از علی بن فضال از ابراهیم بن ابی بلاد روایت کرده است:

والی مدینه به نزد امام کاظم علیه السلام مشرف شد و گفت ای پسر پیامبر خدا! پسری دارم که همیشه درد می‌کشد و شب و روز ندارد.

و به خاطر همین به نزد شما مشرف شدم تا برای او دعا کنی. حضرت فرمود: این دعا را روی کاغذ بنویس و آن را روی گردن پسرت آویزان کن که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهد شد.

بِسْمِ اللهِ اَعوذُ بِوَجْهِكَ الْعَظيمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتی لاتَرامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتی لا يَمْتَنَعُ مِنْها شَیْءُ مِنْ شَرِّ ما اَخافُ فِی اللَّيلِ وَ النَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ لْاَوْجاعِ كُلِّها وَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَ الْاَخِرَةِ وَ مِنْ كُلِّ سُقْمِ وَأَوْ وَجْعِ أَوْ هَمَّ أَوْ مَرَضٍ أَوْ بَلاءِ أَوْ بَلِيَّةٍ أَوْ مِمّا عَلَمَ اللهُ اِنَّهُ خَلَقَنی وَ لَمْ اَعْلَمْهُ مِنْ نَفْسی وَ اَعِذْنی يا رَبِّ مِنْ شَرِّ ذٰلِكَ كُلِّهُ فی لَيْلی حَتّٰی اَصْبَحَ وَ فی

نَهاری حَتّٰی أَمسیٰ وَ بِکَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ الَّتی لاتُجاوِزْهُنَّ بِرٌ وَ لا فاجِرٌ وَ مِنْ شَرِّ ما یُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرَجُ فیها وَ ما یَلِجُ فِی الْاَرْضِ وَ ما یُخْرِجُ مِنْها وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ وَ الْحَمْدُلِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ اَسْئَلُکَ یا رَبِّ بِما سَأَلَکَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِ وَ عَلی أَهْلِ بَیْتِهِ حَسْبِیَ اللهُ لا اِلهَ اِلاّ هوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ اخْتَمْ عَلی ذلِکَ مِنْکَ یا بِرُّ یا رَحیمُ اَللّهُمَّ الْواحِدُ الْاَحِدُ الصَّمَدُ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَدْفَعْ عَنّی سُوءاً وَ ما اَجِدُ بِقُدْرَتِکَ.

دعا برای دیوانه و مجنون

※ ابراهیم بن منذر خزاعی از احمد بن محمد از ابی بصیر از امام صادق روایت کرده است: دیوانه و جن زده را با این دعا تعویذ کنید:

عَزَمْتُ عَلَیْکَ یا رَبِّ بِالْعَزیمَةِ الَّتی عَزَمَ بِها عَلیّ بْنِ اَبی طالِبٍ عَلَیْهِ السَّلام وَ رَسولُ اللهِ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلیٰ جِنِّ وادِیَ الصَّبْرَةِ فَاَجابُوا وَ اطاعوا لِما اَحْبَبْتَ وَ اَطَعْتَ وَ اخْرَجْتَ عَنْ فُلانِ بْنِ فُلان السّاعَةِ.

حسین بن مختار حنظلی از عبدالرحمان بن ابی هاشم از ابی جارود از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: این دعا برای همه دردها می‌باشد: دست خود را روی دهانت می‌گذاری و سه بار «بسم الله الرحمن الرحیم» و سه بار «بِجَلالِ الله» و سه بار «بِکَلِماتِ اللهِ» و سپس دست خود را برمی‌داری و روی جای که درد می‌کند می‌گذاری و سه بار می‌گویی: «اَعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلیٰ ما یَشاءُ مِنْ شَرِّ ما تَحْتَ یَدی». سپس فرمود: هر که این کار را انجام

داد، به اذن خدای تبارک و تعالی دردش ساکن می‌شود و دیگر باز نخواهد گشت.

* ابراهیم بن حسن از عبدالله بن سنان از ابی حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: خود را در شب با روغن چرب کنید که در شب، روغن در رگ‌های بدن وارد می‌شود و باعث شادی بدن می‌شود.

خواص روغن گل بنفشه

* حسام بن محمد از سعد بن جناب از محمد ابی عمیر از هشام بن حکم از امام صادق روایت کرده است: روغن گل بنفشه سرور روغن هاست.

* و نیز از ایشان روایت شده که فرمود: چه خوب روغنی است روغن بنفشه، بدن خود را با آب چرب کنید که برتری آن بر دیگر روغن‌ها مانند برتری ما اهل بیت علیهم السلام بر سایر مردم می‌باشد.

* فرمود: مثال روغن بنفشه در میان روغن‌ها مانند مؤمن میان مردم است.

و سپس فرمود: در زمستان گرم است و در تابستان سرد می‌باشد و این خواص فقط مخصوص روغن بنفشه می‌باشد.

* و نیز فرمود: روغن بنفشه در زمستان گرم، و در تابستان سرد می‌باشد. و برای شیعیان ما تر و نرم و برای دشمنان ما خشک و سفت می‌باشد و اگر مردم خواص روغن بنفشه را می‌دانستند، آن را با هزار سکه طلا عوض نمی‌کردند.

* و نیز فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به روغن بنفشه

سفارش می‌کنم که برتری آن به سایر روغن‌ها مانند برتری و فضل ما (اهل بیت) به سایر مردم می‌باشد.

خواص روغن بان

* یحیی بن حجاج از محمد بن عیسی از خالد بن عثمان از ابی عیس روایت کرده است: درد نزد امام محمد باقر علیه‌السلام در مورد خواص روغن‌ها حرف می‌زدیم تا وقتی که به روغن بان از ایشان سؤال کردیم. ایشان فرمودند: روغن بان چه خوب روغنی است.

خواص روغن گل سوسن

* عباس بن عاصم اذان‌گو از ابراهیم بن مفضل از حماد بن عیسی از حریز بن عبدالله سیستانی از ابی حمزه ثمالی از امام محمد باقر روایت کرده است: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: هیچ روغنی برای بدن با ارزش‌تر و نافع‌تر از روغن گل زنبق نیست که فایده‌های زیادی دارد و در آن شفاء هفتاد و دو درد می‌باشد.

* از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: بدن خود را با الکیم چرب کنید، که در آن شفاء هفتاد و دو درد می‌باشد.

عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا! الکیم چیست؟

فرمود: الکیم روغن گل سوسن می‌باشد.

آیه‌ای برای آسان شدن زایمان

* عبد الوهاب بن مهدی از محمد بن عیسی از ابن همام از محمد بن سعید از امام محمد باقر روایت کرده است که فرمود: هرگاه زن حامله را درد زایمان شدید گرفت برای آسان کردن زایمان این آیات را با مشک و زعفران روی بشقاب تمیز نوشته، سپس آن را با آب

تمیز و مباح شسته و از آن آب، به زن حامله داده شود که به اذن خدای تبارک و تعالی زایمانش آسان می‌شود.

آیه این است:

یَوْمَ یَرَوْنَ ما یوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثو اِلاَّ عشیةً وَ ضُحٰیها «یَوْمَ یَرونَ ما یوعَدُونَ لَمْ یَلْبِثوا اِلاَّ ساعَةً مِنْ نَهٰارٍ بَلاٰغٌ فَهَلْ یُهْلَكُ اِلاَّ الْقَوْمُ الْفاسِقون»[۱] «لَقَدْ كانَ فی قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِاُولی الْاَلْبٰابِ ما كانَ حَدیثاً یُفْتَریٰ وَ لٰكِنْ تَصْدیقَ الَّذی بَیْنَ یَدَیْهِ وَ تَفْصیلَ كُلِّ شَیْءٍ وَ هُدیً وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ یؤْمِنونَ.»[۲]

دعا برای مادر

* عیسی بن داود از مفضل بن عمر از امام صادق روایت کرده است: ای آیات را برای زن حامله‌ای که ماهش رسیده است در کاغذی نوشته و آن کاغذ را تا کند ولی نپیچاند و آن را در نزد زن حامله گذاشته شود از سقط حمل و درد زایمان و چشم زخم و غیره در امام باشد. وقتی که آن زن زایمان کرد، آن تعویذ را بریده و از زن دور گرداند.

آیات این است:

«أَوَلَمْ یَرَ الَّذینَ كَفَرُوا اَنَّ السَّماواتِ وَ الْاَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْنٰا هُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلا یُؤْمِنونَ»[۳] وَ آیَةٌ لَهُمُ اللَّیْلُ نَسْلَخُ مِنَ النَّهٰارَ فَاِذا هُمْ مُظْلِمونَ وَ الشَّمسُ تَجْری لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذٰلِكَ تَقْدیرُ الْعَزیزِ الْعَلیمِ وَ الْقَمَرَ قَدَّرْناهُ مَنازِلَ حَتّیٰ عادَ كَالْعُرْجونِ

۱- احقاف/ ۳۵

۲- یوسف/ ۱۱۱

۳- انبیاء / ۳۰.

الْقَديمِ لاَ الشَّمْسُ يَنْبَغى لَهٰا اَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لاَ اللَّيْلُ سٰابِقُ النَّهٰارُ وَ كُلٌ فى فَلَكٍ يَسْبَحونِ وَ آيَةٌ لَهُمْ اَنّٰا حَمَلْنٰا ذُرِّيَّتَهُمْ فى الْفُلْكِ الْمَشْحونِ وَ خَلَقْنا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مٰا يَرْكَبونَ وَ اِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلاٰ صَريخَ لَهُمْ وَ لا هُمْ يُنْقَذونَ اِلاّٰ رَحْمَةً مِنّٰا وَ مَتٰاعاً اِلىٰ حينٍ»(۱) «وَ نُفِخَ فِى الصُّورِ فَاِذاهُمْ مِنَ الْاَجْداثِ اِلىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلونَ.»(۲)

و در پشت آن برگ این آیات را می‌نویسد:

«كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا اِلاّٰ سٰاعَةً مِنْ نَهٰارٍ بَلاٰغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ اِلاَّ الْقَوْمَ الْفاسِقونَ»(۳) «كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ يَلْبَثُوا اِلاّٰ عَشِيَّةً أَوْ ضُحاها.»(۴)

آسان به دنیا آمدن نوزاد

* سعد بن مهران از محمد بن صدقه از محمد بن ضبیان از محمد بن اسماعیل از جابر بن یزید جعفی روایت کرده است: مردی از بنی امیه که از دوستان اهل بیت علیهم‌السلام بود به نزد امام محمد باقر علیه‌السلام مشرف شدند و عرض کرد:

ای فرزند پیامبر خدا! همسرم وارد ماه زایمانش شده، برایم دعا کن تا خدا یک پسر نصیبم کند زیرا من پسر ندارم.

امام محمد باقر علیه‌السلام فرمودند: خدایا به او یک پسر سالم عطا کن.

سپس فرمود: وقتی که زنت وارد ماه زایمان شد، سورهٔ قدر را با مشک و زعفران روی بشقاب یا کاغذی بنویس، سپس آن را با آب پاک و مباح بشور و از آن آب به همسرت بنوشان، و آن چه را که در

۱- یس / ۳۷ تا ۴۴.

۲- یس / ۳۷ تا ۴۴ و ۵۱.

۳- احقاف / ۳۵.

۴- نازعات/ ۴۶.

شکمش است با این آیات تعویذ کن که به اذن خدای تبارک و تعالی صاحب فرزند سالمی خواهی شد.

آیات این است:

أُعیذُ مَوْلُوِی بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ وَ «أَنَّا لَمَسْنا السَّماءَ فَوَجَدْناها مُلِئَتْ حِرَساً شَدیداً وَ شُهُباً»[1] «وَ اِنَّا کُنَّا نَقْعُدُ مِنْها مَقاعِدَ لِلْسَمْعِ فَمَنْ یَسْتَمِعُ الآنَ یَجِدْ لَهُ شِهاباً رَصَداً.»[2]

سپس می‌گوید: بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ اَعوذُ بِاللهِ السَّمیعُ الْعَلیمُ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ وَ أَنَا وَ أَنْتَ وَ الْبَیْتَ وَ مَنْ فیهِ وَ الدَّرُ وَ مَنْ فیها وَ نَحْنُ کُلّنا فی حِرْزِ اللهِ وَ عَصْمَةِ اللهِ وَ جیرانِ اللهِ وَ جِوارِ اللهِ آمِنینَ مَحْفوظینَ.

سپس سوره‌های مبارک حمد و فلق و ناس را خوانده و بعد از آن می‌گویی:

«اَفَحَسِبْتُمْ اِنَّما خَلَقْناکُمْ عَبَثاً وَ اَنَّکُمْ اِلَیْنا لا تُرْجَعونَ فَتَعالَی اللهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لا اِلٰهَ اِلاّ هوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَریمِ وَ مَنْ یَدْعُ مَعَ اللهِ اِلٰهاً آخَرَ لا بُرْهانَ لَهُ فَاِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ اِنَّهُ لا یُفْلِحُ الْکافِرونَ وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمینَ»[3] «وَلَوْ اَنْزَلْنا هٰذَا الْقُرآنَ عَلیٰ جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَةِ اللهِ...»[4] تا آخر سورهٔ حشر.

و سپس می‌گویی:

مَذْخوراً مَنْ یُشاقُّ اللهِ وَ رَسولَهُ اَقْسَمْتُ عَلَیْکَ یا بَیْتَ وَ مَنْ فیکَ

۱- جن/ ۸.
۲- جن/ ۹.
۳- مؤمنون/ ۱۱۵ تا ۱۱۸.
۴- حشر/ ۲۱.

بِالْأَسْماءِ السَّبْعَةِ وَ الْأَمْلاكِ السَّبْعَةِ الَّذينَ يَخْتَلِفونَ بَيْنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ مَحْجوباً عَنْ هٰذِهِ الْمَرْأَةَ وَ ما في بَطْنِها كُلُّ عَرْضٍ وَ اخْتِلاسٍ أَوْ لَمْسٍ أَوْ لَمْعَةٍ طَيْفٍ مَسٍّ مِنْ أَنسٍ أَوْ جانٍ.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: هر که این تعویذ را در وقت بیکاری در نزد زنش بخواند و هر جا که فلانه یا اهل نام زنش و فرزندش و خودش و فرزندانش را ذکر کنند بهتر است و من ضامن او و خانواده‌اش و فرزندش از جنون و دیوانگی و غیره به اذن خدای تبارک و تعالی خواهم بود.

تعویذ کردن خانواده از شرّ شیطان

※ ولید بن بینه مؤذن مسجد کوفه از امام حسن عسکری با اسناد از امام محمد باقر روایت کرده است: هر که دوست دارد شیطان در زندگی و در مورد خانواده‌اش دخالت نکند، این تعویذ را با مشک و زعفران و آب باران و یا آب صافی بنویسد و آن را بر لباس تمیز که هیچ کس آن را نپوشیده بریزد و سپس آن آب را در اتاقی که زن حاملش است بپاشد که اگر این کار را کرد هیچ ضرری به زنش و فرزندش از لحاظ دیوانگی و جنون و چشم زخم در امان خواهد بود. ان شاء الله تعالی

دعا این است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمانِ الرَّحيمِ، بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ وَ السَّلامُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ وَ السَّلامُ عَلىٰ آلِ رَسولِ اللهِ وَ الصَّلاةُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ أُخْرُجْ بِإِذْنِ اللهِ أُخْرُجْ بِإِذْنِ اللهِ مِنْها خَرَجْتُمْ وَ فيها نُعيدُكُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُكُمْ تارَةً أُخْرىٰ

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ هوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.

دعا برای زایمان اسب حامله

* خضر بن محمد از حردانی از حسن بن علی پسر فضال از محمد بن هارون از پسر رئاب از بن سنان مفضل از جابر از امام محمد باقر و نیز علی بن اسباط از ابن بکر از زراره از اعین از امام محمد باقر روایت کرده است: اسب خوب و نجیب و اصیل که حامله است، این تعویذ را روی پوست آهو یا چیز دیگری نوشته و روی گردن آن اسب آویزان کنید، که به خواست خدا، مولود اسب سالم به دنیا خواهد آمد.

دعا این است:

اَللّٰهُمَّ فارِجَ الْهَمِّ وَ كاشِفَ الْغَمِّ رَحْمانُ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحيمَهُما اِرْحَمْ فلانَ بْنَ فُلانَةِ صاحِبَ الْفَرَسِ رَحْمَةً تُغْنيهِ عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِواكَ وَ فَرِّجْ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ نَفِّسْ كُرْبَتِهِ وَ سَلِّمْ فَرَسَهُ وَ يَسِّرْ عَلَيْها وِلادَتَها.

* روایت شده که حضرت عیسی و حضرت یحیی علیه‌السلام درود خدا بر پیامبر ما محمد و خاندانش و ایشان باد به طرف صحرا رفتند و در راه حضرت عیسی علیه‌السلام ناله‌ای شنید. به حضرت یحیی علیه‌السلام فرمود: این ناله دردناک چیست؟

فرمود: این ناله از حیوان درنده این در حال زایمان می‌باشد.

حضرت عیسی علیه‌السلام فرمود: سَرحاً سَرحاً سَرحاً بِاِذْنِ اللهِ تَعالىٰ.

در همان حال به خواست خدا، آن حیوان زایمان کرد.

تعویذکردن زن حامله و یا حیوان اهلی

* ابو یزید قناد از مسلم از امام رضا روایت کرده است: این تعویذ را برای زن حامله یا گاو و غیره روی کاغذ یا پوست بنویس، تا از همه بلاها در امان باشد. دعا این است: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیم، بِسْمِ اللهِ، بِسْمِ اللهِ، بِسْمِ اللهِ، «فَإنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرا انَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرا»(۱) «یُریدَ اللهُ بِکُمُ اَلْیُسْرَ وَ لا یُریدُ [بِکُمْ] العُسر وَ لِتُکْلِموا الْعِدَّةَ وَ لِتکبروا اللهَ عَلیٰ ما هَداکُمْ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکرونَ وَ اِذا سَألَكَ عِبادی عَنّی فانّی قَریبٌ اُجیبُ دَعْوَةَ الدّاعِ اِذا دَعانی فَلْیَسْتَجیبوا لی وَ لْیؤمِنوا بی لَعَلَّکُمْ یُرْشدونَ»(۲) «وَ یهییء لَکُمْ اَمْرِکُمْ مرْفَقاً»(۳) وَ یهیی لَکُمْ مِنْ اَمْرِکُمْ رُشداً وَ «عَلَی اللهِ قَصد السَّبیل وَ مِنْها جائرٌ وَ لَوْ شاءَ لَهَداکُمْ اَجْمعینَ»(۴) ثُمَّ سَبیلَ یَسِرهُ «أوَلَمْ یَرَالذّینَ کَفَروا اَنَّ السَّماواتِ وَ الْاَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَنْقنا هُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلا یُؤمِنونَ»(۵) «فَاعْتَدت بِهِ مَکاناً قصیا فاجها الْمَخاض اِلیٰ جذْعِ النَّخْلَةِ قالَتْ یا لَیْتَنی مِتُّ [مَنْسیاً] قَبْلَ هٰذا وَ کُنْتُ نَسِیاً فَنادها تَحْتَها اَلا تَحْزَنی قَدْ جَعَلَ رَبّكِ تَحْتَك سَریاً وَ هُزی اِلَیْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تساقط عَلَیْكَ رَطباً جَنیاً فَکُلی وَ اشْرَبی وَ قَرِیَ عَنیاً فَاما تَرَیَن مِنَ الْبَشَرِ اَحَداً فَقولی اِنّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صَوْماً فَلَنْ اُکَلِّمْ الْیَوم اِنْسیاً فَاَتَتْ بِهِ قَومِها تَحْمِلَهُ قالوا یا مَرْیَمُ لَقَدْ جِئت شَیئاً فَریا یا اُخْت هارونَ ما کانَ اَبوكِ امْرء سوءٍ وَ ما

۱- شرح/ ۶-۵.
۲- بقره/ ۱۸۶-۱۸۵.
۳- کهف/ ۱۶.
۴- نحل/ ۹.
۵- انبیاء/ ۳۰.

کانَتْ اُمُّكِ بَغیاً فَاَشارَتْ اِلَیه قالوا کَیْفَ نُکَلِّمُ مَنْ کانَ فِی الْمَهْدِ صَبیاً قالَ اِنّی عَبْدُاللهِ اتانِیَ الْکِتابَ وَ جَعَلَنی نَبیّاً وَ جَعَلَنی مُبارَکاً ایْنَ ما کُنْتُ وَ اَوْصانی بِالصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ مادُمْتُ حَیّاً وَ بِراً بِوالِدَتی وَ لَمْ یَجْعَلْنی جَبّاراً شَقیّاً وَ السَّلامُ عَلیَّ یَوْمِ وُلِدت وَ یَوْم اَموتُ وَ یَوْم اَبْعَثُ حَیّاً ذٰلِكَ عیسَی بْن مَرْیَم»[۱] «وَ الله اَخْرَجُکُمْ مِنْ بُطونِ اُمَّهاتِکُمْ لا تَعْلَمونَ شَیْئاً وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبصارِ وَ الْاَفئدَةِ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرونَ أَوَلَمْ یَرَوا اِلَی الطَّیْرِ مُسَخَّراتٍ فی السَّماءِ ما یُمْسِکهن اِلاَّ الله اِنَّ فی ذٰلِكَ لَأیاتٍ لِقَوْمٍ یؤمِنون»[۲]، کَذٰلِكَ اَیُّهَا الْمَولود اُخْرُجْ سَویاً بِاِذْنِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ.

وقتی زن زائیده آن را از گردنش در بیاور و آیه ذیل را حفظ کن و هرگز در حرکات و خواندن آن اشتباه نکن و در هیچ جای آن وقف نکن، اگر در آن وقف کردی فرزندت سالم به دنیا نمی‌آید!

آیه این است:

«اَخْرَجَکُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهاتِکُمْ لا تَعْلَمونَ شَیْئاً. وَ جَعَلَ لَکُمْ السَّمْعَ وَ الْاَبْصارَ وَ الاَفْئِدَةَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونْ.»[۳]

درمان ضعف و لاغری

* اسماعیل بن قاسم طبیب کوفه از محمد بن عیسی از محمد بن اسحاق بن فیض روایت کرده است:

نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم، مردی از شیعیانش وارد شد و عرض کرد: فدایت شوم ای پسر پیامبر خدا! دختری دارم که ضعیف

۱- مریم/ ۳۵-۲۲.
۲- نحل/ ۷۹-۷۸.
۳- نحل/ ۷۸.

و لاغر اندام می‌باشد و به نزد شما آمدم که برایش دعا کنید تا خدا به آن عافیت دهد.

امام به او فرمود: چرا از برنج همراه پیه فراموش کرده‌ای؟ همانا که خدا در آن برکت قرار داده و به خاطر برکت زیادش خوردن پیه را بر بنی اسرائیل حرام کرده است.

عرض کردم: چه طور پیه را با برنج به دخترم بدهم؟

فرمود: برنج را می‌شوری، سپس آن را دم می‌کنی و بعد از آن می‌پزی و پیه را در یک قابلمه دیگر گذاشته و آن را روی آتش می‌گذاری و آن را به هم می‌زنی تا خوب به برنج جذب شود. سنس در یک بشقاب از آن برنج را به دختر می‌دهی تا بخورد. به اذن خدای تبارک و تعالی خوب می‌شود.

آن مرد می‌گوید: به خدا سوگند، یک بار این کار را انجام دادم و دخترم از آن خورد و به اذن خدا عافیتش را گرفت.

درمان اسهال خونی

* ابو یعقوب بن یوسف بن یوسف زعفرانی از حکم از علی بن حکم از یونس بن یعقوب روایت کرده است: به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرف شدم در حالی که ایشان به بیماری اسهال خونی مبتلا بودند. به من فرمود: ای یونس! وای بر تو، آیا نمی‌دانی من مریض شده‌ام و نمی‌توانم کاری را انجام دهم و بیماریم اسهال خونی است. پس دستور دادم که برنج بیاورند و آن را شسته و دم کرده و بپزند و آن را با پیه خوردم و به اذن خدای تبارک و تعالی سلامتی خودم را به دست آوردم.

دعا برای درد شکم

* احمد بن عبدالرحمان بن جمیله از حسن بن خالد روایت کرده است:

به درد شکم شدیدی مبتلا شدم. نامه‌ای برای امام محمد باقر علیه السلام نوشتم و از ایشان خواستم برایم دعا کنند.

ایشان در جواب نامه فرمودند:

به نام خداوند بخشاینده مهربان. ای حسن بن خالد! نامهٔ تو به من رسید، هرگاه نامه من به تو رسید، سوره مبارکهٔ حمد و فلق و ناس و سوره توحید را روی کاغذ یا پوستی یا بشقابی نوشته و زیر آن این دعا را می‌نویسی. بعد از آن، نوشته‌ها را با آب باران یا آب صاف و مباح می‌شوری، و آب را ناشتا و در وقت خواب میل می‌کنی، به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: به خدا قسم، من یک بار این کار را کردم و به اذن خدا خوب شدم و دیگر به شکم درد مبتلا نشدم.

دعا این است: **أعوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظیمِ وَ عِزَّتِهِ الَّتی لاتُرامُ وَ قُدرَتِهِ الَّتی لایَمْتَنِعُ مِنْها شَیْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَ شَرِّ ما فیهِ وَ ما اَحْذَرُ.**

و در روایتی آمده که در پایان اضافه می‌شود: **شِفاءٌ مِنْ کُلِّ داءٍ.**

درمان قرقرکردن شکم

* احمد بن محارب سودانی از صوفوان بن عیسی بن یحیی بیاع روایت کرده است: عبدالرحمان بن جهرم به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدند و از قرقر کردن شکمش نالان شد.

امام به او فرمود: سیاه دانه را با عسل بخور به اذن خدا شفا خواهی یافت.

سلمة بن محمد اشعری از عثمان بن عیسی روایت کرده که می‌گوید: مردی به نزد امام موسی کاظم علیه السلام مشرف شدند و پرسیدند:

ای پسر پیامبر خدا! من به صدای شکم مبتلا هستم. که گاهی در نزد دوستانم از خجالت آب می‌شوم. الآن به نزد شما آمده‌ام تا کاری برایم انجام دهید.

حضرت به من فرمود: وقتی که از نماز شب فارغ شدی، این دعا را بخوان که به خواست خداوند تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

آن مرد می‌گوید: به خدا سوگند! فقط یک بار آن دعا را خواندم و به اذن خداوند تبارک و تعالی خوب شدم و دیگر به صدای شکم مبتلا نشدم.

دعا این است:

اَللّٰهُمَّ ما عَلِمْتُ مِنْ خَیْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لا حَمْدَ لی فیهِ، وَ ما عَلِمْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَرَ تَنیهِ فَلا عُذْرٍ لی فیهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعوذُبِكَ اَنْ اَتَّكِلَ عَلیٰ مالا حَمْدَ لی عَلَیْهِ أَوْ آمَنَ مٰا لا عُذْرَ فیهِ.

ساکن کردن خون

مصباح بن محمد ازدی از حسین بن خالد روایت کرده است:

زنی برای امام رضا علیه السلام نامه‌ای این چنین نوشت: به نام خداوند بخشندۀ مهربان، درود بر محمد و خاندان پاک و طاهرش، من زنی هستم که زیاد خون حیض می‌بینم و خون دیدنم پیش از اندازه است

که نمی‌توانم از شدت و دوام آن به فرایض دینی ام مانند نماز خواندن و غیره برسم و از همه چیز ناامید شده‌ام و فقط شما را دارم که می‌دانم و یقین دارم که می‌توانید برای من کاری انجام دهید. از شما التماس دعا دارم و سلام و درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش و سلام علی بن اتبع الهدیٰ.

امام در جواب نامهٔ آن زن نوشت:

به نام خداوند بخشاینده مهربان، نامه‌ات به من رسید، امیدوارم هر چه سریع‌تر خوب شوی. هرگاه نامه من به تو رسید، یک مشت گشنیز همراه با یک مشت سماق برداشته و آن دو را با هم مخلوط کرده و یک شب زیر آسمان بگذار، سپس فردا صبح آن را برداشته و روی آتش ملایم قرار داده و بعد، آن را صاف کرده و از آن ناشتا به اندازه یک استکان میل کن. به خواست خداوند تبارک و تعالی خوب خواهی شد. سلام و درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش.

درمان شکم پیچه

ایوب بن عمر از عیسی از کامل از محمد پدر ابراهیم جعفی روایت کرده است:

مردی به نزد امام رضا علیه السلام رسید و گفت:

ای پسر پیامبر خدا! من به شکم پیچه مبتلا هستم، و نزد شما آمده‌ام تا برای من دعا کنی تا خوب شوم.

امام خندید و فرمود: وای بر تو، دعا کردن ما اهل بیت صلی الله علیه و آله و سلم جای مخصوصی دارد ولی از خدا می‌خواهم به نیرو و قدرت برای تخفیف درد بدهد. هرگاه به درد شدید شکم پیچه مبتلا شدی، یک

گردو را برداشته و آن را روی آتش می‌گذاری تا بفهمی که مغزش پخته و پوستش تغییر کرده است. سپس آن را می‌شکنی و از آن میل می‌کنی که به خواست خداوند تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

آن مرد می‌گوید: به خدا سوگند، یک بار آن کار را انجام دادم و به خواست خداوند تبارک و تعالی خوب شدم و دیگر به آن دچار نشدم.

درمان بواسیر

ابوفوارس بن غالب محمد بن فارس از احمد بن حماد بصری که او از فرزندان نصر بن سیار است از معمّر بن خلاد روایت کرده است:

من به نزد امام رضا علیه السلام مشرّف شدم و به من خواهی داروهای متفاوت را می‌گفت. سپس به من فرمود: این دارو، برای چنین بیماری و دردی سودمند می‌باشد. یکی از آن داروها، برای بواسیر و بادهای داخل بدن استفاده کردم و همهٔ آن نافع بود.

هلیلهٔ سیاه، بلیلج و املج را به طور مساوی بکوب و با حریر غربال نما و سپس به اندازه‌ی همان صمغ بردار و همراه با آب تره فرنگی مخلوط کن.

سپس ادویه را روی آن ریخته و آن را با هم عجین کرده و دست خود را با روغن سوسن و یا روغن بنفشه چرب کنی تا روی دست خودت نچسبد. سپس به اندازهٔ یک عدس ریز ریز کرده، اگر در تابستان باشد، یک مثقال از آن برداشته و اگر در زمستان باشد از آن دو مثقال برداشته و روی جای زخم گذاشته تا خوب شود. ولی باید

از خوردن ماهی و سرکه و باقلا رژیم بگیرید تا خوب شوی و این دارو خیلی مجرب می‌باشد.

درمان پیسی و سفیدی لکه در بدن

عبدالله عزیز بن عبدالجبار از داود بن عبدالرحمان یونس روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم و از پیسی و لکهٔ روی بدنم در نزد ایشان نالان شدم و خواستم تا راه علاجی برای آن، برایم نشان دهد.

ایشان به من فرمود: وضو می‌گیری و دو رکعت نماز می‌خوانی، سپس این دعا را بخوان به خواست خدا خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند، یک بار آن کار را انجام دادم و آن لکه و پیسی که روی پیشانی من بود به خواست خداوند تبارک و تعالی پاک شد و دیگر به آن بیماری مبتلا نشدم.

دعا این است:

یا اللهُ، یا رَحْمانُ، یا رَحیمُ، یا سَمیعُ وَ یٰا سامِعَ الدَّعَواتِ وَ یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ اِعْطِنی خَیْرَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ وَ قِنی شَرَّ الدُّنْیا وَ شَرَّ الْآخِرَةِ وَ اذْهَبْ عَنّی مٰا اَجِدُ فَقَدْ غٰاظَنِی الْاَمْرَ وَ اَحْزَنَنی.

و نیز فرمودند: دست خود را روی آن می‌گذاری و می‌گویی:

یا مُنْزِلَ الشِّفاءَ وَ مُذْهِبَ الدّاءِ اَنْزِلْ عَلی ما بی مِنْ داءٍ شِفاءً.

مغز غورهٔ درخت خرمای نر

جارود بن محمد بن کامل از اهرم بن موسی پدر عبدالله بن حسین روایت کرده است:

شنیدم که یکی از مشایخ شیعه می‌گوید: مغز غوره درخت خرمای نر شفای برای همه دردها و بیماری‌ها است.

و نیز امام صادق علیه‌السلام چنین فرمودند و اضافه کردند: همهٔ بیماری‌های بدن را شفا داده و پوست بدن را جلا می‌دهد و داخل بدن را از سموم پاک می‌سازد.

درمان تنگی نفس

* ابوجعفر بن محمد از ابو محمد بن خالد از محمد بن سنان از مفضل بن عمر روایت کرده است:

* به نزد امام صادق علیه‌السلام رسیدم و از تنگی نفس نالان شدم و عرض کردم: از منزل خودم تا منزل شما چند بار از تنگی نفس روی زمین نشستم. حالا به نزد شما آمدم تا کاری برای من انجام دهی.

ایشان فرمود: ای مفضل! آب غورهٔ خرما را بخور، خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: من نیز این کار را انجام دادم و خوب شدم.

ابراهیم بن سرحان معالج از علی بن حکیم از ابن مسکین از اسحاق بن اسماعیل و بشر بن عمار می‌گوید: به نزد امام صادق علیه‌السلام مشرف شدیم در حالی که یونس به بیماری خطرناکی مبتلا بود. به ایشان گفتم: ای پسر پیامبر خدا! به مشکل عجیبی و لاعلاج مبتلا شده‌ایم؟

فرمود: چه اتفاقی برای شما افتاده است که این همه از آن نالان هستید؟

ما داستان را برای ایشان دربارهٔ یونس تعریف کردیم و گفتیم:

یونس به بیماری خطرناک مبتلا شده است.

امام به یونس رو کرد و به او فرمود: بلند شو و وضو بگیر و دو رکعت نماز با خلوص نیّت بخوان، سپس این دعا را بخوان تا به خواست خدا خوب شوی.

یونس می‌گوید: من کاری که امام به دستور فرموده بود انجام دادم به خدا سوگند، از مدینه بیرون رفتم تا وقتی که همه آن مانند نخاله از وجودم رفت.

دعا این است: اول دو رکعت نماز خوانده و حمد و سپاس خدا راگفته و درود به محمد و آل محمد می‌فرستی، سپس با خلوص نیت و خشوع این دعا را می‌خوانی:

یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ یا رَحیمُ یا رَحیمُ یا واحِدُ یا واحِدُ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا صَمَدُ یا صَمَدُ یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ

یا رَبَّ الْعالَمینَ یا سامِعَ الدَّعَواتِ یا مُنْزِلَ الْبَرَکاتِ یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ صَلِّ عَلیٰ مُحمدٍ وَ آلِ مُحمدٍ وَ اعْطِنی خَیْرَ الدُّنْیا وَ خَیْرَ الْآخِرَةِ وَ اصْرِفْ عَنّی شَرَّ الدُّنْیا وَ شَرَّ الْآخِرَةِ وَ اذْهِبْ ما بی فَقَدْ غاظَنِی الْاَمْرَ وَ احْزَنَنی.

حبابه لوابیه (والبیه) و بیماری خطرناک

احمد بن منذر از عمر بن عبدالعزیز از داود رقی روایت کرده است:

در نزد امام صادق علیه السلام حضور داشتم که حبابهٔ والبیه وارد شد که

از زنان پاک دامن و باوقار بوده است. از مسائل حرام و حلال از ایشان سؤال کرد و ما از چگونگی سؤال او خیلی تعجب می‌کردیم. سپس ایشان به ما فرمود: آیا دیدید که چگونه مسائل دینی و غیره سؤال می‌کنند، در همان حال حبابه والبیه گریست. امام به او فرمود: چرا گریه می‌کنی؟

عرض کرد: به بیماری خطرناک مبتلا شده‌ام که پیامبران به آن مبتلا می‌شدند. همانا نزدیکان و خانواده‌ام، به من زخم زبان می‌زنند و می‌گویند که اگر می‌گوئی که تو دوست امام هستی و ایشان را دوست داری، اگر این باشد پس چرا نمی‌گویی که دعایت کند، اگر او مستجاب الدعوه می‌باشد. من از این حرف‌ها ناراحت نشدم و دانستم که پیامبران و صالحین به این بیماری مبتلا می‌شوند ولی می‌خواهم شما یک کاری انجام دهی تا دیگر نگویند که شما مستجاب الدعوه نیستید.

راوی می‌گوید: در همان حال امام زیر لب‌های مبارک خود زمزمه کرد و نمی‌دانم چه فرموده است. سپس به او فرمود: برو داخل اتاق زنان و خودت را در آینه نگاه کن. او نیز رفت و خود را با آینه دید در حالی که هیچ اثری از آن بیماری در جسمش نبود. او خیلی خوشحال شد و از امام تشکّر کرد.

امام به او فرمود: برو به آن هایی که به تو زخم زبان می‌زدند نشان بده و به آن‌ها بگو: دیدید که امام برایم دعا کرد و دعایش مستجاب شد و به خواست خدا، بیماری خطرناک از من دور شد و من به بهترین چهره و صورت تبدیل شده‌ام.

درمان بیماری خطرناک

* احمد بن خلیل بن زید از احمد بن زید از شاذان بن خلیل از ذریع روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق علیه‌السلام رسید و از بیماری خطرناک نالان شد. ایشان به او فرمودند: مقداری خاک گچ برداشته و با آب باران بخور، به لطف خدا خوب خواهی شد.

* و نیز فرمود: هیچ چیز نافع‌تر از خاک و گچ برای بیماری خطرناک نافع نیست.

عرض کردیم: چه طور از آن استفاده کنیم؟ به ما فرمود: با آب باران خورده شود که به اذن خدا شفا خواهید یافت.

در امان بودن از جذام

* ابراهیم از حسن بن علی بن فضال و حسن بن علی بن یقطین از سعدان بن مسلم از اسحاق بن عمار از امام صادق روایت کرده است: مو داخل بینی باعث در امان بودن از جذام می‌باشد.

* سلامه بن عمر همدانی روایت کرده که می‌گوید: به مدینه نزد امام صادق علیه‌السلام رسیدم و عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! از شدت دردی که داشتم به حجّ مشرف نشدم، به نزد شما آمدم تا کاری برایم انجام دهی.

حضرت فرمود: داخل حرم رسول خدا برو و سورهٔ انعام را با عسل بنویس، سپس آن را بنوش به اذن خدا خوب خواهی شد.

* و نیز فرمودند: خاک مدینه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله جذام را از بین می‌برد.

خواص شلغم

* ابوبکر محمد از محمد بن عیسی از علی بن مسیب از یکی از امامان معصوم روایت کرده است:

شما را به خوردن شلغم سفارش می‌کنم، هیچ موجود زنده‌ای نیست مگر این که ریشه‌ای از جذام در آن باشد که با خوردن شلغم ریشه آن را ببرید.

عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا! خام یا پخته آن؟

فرمود: هر دوی آن‌ها یک خاصیت دارند.

* و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ آفریده‌ای وجود ندارد مگر این که ریشه‌ای از جذام در آن وجود داشته باشد، پس با خوردن شلغم ریشه آن را ریشه کن کنید.

خواص غدد (پاره گوشت سخت بین گوشت و پوست)

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان از مفضل بن عمر جعفی از امام صادق با اسناد از امام علی روایت کرده است:

پیامبر خدا فرمود: از خوردن غدد گوشت بپرهیزید، زیرا باعث جذام می‌شود.

و فرمودند: یهود به خاطر ترک خوردن غدد از جذام در امان هستند.

* و فرمود: هرگاه از کنار جذام‌ها می‌گذرید، از خدا بخواهید که شما را از جذام در امان نگه دارد، و برای آن‌ها از خدا عافیت از جذام را بخواهید.

نگاه کردن به اهل بلا

* احمد بن بصیر از زیاد بن مروان عبدی از محمد بن سنان از امام صادق با اسناد از امام علی روایت کرده است:

چیدن موی سبیل در هر جمعه امان است جمعه تا جمعه دیگر از جذام و نیز در مورد چیدن موی زیر شکم این خاصیت را دارد.

خواص مگس

* امام محمد باقر از رسول خدا روایت کرده است: هنگامی که مگس در ظرف شما است آن را بشوئید، چراکه یکی از بال‌های او شفا، و دیگری سم است. مگس، بال مسموم خود را در غذا فرو می‌برد، اما بال شفای خود را این گونه انجام نمی‌دهد، پس آن را بشویید تا به شما ضرر نرساند.(۱)

* امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که مگسی در غذای شما می‌نشیند، جذام آن به سرعت پیدا می‌شود.

خواص زکام

* علی نسر خلیل از عبدالعزیز بن حسان از حماد بن عیسی از حریز از پسر عبدالله سیستانی روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام به معلم فرزندانش می‌فرمود: هرگاه یکی از فرزندانم زکام شد به من خبر بده!

آن معلم نیز این کار را می‌کرد و هرگاه فرزندی از فرزندان آن

۱- همان طور که می‌بینید در طول کتاب تنها راویان همین یک حدیث نیامده است! و لذا در پذیرش آن بدون هیچ تردید مشکل ایجاد می‌شود ثانیاً این حدیث با حدیث بعدی مغایرت دارد ثالثاً ممکن است منظور مگس نخل یا زنبور باشد.

بزرگ وار مبتلا به زکام می‌شد به ایشان می‌گفتند ولی حضرت چیزی نمی‌گفتند.

آن معلم پرسید: ای پسر پیامبر خدا! به من دستور دادی هرگاه یکی از فرزندان شما زکام گرفت، به شما خبر بدهم و من نیز این کار را کردم ولی شما کاری انجام نمی‌دهید؟!

حضرت فرمود: هیچ کس نیست که رگی از جذام نداشته باشد، پس هنگامی که برانگیخته شود خداوند، آن را به وسیلهٔ زکام می‌فرستد.

خواص خوردن گوشت قرقاول

* مروان بن محمد از علی بن نعمان از امام رضا از امام موسی کاظم از امام صادق با اسناد از امام علی روایت کرده است که فرمود: شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که دوست دارد عصبانیتش کم شود گوشت قرقاول بخورد.

* و نیز فرمودند: هر که از قلب درد و غمگینی و پریشانی نالان است گوشت قرقاول بخورد.

دعا برای سرگیجه و کم عقل

* عثمان بن سعید از سعدان بن سلم از محمد بن ابراهیم روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق علیه السلام مشرف و از سرگیجی و کم عقلی اظهار ناراحتی کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: این دعا را وقتی که خواستی بخوابی، بخوان. که به خواست خدا خوب خواهی شد.

آن مرد می‌گوید: من این کار را انجام دادم و به خواست خداوند تبارک و تعالی خوب شدم و دیگر به آن مبتلا نشدم.

دعا این است:

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ آمَنْتُ بِاللهِ وَكَفَرْتُ بِالطّاغوتِ اَللّٰهُمَّ احْفِظْنی فی مَنامی وَ يَقْظَتی اَعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ جَلالِهِ اَجِدُ وَ اَحْذَرُ.

و نیز فرمودند: هر که به سرگیجه مبتلا است خود را با این دعا در شب جمعه تعویذ کنند که خیلی نافع است، سپس آن حدیث را ذکر نمود و فرمود: دیگر هرگز به سرگیجه مبتلا نشدم.

و نیز فرمود: این دعا را در سحر بعد از نماز شب و استغفار که فارغ شد بخواند خیلی نافع است.

درمان لرزش بدن

* جعفر بن حنان طلائی از محمد بن عبدالله بن محمد بن مسکان حلبی روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق عليه السلام رسید و عرض کرد: دختری دارم که در شب بدنش خیلی می‌لرزد و هذیان می‌گوید من، او را خیلی دوست دارم، او را به نزد چند پزشک برده‌ام و به من گفتند: هیچ راه علاجی ندارد، زیرا از اهل زمین (جن) به آن ضرر می‌رسد و اکنون به نزد شما آمدم تا کاری برای آن بکنی، چون خیلی اذیت شده است.

فرمود: آن را به نزد حجامت کننده ببر، تا مقداری از خونش را بگیرد خون کثیف و سوخته که در بدنش است از آن خارج شود و همهٔ این لرزش‌ها از خون سوخته و کثیف بدن است.

* و نیز روایت شده مردی به نزد امام محمد باقر علیه السلام رسید و عرض کرد: زنی دارم که در شب بدون اختیار در خواب راه می‌رود و چند بار نیز افتاد و صدمه دید. حالا به نزد شما آمدم تا کاری برای آن انجام دهی و به من بگویید چه کار باید کنم تا خوب شود؟

حضرت به او فرمود: او را با سورهٔ مبارکهٔ حمد، فلق و ناس، هر کدام ده بار تعویذ کن، سپس آن سه سوره مبارکه را روی جامی یا کاغذی با مشک و زعفران نوشته و آن را شسته و از آب آن به زنت بده، میل کند و از آن وضو بگیرد و غسل کند تا به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شود. ان شاء الله

راوی می‌گوید: به خدا سوگند، من یک بار برای زنم این کار را کردم و به اذن خدا شفا یافت و دیگر به آن مبتلا نشد.

خواص خون کثیف بدن

* علی بن محمد هلال از علی بن مهران از حماد بن عیسی از حریز بن عبدالله از امام صادق روایت کرده است:

همه جوش‌ها و دمل‌ها و کورک‌ها از خون سوخته و کثیف بدن به وجود می‌آید که دافعه بدن آن را خارج نکرده است و هر که به چنین بیماری مبتلا شد، وقتی که می‌خواهد بخوابد، این دعا را بخواند. تا به خواست خدا شفا یابد و دیگر به آن مبتلا نشود. و در حالت خواب و بیداری در امان می‌ماند.

دعا این است: أَعوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظیمِ وَكَلِماتِهِ التّامّاتِ الَّتی لا یُجاوِزُهُنَّ بارٌّ وَ لا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ.

* و نیز روایت شده است هر که آبله و یا جوش و دمل داشته

باشد، این کلمات را بنویسد و آن را بخورد تا خدای تبارک و تعالی، او را شفا دهد.

کلمات این است: **لا الآء إلا آلاؤك يا اَللهُ عِلمكَ بِهِ مُحيط علمك بِهِ كلهون.**

درمان زگیل

* سعدویه پسر عبدالله از علی بن نعمان روایت کرده است:

به نزد امام رضا علیه السلام مشرف شدم و عرض کردم: دختری دارم که در بدنش زگیل زیاد دارد و همه از هم نشینی با او پرهیز می‌کنند اکنون به نزد شما آمدم تا کاری برایم انجام دهی و به من راهی برای درمان آن به بگویی تا آن را معالجه کنم و خوب شود.

حضرت به من فرمود: برای هر زگیل، هفت دانه جو بردار، و روی هر کدام از هفت دانه، سوره مبارکه واقعه تا آیه **فَكانَتْ هَباءً مُنْبَثاً** و سپس این آیه را می‌خوانی:

«وَ يَسئَلُونَكَ عَنِ الْجِبالِ فَقُلْ يَنْسِفُها رَبّى نَسفاً فَيَذَرُها صَفْصَفاً لاتَرىٰ فيها عِوَجاً وَ لا اَمْتاً.»[1]

سپس آن هفت دانه جو را روی زگیل بکش و آن هفت دانه را داخل پارچه گذاشته و پارچه را گره محکمی زده و سنگی روی آن گذاشته و آن را در آغوز چهار پایان بینداز.

راوی می‌گوید: من این کار را کردم و به خدا سوگند! در شب هفتم بعد از این که آن کار را انجام داده بودم هیچ اثر از آن‌ها نبود.

بعضی‌ها روایت کرده‌اند این کار را بعد از آخر ماه انجام دهید که

۱- طه/ ۱۰۵-۱۰۷.

بهتر است.

دعا برای درمان پیسی بدن

* محمد بن عامر از محمد بن علیم ثقفی از عمار بن عیسی کلابی از عبدالله سنان روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق علیه‌السلام رسید و از پیسی در بدنش شکایت کرد و درمان آن را از امام صادق علیه‌السلام خواست.

امام به او فرمود: سه روز روزه بگیر، سپس در روز چهارم غسل کن و پارچه تمیزی روی بدنت بینداز و چهار رکعت نماز بخوان و در آن هر چه قدر که دوست داشتی، قرآن با خشوع و خلوص نیت بخوان. بعد از پایان نماز، لباس هایت را در آور و پارچه تمیزی روی خودت بینداز و گونه راست خود را روی زمین گذاشته و با خشوع و تضرع نیت کرده و بگو:

یا واحِدُ، یا کریمُ، یا حَنّانُ، یا جَبّارُ، یا مُجیبَ الدَّعوات، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ صَلِّ عَلیٰ مُحمدٍ وَ آلِ مُحمدٍ وَ اکْشِفْ ما بی مِنْ مَرَضٍ وَ اَلْبِسْنِی الْعافِیَةَ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَة وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِتَمامِ النِّعْمَةِ وَ اذْهِبْ ما بی فَقَدْ آذانی وَ غَمَّنی.

امام صادق علیه‌السلام به او فرمود: باید شکی که در وجودت دربارهٔ خدا و این دعا هست، بیرون بیاوری و با خلوص نیّت این دعا را بخوانی. اگر چنین نبود خوب نخواهی شد.

آن مرد نیز با خلوص نیّت این کار را انجام داد و خوب شد.

درمان ورم در بدن به وسیلهٔ آیات قرآن

* محمد بن اسحاق بن ولید از پسر عمویش از احمد بن ابراهیم

بن ولید از علی بن اسباط از حکم بن سلیمان از میسر از امام صادق روایت کرده است:

این آیات (آیات آخر سورهٔ حشر) برای درمان ورم بدن نافع است و طریقهٔ خواندن آن‌ها چنین است. هر که در بدنش ورمی باشد که از آن نالان است با طهارت باشد و هنگام خواندن نماز فریضه وضو بگیرد و روی ورم این آیات را بخواند و بعد از نماز واجب چنین انجام دهد که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهد شد. آیات کریمه این است:

«لَوْ اَنْزَلْنا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللهِ...»[۱] تا آخر سوره حشر.

درمان پریشانی در خواب

* ابو عبیده پسر محمد بن عبید از ابی محمد بن عبید از نضر بن سوید از میسر روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! زنی دارم که همیشه در خواب هذیان می‌گوید و پریشان است و یک دفعه از جا می‌پرد که به خاطر همین صدمه دیده است. آن را به نزد چند پزشک بردم، به من گفتند که او از طریق اهل زمین (جن) مجنون شده است و از ما کاری ساخته نیست. امیدم از همه جا قطع شده، جز نزد شما اهل بیت علیهم السلام که می‌دانم و یقین دارم که شما پاسخ رد به من نخواهی داد و مرا در این باره یاری می‌کنید؟

حضرت فرمود: خدا، ان شاء الله اعتماد و یقین تو دربارهٔ ما اهل

۱- حشر/ ۲۱.

بیت علیهم‌السلام را باقی بگذارد، برو به نزد زنت، و به او شوید پخته شده با عسل به مدت سه روز ناشتا بده تا به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شود و آن حالات از زنت دور شود.

راه رفتن بدون اختیار در خواب

* محمد بن بکیر از صفوان بن یحیی از منذر بن هامان از محمد بن مسلم و سعد مولا از امام صادق روایت کرده است:

تمام پریشانی و راه رفتن در خواب و رعشه در بدن و غیره از تلخی مزاج و خون سوخته و بلغم که بر انسان غلبه کرده است می‌باشد. پس شخص مواظب خود و خوراکش باشد و به خودش برسد و از آن‌ها جلوگیری کند پیش از این که آن‌ها به او ضرر برسانند.

درمان کردن مصروع (۱) به وسیلهٔ قرآن

* روایت شده که امام رضا علیه‌السلام در راه یک مصروعی را دیدند. ایشان امر کردند کاسهٔ پر از آب، نزدش بیاورند. کاسهٔ آب آوردند و به ایشان دادند. ایشان، کاسهٔ آب را گرفتند و روی آب، سوره مبارکه حمد، فلق و ناس را خواندند. سپس داخل آن کاسه فوت کردند، سپس دستور داد که آب را روی سر و صورت مصروع بریزند. آن‌ها نیز این کار را انجام دادند و به خواست خدای تبارک و تعالی آن مصروع خوب شد. ایشان به او فرمود: هرگز به تو نخواهد نگشت إن شاء الله.

۱- غش کردن.

خواص نگه داشتن کبوتر

* علی بن سعید از محمد بن کرامه روایت کرده است: به منزل امام موسی کاظم علیه السلام مشرف شدم. در منزل ایشان، یک جفت کبوتر را دیدم که نمی‌دانم آن دو نر بودند یا ماده. ایشان را دیدم که به آن جفت کبوتر نان تکه می‌داد در حالی که ایشان روی صندلی نشسته بود و رو به من کرد و فرمود: این دو کبوتر در شب حرکت می‌کنند و مرا انس می‌دهند و خدا هر ضرری که در شب می‌خواهد بر روی اهل خانه از آمدن ارواح خبیثه و اجنه و غیره اتفاق بیفتد آن را به وسیلهٔ کبوتران دور می‌گرداند.

خواص کشتن کبوتران

* علی بن سعید از محمد بن کرامه از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است: خواهر زاده‌ام یک جفت کبوتر داشت. من با خشم و عصبانیت آن دو کبوتر بی گناه را سر بریدم و بعد از آن روانهٔ خانهٔ خدا شدم. سپس قبل از طلوع آفتاب به مدینه به نزد امام محمد باقر علیه السلام رسیدم. وقتی که طلوع کرد، کبوترهای زیادی در منزل ایشان دیدم که پرواز می‌کردند. من خیلی تعجب کردم و از کاری که در کوفه انجام داده بودم. پشیمان شدم و دلم گرفت. زیرا بدون دلیل آن دو کبوتر بی گناه را کشته بودم. با خود گفتم: از ایشان دربارهٔ کبوتران سؤال کنم اگر اشکالی داشتند پس چرا ایشان در منزل شان کبوتر است؟!

در حالت تنهایی خودم، امام به من فرمود: ای ابا حمزه، چه اتفاقی برای تو افتاده که چنین پریشان هستی؟

عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! خبر هست!

به من فرمود: نه، قلبت به چیز دیگری فکر می‌کند!

عرض کردم: بله، به خدا سوگند و سپس آن اتفاق را برای ایشان بازگو کردم.

به من فرمود: ای ابا حمزه، به درستی که کاری بدی انجام داده‌ای، آیا نمی‌دانی که هنگامی که اهل زمین (ارواح و جن) به کودکان ما ضرر می‌رسانند. کبوترها به وسیله بال زدن و تکان خوردن خـود، ضرر را دور می‌کنند. به درستی که کبوتران در آخر شب برای نماز شب، اذان می‌گویند. پس به خاطر این که دو کبوتر بی گناه را با خشم کُشتی، باید برای هر کدام از آن‌ها یک دینار صدقه بدهی.

دعا برای جن زده

* مظفر بن محمد بن عبدالرحمان از عبدالرحمان بن ابی نجران از سلمان بن جعفر از ابراهیم بن ابی یحیی روایت کرده است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر اجنه، او را با سنگ یا چیز دیگری زدند، همان چیز را برداشته و نشانه بگیرد به همان جا که سنگ یا چیز دیگر به او پرتاب شده بزند و بگوید:

حَسْبِيَ اللهُ وَكَفى وَ سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعا لَيْسَ وَ راءَ اللهُ مُنْتَهىٰ.

* پیامبر خدا فرمود: گوسفند را در خانه زیاد کنید، تا شیطان به وسیلهٔ آن‌ها مشغول شود و از کودکان شما دور باشد.

دعا هنگام دیدن مبتلا

* عابد بن عون بن عبدالله مدنی از صفوان بن یحیی از محمد بن ابراهیم از حنان بن ابراهیم از امام صادق روایت کرده است: هر گاه

شخص مبتلایی را دیدید، آهسته بگویید. و اگر آن شخص شنید، خدا، او را مجازات می‌کند زیرا آن شخص مبتلا می‌خواهد او را مجازات کند و خدا هم چنین خواهد کرد:

اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذی عافانی مِمّا اِبْتِلاكَ بِهِ وَ لَوْ شاءَ اَنْ يَفْعَلَ فِعْلٌ وَ الْحَمْدُلِلّهِ لَمْ يَفْعَلْ وَ لا يَسْمَعْهُ فَيُعاقِبُ.

* امام محمد باقر عليه السلام فرمود: اگر شخص مبتلایی را دیدید، آهسته بگو، بدون این که شخص بشنود.

اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذی عافانی مِمّا اِبْتِلاكَ بِهِ وَ فَضَّلَنی عَلَيْكَ وَ عَلٰى كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضيلاً.

دعا برای در امان بودن از بلاهای دردناک

* عبد الوهاب بن محمد المقری اهل مکه از ابوزکریا یحیی بن ابوزکایا از عبدالله بن ابوقاسم از شربت بن سابق از تفلیس از فضل بن ابوقره از امام صادق روایت کرده است:

این دعا برای کسانی است که به بیماری صعب العلاج مانند خارش زیاد بدن مبتلا شده‌اند. به این ترتیب که دست خود را روی بیمار گذاشته و این دعا را خوانده، سپس بعد از آن سوره حمد و آیة الکرسی و ده آیه از سوره یس روی آن خوانده و خدا را به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم تا شفا یابد و به اذن خدا شفا خواهد یافت. ان شاء الله و مجرب می‌باشد و آن دعا این است:

بِسْمِ اللّهِ بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ اِلَى اللّهِ وَ ماشاءَاللّهُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ اِبْراهيمُ خَليلُ اللّهِ موسىٰ كَليمُ اللّهِ نوحُ نَبِيُّ اللّهِ عيسىٰ روحُ اللّهِ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ مِنْ

كُلِّ بَلاءٍ فادِحٌ وَ اَمْر فاجِع وَ كُلِّ رَيحٌ وَ ارْواح وَ اَوْجال قسم مِنَ اللهِ وَ غَرائم مِنْهُ لِفُلانِ بْنِ فُلانَه الْيقربَهَ اِلأكله وَ غطره وَ أعيذُهُ بِكَلِماتِ اللهِ التّاماتِ الَّتي سُئِلَ بِها آدَمَعليه‌السلام رَبَّهُ فَتابَ عَلَيْهِ اَنَّهُ هوَ التَّوّابُ الرَّحيمُ ألا اَنَّهُ حرز ايهتا الْوجاع وَ الرّواح الصّاخيه بِإِذْنِ اللهِ بِعَوْنِ اللهِ بِقُدْرَةِ اللهِ أدا الْخَلْق وَ الْمر تَبارَكَ اللهُ رَبُّ الْعالَمينَ.

دعا برای باطل کردن سحر

* محمد بن جعفر برسی از احمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سیار از محمد بن فضل از عمر از امام صادق روایت کرده است:

امیر المؤمنین علی بن ابی طالبعليه‌السلام فرمودند: روزی جبرئیلعليه‌السلام به نزد پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آمد و عرض کرد: ای محمد!

پیامبر پاسخ داد: لبیک ای جبرئیل! بگو: آن چه را می‌خواهی.

جبرئیلعليه‌السلام گفت: ای پیامبر خدا! فلان یهودی، تو را جادو کرده و جادوی خودش را در چاه فلان قبیله پنهان کرده است، پس بهترین و عزیزترین و امین‌ترین و شجاع‌ترین یارانت را به دنبال آن بفرست، تا آن طلسم را به نزد تو بیاورد.

پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شخصی را به دنبال من فرستاد و من به نزد ایشان آمدم. به من فرمود: ای علی! برو به چاه بنی ذوران و از داخل آن چاه، جادویی که لبید بن اعصم یهودی مرا با آن جادو کرده است و آن را برایم بیاور.

من برای انجام درمان پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به آن چاه رفتم. آن چاه از جادو پر شده بود و کسی نمی‌توانست به داخل آن برود. من داخل آن رفتم ولی چیزی پیدا نکردم. همراهانم به من گفتند: که چیزی

درون چاه نیست.

سپس دوباره داخل چاه رفتم و به لطف خدای تبارک و تعالی، بچه‌ای پیدا کردم و آن را به نزد پیامبر خدا آوردم و به ایشان دادم. حضرت به من دستور فرمود: آن را باز کن، من نیز آن را باز کردم. داخل آن یک پایه نخل (کرب) داخل یک پارچه که بیست و یک گره داشت بود. در همان روز جبرئیل امین علیه السلام معوذتین (سوره ناس و فلق) را نازل فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: این دو سوره مبارکه را روی گره‌ها بخوان تا باز شوند.

من نیز این کار را کردم و در پایان هر دو سوره، یک گره از آن باز می‌شد تا وقتی که همه گره‌ها باز شد و خداوند تبارک و تعالی، رسولش را عافیت داده و او را صحیح و سالم قرار داد.

* و نیز روایت شده که در آن روز، جبرئیل امین علیه السلام و میکائیل علیه السلام به نزد ایشان مشرف شدند که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ قرار گرفتند. جبرئیل به میکائیل فرمود: چه اتفاقی برای این مرد (پیامبر خدا) افتاده است؟!

میکائیل عرض کرد: جادو شده است.

جبرئیل فرمود: به دست چه کسی این کار را انجام داد؟!

میکائیل فرمود: به دست لبید بن اعصم یهودی چنین کاری کرده است.

بعد از آن تمام روایت را ذکر کردند.

خواص سوره‌های معوذتین (فلق و ناس)

* ابراهیم بن بیطاری از محمد بن عیسی از یونس بن

عبدالرحمان که با یونس موصلی می‌گویند به خاطر زیاد خواند نماز آن می‌باشد از مسکان از زراره روایت کرده است: امام محمد باقرعلیه‌السلام فرمود: سحر و جادو به هیچ جای انسان جز به بینائی انسان تسلط و ضرر نمی‌رساند.

* و نیز از امام صادق‌علیه‌السلام درباره معوذتین پرسش شد که: آیا آن دو از قرآن هستند یا خیر؟!

حضرت فرمود: دو سوره از قرآن می‌باشند.

سپس آن مرد دوباره پرسید: ای پسر پیامبر خدا! این دو سوره در قرآنی که ابن مسعود نوشته است نیست؟!

امام صادق‌علیه‌السلام فرمود: ابن مسعود اشتباه کرده یا دروغ گفته است این دو از قرآن مجید می‌باشد.

آن مرد سؤال کرد: ای پسر پیامبر خدا! آیا باید به آن دو سورهٔ مبارکه اقرار کنیم؟

امام فرمودند: بله، باید به آن دو سوره مبارکه در قرآن اقرار کرده و یقین داشته باشیم. آن دو سوره مبارکه از قرآن می‌باشد و به وسیلهٔ وحی بر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است.

امام فرمود: ای مرد، آیا می‌دانی چرا این دو سوره نازل شدند؟

آن مرد گفت: خیر، نمی‌دانم مرا آگاه کن. به درستی که شما معدن علم و رسالت هستید.

حضرت فرمود: پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله به دست پسر اعصم یهودی جادو شده بود.

در همان حال ابوبصیر به امام صادق‌علیه‌السلام عرض کرد: ای پسر

رسول خدا! چگونه رسول خدا جادو شده؟!

فرمودند: بله، رسول خدا خود را در جماعتی می‌دیدند ولی در حالی که چنین نبود. و وقتی که می‌خواست از منزل خارج شود، در منزل را نمی‌دید تا وقتی که آن را لمس می‌کرد و به درستی که سحر و جادو حق است و آن به هیچ چیز مسلط نمی‌شود جز بر شچم و فرج. در همان حال جبرئیل علیه السلام نازل شد و ماجرا را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی را خواست و ایشان را به طرف چاه ذروان فرستاد تا آن جادو را خارج کنند و آن داستان پیشین را ذکر نمودند.

امام صادق می‌فرماید: در این موقع، آن دو سوره بر پیامبر نازل شد.

خواص نشستن در کنار مسحور شده

* سهل بن محمد بن ابراهیم محمد بن سهل از عبد ربه پسر محمد بن ابراهیم از ابن اروقه از ابن مسکان از حلبیی روایت کرده است: پدرم فرمود: نشستن کنار آن هیچ ضرری و بدی به شخص نمی‌رساند.

* و نیز محمد بن مسلم می‌گوید: دعای ذیل را امام صادق علیه السلام برای ما خواند و فرمود: این دعا، سحر و جادو را باطل می‌کند و افزود: این دعا را در یک کاغذ نوشته و روی گردن فرد جادو شده آویزان کنید تا سحر از آن باطل شود.

«قالَ موسىٰ ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللهَ لا يُصْلِحُ

عَمَلَ الْمُفْسِدينَ وَ يُحِقُّ اللهُ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجرِمونَ»(۱)
«أَأَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَناها رَفَعَ سَمْكَها فَسَوّاها»(۲) الْآيات
فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانوا يَعْمَلونَ فَغُلِبوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبوا صاغِرينَ وَ
أُلْقِيَ السَّحَرَةُ ساجِدينَ قالوا آمَنّا بِرَبِّ الْعالَمينَ رَبِّ مُوسىٰ وَ
هارونَ.(۳)

دعا برای در امان بودن از شرّ ظالم

اشعث بن عبدالله از محمد بن عیسی از امام رضا از امام موسی کاظم روایت کرده است:

منصور دوانیقی خواست امام صادق علیه السلام را به شهادت برساند به همین خاطر شخصی را به دنبال ایشان فرستاد و خود نقشه کشیده بود که هنگام رسیدن ایشان، امام را به شهادت برساند.

امام به نزد منصور رفت، وقتی مقابل او رسید به رویش خندید و منصور نیز خندید و امام را با احترام دعوت کرد که داخل کاخ شود.

امام وقتی که به تالار مخصوص رسیدند در آن جا نشستند.

منصور گفت: ای ابا عبدالله، به خدا سوگند من در این اندیشه بودم که هنگام ورود، تو را به شهادت برسانم، ولی وقتی که تو را دیدم خیلی خوشحال شدم و نقشه‌ای که داشتم را به کلی فراموش کردم. به خدا سوگند تو عزیزترین مردم در نزد خانواده‌ام هستی ولی ای پسر پیامبر خدا، ای ابا عبدالله، چرا من سخنان بد دربارهٔ شما گفتم.

امام فرمود: ای امیر، تو خواستی این حرف‌ها را بزنی.

۱- یونس/ ۸۱-۸۲.　　۲- نازعات/ ۲۷-۲۸.

۳- اعراف/ ۱۱۸-۱۲۲.

منصور دوانیقی خندید و گفت: به خدا سوگند راستگوتر از تو در جهان نیست، و تو راستگوترین شخص در نزد من هستی.

هر چه بخواهی به تو خواهم داد و از هیچ کار در حق تو دریغ نمی‌کنم و به درستی که هیچ ضرری از من به تو نخواهد رسید.

منصور با عزّت و احترام از امام پذیرایی کرد و وقتی که حضرت خواست از نزد منصور برود. منصور گفت: صبر کن، می‌خواهم هدیه‌ای بدهم، هر چه که می‌خواهی بگو تا تقدیم کنم.

امام صادق به او فرمود: من به هیچ چیزی نیاز ندارم ولی اگر می‌خواهی به من هدیه بدهی، بهترین هدیهٔ تو به من این است که شیعیانم را از زندانت آزاد کنی.

منصور گفت: من صد هزار نفر! از آن‌ها را به خاطر روی مبارکت آزاد می‌کنم!! سپس امام با احترام و سربلندی و افتخار با بزرگان قومش، قصر منصور را ترک کردند.

از ایشان سؤال شد؛ ای پسر پیامبر خدا! چرا وقتی که مقابل منصور قرار گرفتی، با نگاه محبت آمیز و چهرهٔ خندان به او نگاه کرده و زیر لب‌های خود زمزمه می‌کردید؟

فرمود: زیرا او قصد کشتن مرا داشت، به خاطر همین وقتی که او را دیدم این دعا را خواندم. که به وسیلهٔ آن از شرّ منصور به خواست خدا در امان باشم. یا مَنْ لا یُضامُ وَ لا یُرامُ وَ بِهِ تَواصَلُ الْاَرْحامُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اکْفِنی شَرَّهُ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ.

و به خدا سوگند، جز این سخن، چیز دیگری نگفتم.

آن مرد نیز به نزد منصور رفت و ماجرا را بازگو کرد! منصور گفت:

به خدا سوگند راست گفت: من در این اندیشه بودم که جان او را بگیرم ولی وقتی او را دیدم، آن چه را که در دلم بود فراموش کردم.

گرفتگی عضلات بدن

* احمد بن محمد جارود از محمد بن عیسی از داود بن زرین روایت کرده است

به نزد امام صادقعليه‌السلام رسیدم و عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! دیشب یکی عضلاتم گرفت و از شدت درد نتوانستم بخوابم. اکنون به نزد شما آمدم تا کاری برای من انجام دهید.

حضرت فرمود: هرگاه گرفتگی در عضلات خود احساس کردی، دست خود را بر روی آن گرفتگی بگذار و این دعا را بخوان، که خواست خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند، من فقط یک بار این کار را انجام دادم و دیگر به آن مبتلا نشدم.

دعا این است: اللهُ اللهُ اللهُ رَبّی حَقّاً.

* مفضل بن عمر جعفی می‌گوید: نزد امام صادقعليه‌السلام رسیدم. به من فرمود: ای مفضّل، این تعویذ را حفظ کن، برای گرفتگی عضلات و غیره مفید است.

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ کَمْ مِنْ نِعْمَةِ اللهِ فی عِرْقٍ ساکِنٍ وَ غَیْرِ ساکِنٍ عَلیٰ عَبْدٍ شاکِرٍ وَ غَیْرِ شاکِرٍ.

سپس با دست راست، ریش خود را بعد از نماز واجب بگیر و بگو: اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ کُرْبَتی وَ عَجِّلْ عافِیَتی وَ اکْشِفْ ضُرّی.

سپس حضرت فرمود: سعی کن با خشوع و خلوص نیّت و در

حال اشک ریختن این دعا را بخوانی.

در امان بودن از شرّ جن

* عبدالله بن یحیی بزاز از عیسی بن مسکان از عبدالله بن مفضل نوفلی از پدرش با اسناد از امام حسین روایت کرده است:

اگر من این کلمات را بگویم، همهٔ انس و جن با هم بر ضدّ من جمع شوند از آن‌ها نخواهم ترسید.

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ اِلَی اللهِ وَ فی سبیلِ اللهِ وَ عَلیٰ مِلَّةِ رَسولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ اَللّٰهُمَّ اکفِنی بِقُوَّتِكَ وَ حَوْلِكَ وَ قُدْرَتِكَ شَرَّ کُلِّ مُغْتالٍ وَ کَیْدَ الْفُجّارِ فَاِنّی اَحَبُّ الْاَبرارِ وَ اُوالِیُ الْاَخْیارِ وَ صَلَّی اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدِ النَّبِیِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ.

دعا برای در امان بودن از وحشت

* علی بن ماهان از سراج غلام امام رضا از جعفر بن دیلم از ابراهیم بن عبدالحمید از حلبی روایت کرده است: مردی به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! وقتی که من تنها می‌شوم از تنهایی می‌ترسم ولی وقتی با جمع باشم این طور نیست اکنون به نزد شما آمده‌ام تا برایم کاری انجام دهید.

امام فرمود: دست خود را روی قلب خود بگذار، و هفت بار این تعویذ را بخوان، به اذن خدا خوب خواهی شد و دیگر وحشت زده نخواهی شد. ان شاء الله تعالی.

راوی می‌گوید، من نیز این کار را انجام دادم و دیگر از تنهایی وحشت زده نشدم.

بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ.

سپس دست خود را روی سینه ات مسح کن و بگو:

اَعوذُ بعزة اللهِ وَ اَعوذُ بِقُدرَةِ اللهِ وَ اَعوذُ بِجَلالِ اللهِ وَ اَعوذُ بِعظمتِ اللهِ اَعوذُ بِجَمْعِ اللهِ اَعوذُ بِرسولِ اللهِ وَ اَعوذُ بِاَسْماء اللهِ مِنْ شَرِّ ما اَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ ما اَخافُ عَلىٰ نَفْسى.

از بین بردن وسوسه

* حسین بن بسطام از محمد بن خلف از علی بن وشا از عبدالله بن سنان روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! بیش‌تر وقت‌ها وسوسه در وجودم ایجاد می‌شود که مرا به کار خلاف هدایت می‌کند، چه باید کرد که از آن در امان باشم؟!

ایشان به او فرمود: دست خود را روی سینه‌ات بگذار و سه مرتبه این دعا را بگو، سپس سه بار دست خود را روی شکمت بگردان که به اذن خدای تبارک و تعالی خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: من چنین انجام دادم و از وسوسه در امان شدم و دیگر به آن مبتلا نشدم.

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ اَللّٰهُمَّ امْسِحْ عَنّی ما اَحْذَرُ.

* مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که می‌فرماید: امام سجاد علیه السلام، فرزندان خود را با این دعا تعویذ مـی‌نمود. و بـه دوستان و اصحاب آن را مـی‌آموخت. دست راست خـود را روی سینه خود قرار داده و می‌گویی:

بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ وَ بِصُنْعِ اللهِ الَّذی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهُ

خَبیرٌ بِما یَفْعَلونَ.

سپس می‌گویی:

اُسکُنْ اَیُّهَا الْوَجَعُ سَئَلْتُكَ بِاللهِ رَبّی وَ رَبِّكِ وَ رَبُّ کُلِّ شَیْءٍ الَّذی سَکَنَ لَهُ ما فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ.

دعا برای در امان بودن از سوزش باد دریاها

* عمر بن عثمان خزاز از علی بن عیسی از عمویش روایت کرده است:

به نزد امام موسی کاظم علیه السلام رسیدم و از سوزش بادهای گرم دریا نالان شدم و عرض کردم: صورتم را خیلی می‌سوزاند.

به من فرمود: در حالی که در سجده هستی، این دعا را بخوان. به خواست خدا خوب خواهی شد.

راوی می‌گوید: سوگند به خدایی که ایشان را به امامت گرامی داشت. تنها یک بار آن را انجام دادم. به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شدم و دیگر سوزش را احساس نکردم.

دعا این است:

یا اللهُ، یا اللهُ، یا اللهُ، یا رَحْمانُ، یا رَبُّ الْاَرْبابِ یا سَیِّدَ السّاداتِ، یا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ یا مالِكَ الْمُلْكِ یا مَلِكَ الْمُلوكِ اِشْفِنی بِشِفائِكَ مِنْ هٰذا داءٍ وَ اصْرِفْهُ عَنّی فَاِنّی عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ اَتَقَلَّبُ فی قَبْضَتِكَ فَاصَرَفْتُ مِنْ عِنْدِهِ.

دعا برای در امان بودن از شدت جان دادن

* احوص بن محمد از عبدالرحمان بن ابی نجران از ابی عیسی از حریز بن عبدالله سیستانی از امام محمد باقر روایت کرده است:

هر گاه نزد بیمار رفتید و او را در حال جان دادن دیدید و جان دادنش سخت باشد، به او بگو که این دعا را هفت بار بخواند تا خدای تبارک و تعالی در جان دادن او آسان گرداند.

اَعوذُ بِاللهِ الْعَظیمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ الْکَریمِ مِنْ کُلِّ عِرْقٍ نِقارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ.

سپس آن را با کلمات فرج تلقین کن.

راوی گفت: پرسیدم: کلمات فرج کدام هستند؟!

فرمود:

لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الْحَلیمُ وَ الْکَریمُ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ سُبْحانَ اللهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ وَ مافیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَّ وَ ما تَحْتَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ.

سپس صورت خود را به جایی که نماز می‌خواند، بگردان که خدای تبارک و تعالی جان دادن او را آسان می‌گرداند.

دعای جامع برای در امان بودن از شرّ همه چیز

* ابراهیم بن عیسی زعفرانی از محمد بن حبیب حارثی از ابن سنان از مفضل بن عمر روایت کرده است: امام صادق به من فرمود: نخواب، تا وقتی که خود را با یازده کلمه تعویذ کن، تا در امان باشی از شر شیطان و شر جن و شر انسان‌ها و شر گزنده‌ها و از شر درندگان و از شر آن چه راکه می‌ترسی در امان باشی.

عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا، آن یازده کلمه کدام کلمات هستند؟!

فرمود: در هنگام خواب بگو:

اَعوذُ بعزة اللهِ وَ اَعوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ وَ اَعوذُ بِجَلالِ اللهِ اَعوذُ بِجَمالِ اللهِ اَعوذُ بِسُلْطانِ اللهِ اَعوذُ بِدَفعِ اللهِ اَعوذُ بِمَنِّ اللهِ اَعوذُ بِجَمْعِ اللهِ اَعوذُ بِمُلْكِ اللهِ اَعوذُ بِتَمامِ رَحْمَةِ اللهِ اَعوذُ بِرَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ.

* حمزه ثمالی روایت کرده که می‌گوید: امام محمد باقر علیه‌السلام به من فرمود: خود و خانواده و فرزندان خود را با این دعا تعویذ کن تا از همه شرّهای دنیا و آخرت در امان باشی.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیم. بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ اَعوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ عَلىٰ ما يَشاءُ مِنْ شَرِّ كُلِّ هامَةٍ تَدِبُّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ اِنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ.

دعا برای تعویذ کردن مال و فرزند

* صالح بن احمد از عبدالله بن جمیله از علاء بن زرین از محمد بن مسلم از امام صادق روایت کرده است:

ثروت و مال و فرزندان خود را با این دعا تعویذ کنید که جبرئیل علیه‌السلام آن را برای تعویذ کردم امام حسن و امام حسین علیهماالسلام برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل کرد و فرمود:

این تعویذ امان از شرّ چشم زخم و شر شیطان و تمام جانوران و از شرّ جن و غیره می‌باشد.

اُعيذُ نَفْسي وَ ذُرِّيَتي وَ اَهْلَ بَيْتي وَ مالي بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ وَ هامَةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لامَةٍ.

دعا برای در امان بودن منزل از دزدی و غیره

* خضر بن محمد از احمد بن عمر بن مسلم از محسن بن احمد

از یونس بن یعقوب از امام محمد باقر از امام حسین علیه السلام روایت کرده است:

هر که منزل یا مغازه‌اش را یا هر چه که دارد آن را با این دعا تعویذ کند من شامن او خواهم بود که هیچ ضرری و سرقتی به آن چه که تعویذ کرده در شب و روز نخواهد رسید. این تعویذ را بعد از نماز عشاء بخواند.

دعا این است:

اَعوذُ بعزةِ اللهِ وَ اَعوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ وَ اَعوذُ بِمَغْفِرَةِ اللهِ وَ اَعوذُ بِرَحْمَةِ اللهِ وَ اَعوذُ بِسُلْطانِ اللهِ الَّذی هوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَ اَعوذُ بِکَرَمِ اللهِ وَ اَعوذُ بِجَمْعِ اللهِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ وَ شَیْطانٍ مَریدٍ وَ کُلِّ مُغْتالٍ وَ سارِقٍ وَ عارِضٍ وَ مِنْ شَرِّ السّامَةِ وَ الْهامَةِ وَ الْعامَةِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ صَغیرَةٍ وَ کَبیرَةٍ بِلَیْلٍ اَوْ نَهارٍ وَ مِنْ شَرِّ فُسّاقِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ فُجّارِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ فِسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ رَبّی آخِذٌ بِناصِیَتِها اَنَّ رَبّی عَلیٰ صِراطٍ مُسْتَقیمٍ.

دعا برای خارج کردن سمّ از بدن

* محمد بن اسود عطار از محمد بن عیسی از فضاله از ایوب از ابراهیم بن حسن از پدرش حسین بن یحیی روایت کرده است: خزنده‌ای مرا گزید و سم نیش آن در بدنم فرو رفت و از شدت درد آن نالان شدم. به همین خاطر نزد امام صادق علیه السلام رسیدم و جریان را برای ایشان بازگو کردم.

حضرت به من فرمود: پس از خواندن نماز صبح، دست خود را روی جایی که از آن درد می‌کشی بگذار، و آن را مسح کن، سپس

دست خود را روی سجده گاه خود گذاشته و بگو:

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ مُحَمَّدُ رَسولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ.

سپس دست خود را در جای که درد می‌کند، بگذار و هفت بار بگو:

إشْفِ یا شافی لا شِفاءَ إلاَّ شِفاؤُكَ لا یُغادِرُ سُقْماً.

دعا نزد مریض

* احمد بن محمد بن عبدالله کوفی از ابراهیم بن میمون از حماد بن عیسی از حریز از امام صادق از امام محمد باقر از پدران بزرگوارشان روایت کرده است:

هر مؤمنی که به عیادت برادر مؤمنش برود در حالی که برادر مؤمنش در بستر بیماری باشد در نزد او این دعا را بخواند که اگر از اجلش مانده است خوب خواهد شد به اذن خدای تبارک و تعالی.

دعا این است: أُعیذُكَ بِاللهِ الْعَظیمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَریمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نِقارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ.

دعا برای چشم زخم

* محمد بن سلیمان بن مهران از زیاد بن هارون عبدی از عبدالله بن محمد بجلی ازحلی از امام صادق روایت کرده است:

هر کدام از شما از زیبایی، قدرت، نیرو، و کار برادر مومنش تعجب کرد، همان موقع تکبیر کنند تا چشم زخم از او دور شود زیرا چشم زخم حق می‌باشد.

* محمد بن میمون بن مکی از عثمان بن عیسی از حسن بن مختار از صفوان جمال از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

هرگاه مردم را از قبر بیرون آوردند و به خواست خداوند تبارک و تعالی زنده شدند و از آن‌ها پرسیده شود که چگونه مرده‌اند.

بیش‌تر آن‌ها می‌کوشد که از چشم زخم مرده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه شخصی از شما از دوستش یا برادرش از کارش و یا چیزی از آن تعجب کند، پس خدا را ذکر کند تا به برادرش یا دوستش از چشم زخم ضرر نرسد، به درستی که چشم زخم، حق است. دعا برای پریشانی و درد

* حکیم بن محمد بن مسلم از حسن بن علی بن یقطین از یونس از ابن سنان از حفص بن عبدالحمید از محمد بن مسلم روایت کرده است: هرگاه فرزندان امام محمد باقر علیه السلام به نزد ایشان می‌آمدند و از دردی نالان بودند، حضرت خم می‌شد و فرزندش را می‌بوسید و به او می‌فرمود: چرا پریشان و غمگین هستی؟

عرض می‌کرد: فلان جا از بدنم درد می‌کند.

حضرت به او می‌فرمود: بعد از نماز ظهر ده بار بگو: «یاالله یاالله یاالله» که به درستی هیچ پریشانی و نادانی و بی عقلی و غمگینی این را نمی‌گوید، مگر این که خدا به او می‌فرماید: بنده من حاجت تو چیست؟ هر حاجتی که دارید در آن موقع از خدا بخواهید، که خداوند، آن را اجابت می‌کند.

* و نیز امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: دعای پریشان در شب این است:

يا مُنْزِلَ الشِّفاءِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ مُذْهِبَ الدّاءِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ اَنْزِلْ عَلَيَّ شِفاءَكَ شِفاءً لِكُلِّ ما بي مِنَ الدّاءِ.

* قاسم بن مهرام از محمد بن عیسی از ابواسحاق از حسین بن حسن خراسانی که او از بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام می‌باشد با جمعی از دوستان به حج رفته بود سپس به مدینه رفت و به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و از دعای پریشانی و غمگینی سؤال کرد.

حضرت فرمود: درمان پریشانی این است که وقتی که از نماز شب فارغ شد گونه راست خود را روی جای سجده گذاشته و این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ، عَلِیٌّ اِمامُ اللهِ فی اَرْضِهِ عَلیٰ جَمیعِ عِبادِهِ اِشْفِنی یا شافی لاشِفاءَ اِلاّ شِفاؤُکَ شِفاءً لا یُغادِرُ سُقْماً مِنْ کُلِّ داءٍ وَ سُقْمٍ.

خراسانی می‌گوید: نمی‌دانم امام صادق علیه السلام سه بار فرمودند یا هفت بار آن را تکرار کنیم.

و نیز روایت شده از امام صادق علیه السلام دربارهٔ کسی که پریشان خاطر یا به بیماری مبتلا باشد این دعا را بعد از نماز عشاء در شب جمعه بخواند که من این دعا را از پدرم امام محمد باقر، از امام سجاد، از امام حسین، از امام حسن، از امام علی، از رسول خدا، از جبرئیل علیه السلام از خدای تبارک و تعالی آورده که خیلی سودمند است.

لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ.[۱]

دعا کردن مادر برای فرزند

علی بن ولید عسکری از سالم ارقط که او خواهر زاده امام صادق می‌باشد روایت کرده است: من به یک بیماری سختی مبتلا شدم،

۱- انبیاء/ ۸۷

مادرم را به نزد دائی بزرگوارم امام صادق علیه السلام فرستادم که نامش ام سلمه دختر امام محمد باقر علیه السلام می‌باشد. با پریشانی خاطر و نگرانی که از بیماریم داشت از منزل خارج شد در راه حضرت، مادرم را دید به او فرمود: ام سلمه، چرا رنگ پریده و پریشان هستی؟

مادرم عرض کرد: پسرم به بیماری لاعلاج مبتلا شده است و به خاطر همین دل نگرانم.

امام صادق علیه السلام به او فرمود: برگرد و بالای پشت بام خانهٔ خود برو و روسری خود را از سرت در بیاور تا وقتی که موهایت زیر آسمان نمایان شود و این دعا را بخوان، و سپس به سجده برو. سرت را از سجده بر نمی‌داری مگر این که پسرت به خواست خدا خوب شده است.

راوی می‌گوید: من حرف هایشان را شنیدم و مادرم نیز پشت بام رفت و دعا را خواندند و به سجده رفتند. در همان لحظه به اذن خدای تبارک و تعالی خوب شدم و با دائی خودم امام صادق علیه السلام به مسجد رفتم و در حالی که آن بیماری از بین رفته و من سالم سالم‌تر از قبل بودم و دیگر به آن بیماری مبتلا نشدم.

دعا این است: رَبِّ اَنْتَ اَعْطَيْتَنيهِ وَ اَنْتَ هَبْتَهُ لی، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتِكَ الْيَوْمَ جَديدَةً اِنَّكَ قادِرٌ مُقْتَدِرٌ.

دعا برای درست کردن حجاب مقابل دشمن

* سعد بن محمد بن سعیدی از موسی بن قیس حناط از محمد بن سعید از فرزندان سعد پسر محمد از نصیری از امام صادق با اسناد از رسول خدا روایت کرده است: هر که دوست دارد شخصی

از آن دور شود و خدا، حجابی میان او و خودش قرار دهد این دعا را وقتی که او را دید بخواند به این شرط حتماً باید در هنگام دیدن او باشد نه پشت و بعد از آن.

دعا این است:

اَعوذُ بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهَ مِنْ حَوْلِ وَ خَلْقِهِ وَ قُوَّتِهِمْ وَ اَعوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ.

سپس این ذکر را بخواند که خداوند تبارک و تعالی به رسولش از راه وحی یاد دارد.

فَاِنْ تَوَلَّوا فَقُلْ حَسْبِیَ اللهُ لا اِلهَ اِلاّ هوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتَ وَ هوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ صَرفَ الله عَنْهُ کَید کُلِّ کائدٍ وَ مَکْرَ کُلِّ ماکِرٍ وَ حَسَدَ کُلِّ حاسِد.

صدقه برای بیمار

* ابراهیم بن یسار از جعفر بن محمد بن حکیم بن ابراهیم بن عبدالحمید از زرارة بن اعین از امام محمد باقر با اسناد از امام علی از رسول خدا روایت کرده است: بیماران خود را با صدقه دادن درمان کنید.

* و نیز فرمود: صدقه، بلا را دور می‌کند، پس بیماران خود را با صدقه دادن درمان کنید.

* و نیز فرمود: صدقه دادن، مرگ را از صاحبش دور می‌گرداند.

* امام موسی کاظم علیه‌السلام فرمودند: بیماران خود را با صدقه دادن درمان کنید که من چیزی را نمی‌شناسم که سریع‌تر از همه چیز اجابت می‌شود جز صدقه و هیچ چیزی را نمی‌شناسم جز صدقه

دادن که برای بیمار نافع باشد و زود رس باشد.

سوره قدر و درمان درد

* محمد بن یوسف موذن مسجد سرمن رای از محمد بن عبدالله بن زید از محمد بن بکر ازدی روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که بیمار شد و یا از دردی نالان شد یک کاسهٔ تمیز بردارد و در آن آب گذارد و روی آن با ترتیل، سی مرتبهٔ سوره قدر را بخواند، سپس از آن آب بنوشد و با آن وضو بگیرد و هرگاه آن آب کم شد به آن اضافه کند.

اگر سه روز این کار را انجام دهد به اذن خدا شفا می‌یابد از آن درد و یا بیماری و دیگر به آن مبتلا نمی‌شود. ان شاء الله.

دارو برای درمان تمام دردها

* محمد بن علی برسی از محمد بن یحیی ارمنی از سنان سنانی مفضل ابن عمر از امام صادق روایت کرده است:

این دارو از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و آن مانند دارویی که جبرئیل علیه السلام که آن را به حضرت موسی علیه السلام هدیه داده است که آن دارو از طریق پیامبران و حکماء و غیره رسیده که گاهی در نوع و اندازه و آن اشتباه کرده و دارو فاسد کرده و یا مصرف کننده را از پا در می‌آورد و اصل آن ناقص شده و خاصیت و فایده‌ای نداشت.

و دارو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این است:

چهار رطل سیر پوست کنده برداشته و آن را در یک شیشه بزرگ گذاشته، سپس چهار رطل شیر گاو را روی آن می‌ریزند و آن را به هم می‌زنند تا وقتی که سیر، شیر را جذب کند، سپس چهار رطل کره گاو

را بر روی آن می‌ریزید تا وقتی که جذب سیر شود، سپس چهار رطل عسل روی آن می‌ریزید و آن را به هم می‌زنید و بعد از آن به وزن دو درهم قراص در آن می‌ریزید و آن را می‌کوبید تا وقتی که سیر له شود. در همان حال که گرم است درِ شیشه را بسته و آن را در خاک پاک در طول فصل تابستان دفن می‌کنید، وقتی که تابستان رفت و فصل سرما رسید، آن را درآورده و از آن ناشتا به مقدار یک گردو بزرگ میل کنید که خیلی نافع می‌باشد.

خواص داروی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

* احمد بن محمد پدر عبدالله از عماد بن عیسی از حریز از امام صادق روایت کرده است:

خواص دارو حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم این است که هر که برای بیماری و دردش از آن بخورد، خوب خواهد شد و آن شفای همهٔ دردها و بیماری‌ها روحی و جسمی و روانی می‌باشد و به برادران مؤمن خودت طریقه ساخت و استفاده آن را بگوید که هرگاه برادر مؤمنت از آن استفاده کرد و شفا یافت برای تو پاداش آزاد کردن یک نفر از جهنم می‌باشد.

نزدیکی با همسر

* محمد بن عیسی از اسحاق بن عثمان از عثمان بن عیسی از محمد بن مسلم روایت کرده است:

مردی به نزد امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، من تاجر هستم و کنیز زیاد می‌خرم. دوست دارم چیزی به من بیاموزی تا بر توان جنسی من افزوده شود و با آن‌ها به خوبی

نزدیکی کنم بدون این که بدنم سست شود.

امام به او فرمود: یک عدد پیاز سفید برداشته و آن را ریز کرده و آن را با روغن زیتون روی آتش بگذار تا خوب سرخ شود، بعد از آن تخم مرغ برداشته و مقداری نمک بر آن اضافه می‌کنی و آن را به هم می‌زنی و سپس آن را از روی آتش پایین آورده و از آن میل کنی که این باعث می‌شود کمر انسان سفت شود و منی نیز زیاد شود.

آن مرد می‌گوید: من چنین انجام دادم و با کنیزانم هم بستر شدم و هیچ احساس سستی در بدنم نکردم.

* و نیز روایت شده که امام صادق علیه السلام به کسی دیگر که همان سؤال قبلی را سؤال کرده بود فرمود: سجده می‌روی و در سجده این دعا را می‌خوانی:

اَللّٰهُمَّ أَدِمْ فیهِنَّ لَذَّتی وَ كَثِّرْ فیهِنَّ رَغْبَتی وَ قَوِّ عَلَیْهِنَّ ضَعْفی جَلالاً مِنْ عِنْدِكَ یا سَیِّدی.

* و نیز فرمودند: سرمه کشیدن، مزاج انسان را زیاد می‌کند و حناء زدن چنین خواص را دارد و دوغ شیر برای کسی که آب کمرش کم است نافع می‌باشد.

* و نیز فرمود: هر، که فرزند ندارد، زیاد تخم مرغ بخورد که تخم مرغ، نسل انسان را زیاد می‌کند.

* و نیز فرمود: شما را خوردن کاسنی سفارش می‌کنم که کاسنی، آب کمر را زیاد می‌کند و چهره را نیکو می‌کند و طبع آن گرم و نرم است و باعث زیاد فرزندان پسر می‌شود.

* حارث پسر مغیر می‌گوید به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم و

عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا، من از اهل بیت علیهم السلام هستم، ولی فرزندی ندارم، چه کار کنم؟!

حضرت فرمود: در سجدهٔ آخر نماز عشاء این دعا را بخوان، در همان شب با زنت هم بستر شو که به خواست خدا صاحب فرزند می‌شوی.

راوی می‌گوید: من چنین انجام دادم، خدای تبارک و تعالی مرا صاحب دو فرزند به نام‌های حسن و حسین گرداند.

دعـــا ایـن است: رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ[۱] رَبِّ لا تَذَرني فَرْداً وَ اَنْتَ خَيْرُ الْوارِثينَ.[۲]

اوقات مکروه برای نزدیکی با همسر

* احمد بن خطیب نیشابوری از نضر بن سوید از فضاله بن ایوب از عبدالرحمان پسر سالم روایت کرده است:

به نزد امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و پرسیدم: ای پسر پیامبر خدا! آیا وقتی هست که جماع کردن در آن مکروه باشد؟

فرمود: بله، اگر چه حلال باشد: میان طلوع فجر و طلوع خورشید، و در بین غروب خورشید تا پایان آمدن شفق و روزهای که در آن خورشید خسوف می‌کند، و شب و روزی که در آن زلزله و یا بادهای سیاه و سرخ و زرد در آن باشد.

به درستی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با یکی از زنان خود در شبی که در آن کسوف ماه ایجاد می‌شود خوابید، در آن شب با همسرش نزدیکی نکرد. در آن هنگام زن با ناراحتی گفت: یا پیامبر الله! نزدیکی کردن با

۱- آل عمران/ ۳۸.   ۲- انبیاء/۸۹.

ما حرام و گناه است؟!!

پیامبر خدا در جواب فرمودند: آیا خبر نداری که نشانه‌ای از آیات خدای تبارک و تعالی در این شب ظاهر شده و من نزدیکی کردن را با تو را کراهت داشتم و دوست نداشتم که در این شب از نزدیکی کردن لذت ببرم و از آن قومی که خدا، آن‌ها را در قرآن ذکر فرمود که نفرین شده‌های خدا هستند باشم.

فرمود: «وَ اِنْ یَرَوْا کِسَفاً مِنَ السَّماءِ ساقِطاً یَقولوا سَحابٌ مَرْکومٌ»[۱] فَذَرْهُمْ یَخوضوا وَ یَلْعَبوا حَتّی یُلاقوا یَوْمَهُمُ الَّذی یوعَدونَ.[۲]

* امام محمد باقر علیه السلام فرمود: خدا، دوست ندارد کسی را که در ساعاتی که رسولش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نزدیکی کردن در آن ساعات را مکروه داشتند با همسر خود نزدیکی کند اگر شخصی این کار را کرد، سپس صاحب فرزندی شد، در فرزندش چیزی را می‌بیند که از آن خوشش نیاید و در همان موقع خواهد فهمید که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این ساعت مقرر نزدیکی کردن را مکروه دانسته است.

سپس فرمود: ای پسر سالم! آگاه باش هر که در ساعات ظهور نشانه‌های خدا از لذت نفس و هوای نفس خودداری نکند مانند کسی می‌باشد که آیات خدا را مسخره کرده و آن‌ها را باور ندارد.

مکروه بودن جماع در شب اول ماه

* عبدالله و حسین بن بسطام از محمد بن خلف از علی بن جهم

۱- طور/ ۴۴.
۲- زخرف/ ۸۳.

از سعد مولی روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه السلام رسیدم حضرت به من فرمود: از جماع با عیال خود در اول هر ماه بپرهیز و اگر جماع کردی و صاحب فرزندی شدی فرزندت دیوانه به دنیا می‌آید.

عرض کردم: فدایت شوم ای پسر پیامبر خدا! چرا در این موقع نزدیکی کردن مکروه است؟!

فرمود: آیا نمی‌بینی دیوانه‌ها در این وقت در شب اول ماه جنونشان بیش‌تر می‌شود.

مکروه بودن جماع در شب نیمهٔ ماه

* احمد بن حسن نیشابوری از نضر بن سوید از فضاله پسر ایوب از عبدالرحمان بن سالم روایت کرده است:

به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم مشرف شدم و عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! آیا شما در دو شب اول ماه نزدیکی کردن با عیال را مکروه می‌دارید؟ فرمود: بله، برای این که دیوانه‌ها در این وقت زیاد وحشت زده می‌شوند؟

عرض کردم: دربارهٔ اول ماه فهمیدم ولی دلیل کراهت شب نیمهٔ ماه چگونه است؟

فرمودند: به درستی که هلال ماه تغییر می‌کند و از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود و بعد از آن ناقص می‌شود که اگر در این شب نزدیکی کردی و صاحب فرزندی شدی، فرزندت مستمند می‌شود.

مکروه بودن جماع در حال خضاب

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن

سنان زاهدی از یونس بن ظبیان از اسماعیل بن ابوزینب از امام صادق روایت کرده است:

در حالی که موها را رنگ کرده‌اید با زنان خود هم بستر نشوید، اگر چنین کردید و صاحب فرزندی شدید فرزندتان نامرد و مخنث خواهد بود.

مکروه بودن جماع در شب سفر

* محمد بن اسماعیل بن قاسم از احمد محرز از عمر بن ابومقدم از جابر جعفی از امام محمد باقر از امام علی روایت کرده است:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزدیکی با همسر را در شبی که فردایش به سفر خواهی بود مکروه دانست و فرمود: اگر کسی چنین انجام داد و اجتناب نکرد و با عیالش نزدیکی نمود و صاحب فرزندی شدند، فرزندشان چپ چشم خواهد بود.

* و نیز امام محمد باقر از امام حسین علیه السلام روایت کرده که به اصحاب خود فرمود: اجتناب کنید از نزدیکی کردن با همسرتان در شبی که صبح آن روز می‌خواهید به سفر بروید، هر که از شما اجتناب نکرد و صاحب فرزندی شد فرزندش چپ چشم خواهد شد.

مکروه بودن جماع در نزد کودکان

* احمد بن حسن بن خلیل از محمد بن اسماعیل بن ولید بن مروان از نعمان بن یعلی از جابر روایت کرده است:

به نزد امام محمد باقر علیه السلام رسیدم. حضرت به من فرمود: بپرهیز وقتی که کودکی نزد تو باشد و با همسرت هم بستر شوی و کودک شما را ببیند و از کار شما خوشش بیاید!

عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا! آیا این کار کراهت شدید دارد؟

فرمود: نه، اما زمانی که صاحب فرزند شدی، شهرت و علم فرزندت به فساد و طغیان‌گری کشیده خواهد شد.

* خلف بن احمد از محمد بن مروان زعفرانی از بن ابی عمیر از سلمه بیاع صابری از ابی بصیر از امام صادق روایت کرده که فرمود: از نزدیکی کردن با عیال خود در کنار کودک بپرهیزید که شما را می‌بیند. به درستی که پیامبر خدا از این کار به شدّت پرهیز داشت.

مکروه بودن با جماع زن آزاد در نزد زن آزاد

* منذر بن محمد از علان بن محمد از ذریع از امام صادق از امام محمد باقر روایت کرده است: فرمود: با زن آزاد در نزد زن آزاد دیگر، نزدیکی نکن امّا نزدیکی کردن با کنیز در نزد کنیز دیگر اشکال ندارد!

دعا برای چهارپایان، در امان بودن از چشم زخم

* احمد بن حارث از سلیمان بن جعفر از امام کاظم از پدران بزرگوارشان روایت کرده است: فرمودند: دعا برای در امان بودن چهارپایان از چشم زخم در نزد ماست و آن این است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیم بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ خَرَجَ عَیْنَ السّوءِ مِنْ بَیْنِ لَحْمِهِ وَ جَلْدِهِ وَ عَظْمِهِ وَ عَصَبِهِ وَ عُرُوقِهِ فَلَقّیٰها جِبْرَئیلُ وَ میکائیلُ صَلَواتُ اللهُ عَلَیْهِما فَقالا اَیْنَ تَذْهَبینَ اَیَّتُهَا الْعَیْنَةِ قالَتْ اَذْهَبُ اِلَی الْجَمَلِ فَاَطْرَحُهُ مِنْ قَطارِهِ وَ الدّابَّةِ مِنْ مَقودِها وَ الْحِمارِ مِنْ اَکامِهِ وَ الصَّبِی مِنْ حِجْرِ اُمِّهِ وَ اُلْقِی الرَّجَلَ الثِّیابَ الْمُمْتَلی مِنْ قَدیمِهِ فَقالا لَها اِذْهَبی اَیَّتُهَا الْعَیْنَةُ اِلَی الْبَرِّیَّةِ فَثَمَّ حَیَّةٌ لَها عَیْنانِ عَیْنٌ مِنْ ماءٍ وَ عَیْنٌ مِنْ نارٍ وَ کَذٰلِكَ یَطْبَعُ اللهُ عَلیٰ عَیْنِ السّوءِ وَ

عَبَسَ حابِسٍ وَ حَجَرَ یابِسٍ وَ نَفَسَ نافِسٍ وَ نارَ قابِسٍ رَدَدْتُ بِعَونِ اللهِ عَیْنَ السّوءِ اِلیٰ اَهْلِهِ وَ فی جَنْبَیْهِ وَکَشْحَیْهِ وَ فی اَحَبِّ خِلائِهِ اِلَیْهِ بِعَزیمَةِ اللهِ وَ قَوْلِهِ:

«اَوَلَمْ یَرَ الَّذینَ کَفَروا اَنَّ السَّماواتِ وَ الْاَرْضَ کٰانَتٰا رَتْقاً فَفَتَقْنٰاهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلا یُؤْمِنونَ»[1] «فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَریٰ مِنْ فُطورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ اِلَیْكَ الْبَصَرُ خاسِئاً وَ هوَ حَسیرٌ»[2] وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ.

خواص خوردن انار با پیه آن

* سلیمان بن محمد موذن مسجد رسول خدا از عثمان بن عیسی کلابی از اسماعیل بن جابر از امام صادق از پدران بزرگوارش از امام علی روایت کرده است:

فرمود: خوردن انار با پیه آن، جلا دهنده معده می‌باشد و هر چه دانه که در معده جا گرفت حیات و زنده کنندهٔ دل می‌باشد و تنفس را راحت می‌کند و وسوسه‌های شیطان را به مدت چهل روز دور می‌گرداند. انار از میوه‌های بهشت می‌باشد که خدای تبارک و تعالی فرمود: «فیها فاکِهَةٌ وَ نَخْلٌ وِ رُمّانٌ.»[3]

* و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هر که پیش از خواب، انار بخورد، از نفس خود در امان است تا وقتی که بیدار شود.

خواص سیب

* جابر بن عمر سکسکی از محمد بن عیسی بن ایوب از بن

۱- انبیاء/ ۳۰.
۲- ملک/ ۳-۴.
۳- الرحمن/ ۶۸.

فضاله از محمد بن مسلم از امام صادق روایت کرده است: اگر مردم بدانند چه فایده‌های در سیب نهفته است بیماران خود را با هیچ چیزی جز سیب درمان نمی‌کردند.

* و نیز فرمود: سیب خیلی برای قلب مفید و آن را قوی می‌کند.

* ابوبصیر می‌گوید: شنیدم امام محمد باقر فرمود: وقتی که خواستید سیب را بخورید اول آن را خوب ببویید، بعد آن را بخورید زیرا با بوییدن سیب، همهٔ بیماری‌ها و دردها به خواست خدا شفا می‌یابد و چیزهای که روح و روان را اذیت می‌کند از میان می‌برد.

خواص گلابی

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان زاهدی از یونس بن ظبیان از مفضل بن عمر از محمد بن اسماعیل بن ابوزینب از جابر جعفی از امام محمد باقر با اسناد از امام علی روایت کرده است: فرمود: گلابی بخورید که گلابی قلب را جلا می‌دهد.

* و نیز زیاد بن جهم حلبی روایت کرده که می‌گوید: مردی در نزد امام صادق‌علیه السلام از درد قلب خود نالان شد و راه معالجهٔ آن را خواست. حضرت فرمود: گلابی بخور که گلابی، قلب را قدرت و نیرو می‌دهد.

خواص پرتقال

* ابوغیاث عبدالله بن بسطام از عبدالله بن ابراهیم از محمد بن جهم از ابراهیم بن حسن جعفری از امام صادق روایت کرده است: به اصحابش فرمود: پزشکان دربارهٔ خوردن پرتقال چه می‌گویند؟

عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا! آن‌ها ما را به خوردن آن قبل از غذا سفارش می‌کنند.

حضرت فرمودند: خوردن آن قبل از غذا اشکالی ندارد ولی خوردن آن بعد از غذا خیلی خوب و نافع‌تر است و شما را به خوردن مربای آن سفارش می‌کنم که دهان را مانند بوی مشک خوشبو می‌کند.

* و نیز در روایت دیگری فرمود: خوردن آن پیش از غذا خوب است و خوردن آن بعد از غذا، خوب‌تر است. سپس فرمود: خوردن پرتقال قبل از غذا معده را اذیت می‌کند و هرگاه چنین شد کشک بخورید که پرتقال را هضم می‌کند.

خواص به

* خضر بن محمد از علی بن عباس خرازی از ابن فضال از ابوبصیر از امام صادق با اسناد از امام علی روایت کرده است که فرمود: به، قدرت مرد را زیاد می‌کند و ضعف آن را از بین می‌برد.

* اشعث بن عبدالله از فرزندان محمد بن اشعث بن قیس از ابراهیم بن مختار از فرزندان ابن مختار بن عبیده از محمد بن سنان از طلحة بن زید روایت کرده که می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام رسیدم و در مورد حجامت کردن در روز دوشنبه سؤال کردم.

ایشان به من فرمود: حجامت کردن در روز دوشنبه بدن را ضعیف می‌کند.

پرسیدم: بدن من ضعیف شده چه کار باید انجام بدهم تا نیرو بگیرد؟

فرمود: تو را به خوردن به همراه هسته‌هایش سفارش می‌کنم، که بدن ضعیف را توانا خواهد نمود و معده را پاک و جلا می‌دهد.

درمان تلخی مزاج بدن

* ابراهیم بن محمد حمید انصاری از محمد بن مروان بن نجیح از عمر بن شمر از جابر بن یزید جعفی روایت کرده است: مردی به نزد امام صادق علیه السلام رسید و از تلخی زیاد مزاجش نالان شد که او را به حد مرگ رسانده بود.

ایشان به او فرمود: آلو بخور تا شفا یابی.

* و ازرق بن سلیمان روایت کرده که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ آلو سؤال کردم که چه خواصی دارد؟

ایشان فرمود: برای تلخی مزاج نافع می‌باشد و مفاصل بدن را نرم می‌کند ولی زیاد خوردن از آن باعث می‌شود که باد در مفاصل ایجاد کند.

و نیز فرمودند: خوردن آلو ناشتا، تلخی را از بین می‌برد ولی باد در شکم ایجاد می‌کند.

* و یکی از معصومین علیهم السلام فرمود: شما را به خوردن آلو خشک سفارش می‌کنم که ضررش از بین رفته و فایده‌اش باقی مانده است و پوست کندهٔ آن را بخورید که برای هر تلخی و گرمی و سوء هاضمه و غیره نافع است.

خواص کشمش

* محمد بن جعفر برسی از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان سنانی از مفضل بن عمر جعفی از امام صادق با اسناد از امام

علی روایت کرده است: هر که ناشتا بیست و یک دانه کشمش بخورد خداوند تبارک و تعالی تمام دردها و بیماری‌های او را دفع می‌کند.

* حریز بن عبدالله روایت کرده که می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره روایت فوق سؤال کردم و پرسیدم آیا این روایت درباره کشمش صحیح می‌باشد؟

فرمود: بله، چنین است.

خواص انجیر

* احمد بن عبدالله نیشابوری از محمد بن عرفه روایت کرده است:

روزی به نزد امام رضا علیه‌السلام در قصر مأمون در خراسان رسیدم و درباره خواص انجیر سؤال کردم؟

ایشان فرمود: خوردن انجیر خیلی خوب است و برای دل پیچه و سرماخوردگی خیلی نافع است پس از آن بخورید.

* و امام محمد باقر علیه‌السلام از امام علی علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: شما را به خوردن انجیر سفارش می‌کنم که انجیر بخورید که آن برای دل پیچه و سرما خوردگی خوب است و در خوردن آن زیاد روی نکنید. و به شما سفارش می‌کنم که ماهی کم بخورید زیرا ماهی، گوشت بدن را آب و بلغم را زیاد می‌کند و تنفس کردن را با مشکل مواجه می‌سازد.

* و نیز فرمود: انجیر بخورید که آن برای دل پیچه و سرماخوردگی خوب است ولی در خوردن آن زیاده روی نکنید.

خواص کاسنی

* محمد بن جعفر برسی از پسر محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان بن عبدالله سنانی زاهدی از یونس بن ظبیان از محمد بن ابی زینب از امام صادق با اسناد از امام علی روایت کرده است: کاسنی بخورید به درستی که این گیاه صبح نمی‌کند مگر این که یک قطره از آب بهشت روی آن بریزد.

* محمد بن ابی نصر از پدرش روایت کرده که می‌گوید: به نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم و در نزد ایشان از درد سر و دندان و درد چشم نالان شدم که از شدت درد آن‌ها صورتم ورم کرده است.

حضرت به من فرمود: آب کاسنی را گرفته و شکر را روی آن می‌گذاری و از آن میل می‌کنی.

راوی می‌گوید: من در همان شب، پیش از خواب این کار را انجام دادم و از آن میل کردم به خواست خدای تبارک و تعالی خوب شدم.

خواص هندوانه

* حنان بن ابراهیم بن محمد کرمانی از محمد بن نصیر بن محمد از مبارک بن عجلان از پسر اسامهٔ زید شحام از محمد بن مسلم از امام صادق با اسناد از امام علی روایت کرده است: هندوانه بخورید که ما اهل بیت، هندوانه را دوست داریم.

* و نیز روایت شده از ایشان که فرمود: هندوانه بخورید که هندوانه، عقل را زیاد می‌کند.

* ذریح روایت کرده که به نزد امام صادق علیه السلام رسیدم و دربارهٔ روایت فوق که از امام علی علیه السلام روایت شده سؤال کردم که فرموده

هندوانه بخورید که هندوانه عقل را زیاد می‌کند. آیا این روایت صحیح است و هندوانه چنین انجام می‌دهد؟

فرمودند: بله، چنین می‌باشد و من نیز می‌گویم: هندوانه برای درمان سرماخوردگی خیلی سودمند می‌باشد.

خواص چیدن ناخن‌ها

* محمد بن جهرم از محمد بن یحیی ارمنی از محمد بن سنان زاهدی از مفضل بن عمر جعفی از ابی ضبیان از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر از امام علی که درود خدا بر او و خاندانش باد روایت کرده است که فرمود: چیدن ناخن در روز جمعه قبل از نماز جمعه بیماری دردناک را از بین می‌برد.

* و نیز فرمود: چیدن ناخن در روز پنج شنبه، روزی را افزون می‌نماید.

خواص گوشت قرمز

* محمد بن منذر از علی برادر زادهٔ یعقوب از داود از هارون ابی جهم از اسماعیل بن مسلم سکونی روایت کرده است: مردی به نزد امام صادق علیه‌السلام رسید و گفت: ای پسر پیامبر خدا! گروهی از مشاریخ، این روایت را نقل می‌کنند که پیامبر خدا فرمود: خدا، قصابان را دوست ندارد و نفرین شده کسی که در خانه‌اش هر روز گوشت می‌خورد. سؤال کردم: آیا این روایت صحت دارد یا خیر؟!

امام صادق علیه‌السلام فرمود: آنها اشتباه می‌کنند فقط ظاهر آن را گفته‌اند و معنی آن را نگفته‌اند. به درستی که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: خداوند تبارک و تعالی نفرین می‌کند اهل بیتی که در آن

گوشت مردم را می‌خورند (غیبت می‌کنند).

* و نیز فرمود: گوشت قرمز، گوشت در بدن می‌سازد و عقل را زیاد می‌کند و هر که به مدت زیاد گوشت نخورد عقلش فاسد می‌شود.

* و در روایت دیگر فرمود: هر که چهل روز گوشت نخورد اخلاقش فاسد گشته و عقلش نیز فاسد می‌شود و هر که خُلقش بد شود در گوشش اذان بگوئید تا خوب شود.

خواص بادنجان

* ابوالحسن المعلی سجاد از ابی خیر رازی از محمد بن عیسی از محمد بن یقطین از سعد بن مسلم از ابی الاغر النجانی از ابن یعقوب روایت کرده است: بادنجان بخورید همهٔ بیماری‌ها را درمان می‌کند.

* و نیز فرمود: بادنجان برای معده خوب است و به کیسه صفرا ضرر نمی‌رساند.

* و نیز امام رضا علیه السلام به بعضی از شاگردان خود فرمود: بادنجان بخورید که آن در روزهای گرم سرد و در روزهای زیاد سرد گرم می‌باشد و در حالات دیگر اعتدال دارد و در همه حال و همه وقت خوب می‌باشد.

* راوی می‌گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: ریحان کوهی از ما و ترتیزک از بنی امیه است و حجامت در روز دوشنبه از ما و حجامت روز سه شنبه از بنی امیه است.

درمان زخم

* احمد بن عیسی از نضر بن سوید از امام موسی کاظم از امام صادق از امام محمد باقر روایت کرده است:

هر که زخمی شد مقداری قیر نرم بردارد و مانند آن پیه نـرم و پارچه تمیز برداشته و آن را داخل آن بگذارد سپس داخل یک ظرفی گذاشته با شیر آن را روی آتش ملایم گذاشته سپس بعد از ذوب شدن قیر و پیه آن را روی زخم می‌گذارد و اگر زخم کاری و عمیق باشد یک نخ کتان برمی‌دارد و داخل زخم گذاشته و آن مخلوط را روی آن ریخته و آن نخ کتان را شعله‌ور کند تا زخم خوب شود.

دعا برای برطرف کردن چشم زخم

* از معصوم روایت شده هر که به چشم زخم مبتلا شد بـر او سورهٔ حمد و فلق و ناس و توحید و آیة الکرسی خوانده شود و بعد از آن این دعا را خوانده و آن را داخل کاغذی نوشته و داخل گردن چشم زخم خورده گذاشته شود که به خواست خدای تبارک و تعالی چشم زخم از او دور می‌شود.

دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبّی لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ وَ اَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ لا حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ حَسْبِیَ اللهُ وَ نِعْمَ الْوَكیلِ ما شاٰءَاللهُ كانَ وَ ما لَمْ یَشاٰ لَمْ یَكُنْ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ «وَ اَنَّ اللهَ قَدْ اَحاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ عِلْماً»[۱] «وَ اَحْصی كُلَّ شَیْءٍ عَدَداً.»[۲] اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعوذُبِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسی وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ

۱- طلاق/ ۱۲. ۲- جن/ ۲۸.

أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها «اِنَّ رَبّی عَلیٰ صِراطٍ مُسْتَقیمٍ»[۱] «فَاِنْ تَوَلَّوا فَقُلْ حَسْبِیَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلاّ هوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ»[۲] بِسْمِ اللهِ رَبُّ عَبَسَ عابِسٍ وَ حَبَسَ حابِسٍ وَ حَجَرَ یابِسٍ وَ ماءَ فارِسٍ وَ شِهابَ قابِسٍ مِنْ نَفْسٍ نافِسٍ وَ مِنْ عَیْنِ الْعایِنِ رَدَدْتُ عَیْنَ العایِنِ عَلَیْهِ وَ عَلیٰ اَحَبِّ النّاسِ اِلَیْهِ فی کَبِدِهِ وَ کُلْیَتِهِ وَ دَمٍ رَقیقٍ وَ شَحْمٍ وَ سیقٍ وَ عَظْمٍ دَقیقٍ فی مالِهِ یَلیقُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ «وَ کَتَبْنا عَلَیْهِمْ فیها اِنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَیْنَ بِالْعَیْنِ وَ الْاَنْفَ بِالْاَنْفِ وَ الْاُذُنَ بِالْاُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُروحَ قِصاصٌ»[۳] وَ صَلَّی اللهُ عَلیٰ سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً.

دفع مورچه از منزل و غیره

* زیره سیاه راکوبیده و آن را داخل لانه مورچه ریخته شود و این دعا را در روی چیزی نوشته و در یکی ازگوشه‌های منزل آویزان کنید که به خواست خداوند تبارک و تعالی همه مورچه‌ها از آن جا دور می‌شوند.

دعا این است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ «اِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنونَ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ»[۴] وَ بِالنَّبِیّینَ وَ ما اُنْزِلَ اِلَیْهِمْ فَأَسْأَلُکُمْ بِحَقِّ اللهِ وَ بِحَقِّ نَبِیِّکُمْ وَ نَبِیِّنا وَ ما اَنْزَلَ عَلَیْهِما اِلاّ تَحوَّلْتُمْ عَنْ مَسْکَنِنا.

۱- هود/ ۵۶.
۲- توبه/ ۱۲۹.
۳- مائده/ ۴۵.
۴- نور/ ۲.